

شماره ۲۳۵  
دوره چهارم سال بیست و  
یکم اول بهمن ۱۳۸۳  
آمریکا کانادا ۱ دلار،  
اروپا یک یورو

# نبرد خلق

کارگران همه ی کشورها  
متحد شوید

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

یادداشت سیاسی

همایش در گرامیداشت حماسه سیاهکل  
و سی و چهارمین سالگرد بنیانگذاری سازمان  
چریکهای فدایی خلق ایران

چالش ولی فقیه با رفسنجانی

مهدی سامع  
روز سه شنبه ۲۹ دی ۱۳۸۳، هاشمی رفسنجانی در دیداری که دبیرکل و اعضای شورای مرکزی حزب مردم ساوه و زرند با وی داشتند، گفت: «مهمترین نگرانی این است که در حال حاضر اختلافات از حد سلیق، برخورد اندیشه و نقد فراتر رفته و به مچ گیری رسیده است.» وی سپس اضافه کرد: «از برخوردهای سیاسی کینه توزانه، پرخاشگرانه و طرد نیروها، کشور و انقلاب ضرر می بیند.» علی اکبر هاشمی رفسنجانی در پاسخ به درخواست حضور خود در انتخابات آینده رژیم گفت: «امیدوارم فرد نیرومندی مطرح شود و ما هم کمک کنیم.» و بلا فاصله افزود: «البته اگر به جایی برسیم که لازم باشد وارد صحنه شوم، دلیل و تفسیری برای نیامدن نمی بینم، چرا که زندگی ما جز خدمت به انقلاب و مردم تعریف نشده است.»

در این سخنان رفسنجانی مثل همیشه مقداری حقیقت با انبوهی فریبکاری و نیرنگبازی درهم آمیخته است.

وقتی رفسنجانی از «مچ گیری» در درون حاکمیت حرف می زند، به حقیقتی که البته همه ی مردم از آن اطلاع دارند اعتراف می کند. البته او از جنبه های توطئه گرانه مچ گیریهایی که این روزها به یک روش مرسوم در درون نظام تبدیل شده آگاهانه حرفی نمی زند تا شیادی و توطئه گری خود را تحت عنوان «زندگی ما جز خدمت به انقلاب و مردم تعریف نشده» پنهان کند.

رفسنجانی ابراز امیدواری می کند که برای سمت تدارکاتچی نظام «فرد نیرومندی مطرح شود» تا او هم کمکش کند. معنی دیگر حرف او این است که کسانی که تا کنون برای این سمت مطرح شده اند، نیرومند نیستند و بنابراین از کمک رفسنجانی نمی توانند برخوردار شوند. اما مساله به همین جا ختم نمی شود. بقیه در صفحه ۲

سرمقاله

گزارشی از نکات اجرایی یک کلان

سیاست

در صفحه ۳

سخنرانی  
منصور امان

گفت و گو با اعضای  
کمیته مرکزی

اجرای ترانه - سرودهای ماندگار توسط ارس - واحد  
موسیقی کارگاه هنر ایران

زمان: ۵ فوریه، ۴ تا ۸ بعدازظهر  
مکان:

Bruxelles- Midi  
Rue de Fort, 35 a  
Metro:  
Porte de Halle (linge 2)

تلفن تماس: ۰۰۳۲-۴۸۴۶۹۰۸۱۱

فراخوان به تظاهرات

در دفاع از حقوق پایمال شده ی مردم ایران

پنجشنبه ۱۰ فوریه ۲۰۰۵

پاریس - میدان تروکادرو - ساعت ۹ صبح

## یادداشت سیاسی

بقیه از صفحه ۱

اگر ۵ تن از ایادی خامنه ای که از طرف «شورای هماهنگی نیروهای انقلاب اسلامی» برای بررسی و تصمیم نهایی معرفی شده اند «نیرومند» نیستند، به طور مسلم افرادی مثل کروی و معین که از حمایت خامنه ای هم برخوردار نیستند نمی توانند از نظر رفسنجانی نیرومند باشند. بدین خاطر است که رفسنجانی با گفتن «البته اگر به جایی برسیم که لازم باشد وارد صحنه شوم، دلیل و تفسیری برای نیامدن نمی بینم» پیام روشنی به ولی فقیه نظام و همه ی باندها و دسته بندیهای درون نظام می فرستد. ارسال این پیام به ویژه برای خامنه ای گرچه بسیار دردناک است اما به علت این که از جانب رفسنجانی مطرح می شود، ولی فقیه نظام را در یک شرایط دشوار قرار می دهد. هاشمی رفسنجانی پیام خود را با زبانی مطرح می کند که خاص خود اوست. اما ترجمه صریح حرف او خطاب به خامنه ای این است که بحران عمیق تر و گسترده تر از آن است که کوتوله های سیاسی همچون علی لاریجانی بتوانند آن را مدیریت کنند.

در مقابل، خامنه ای دست به بازی چند گانه ای زده که به جای راهگشایی، بحران را حتی در میان ایادیش عمیقتر کرده است. از یک طرف کیهان شریعتمداری و پاسدار- پارلمانترها به رفسنجانی ناسزا می گویند و از طرف دیگر، روزنامه جمهوری اسلامی به شکلی هوای رفسنجانی را دارد.

در جلسه روز چهارشنبه ۹ دی مجلس ارتجاع، الیاس نادران که قبلاً معاون پارلمانی سپاه بوده، به شدت به رفسنجانی حمله کرد. حرفهای او مجلس را به تشنج کشید اما یکی از تیرهای خامنه ای به وسیله پاسدار الیاس نادران شلیک شد.

الیاس نادران می گوید: «تشخیص بزرگان بر این است که ایشان در مسوولیت فعلی برای نظام و رهبری مفیدتر است.» چه کسی شک می کند که این حرف از جانب خامنه ای که در سلسله مراتب نظام ولایت فقیه «بزرگتر» از رفسنجانی است، زده شده است.

تیر دوم را هفته نامه پرتوسخن، ارگان دایانوسورهای قم به نیابت از خامنه ای شلیک می کند و در شماره ۱۱ دی خود می نویسد: «آقای هاشمی که در سال ۷۶ با حمایت از خاتمی نیروها را

آزرد خاطر ساخته به خوبی می داند مورد وفاق همه گروهها نخواهد بود.»

و در همان روز یالتارات، ارگان لومین - حزب اللهیها تبری دیگر و این بار در هوا شلیک می کند تا شاید رفسنجانی را به قول این نشریه وادار به خاتمه دادن به «بازی می آیم، نمی آیم» در اواخر دی ماه کند و او را مجبور به موضع گیری زودرس نماید. اما همان طور که دیدیم، در روز ۲۹ دی ماه رفسنجانی بر همان موضع قبلی پافشاری کرد.

علت بازی چند گانه و وقت کشی از سوی خامنه ای این است که او منتظر نتیجه انتخابات عراق است. اگر نتیجه انتخابات عراق به شکلی باشد که ولایت خامنه ای را به نیروی غیر قابل مهار در صحنه سیاسی عراق تبدیل کند، در آن صورت، خامنه ای ترجیح می دهد تا باز هم کوتوله های سیاسی و پاسدارها را تقویت کند. این بازی با آتش البته هزینه های زیادی برای ولی فقیه در بر دارد که در مقایسه با منافع کلان «فرصت عراق»، تحت شرایطی قابل پرداخت است. تلاش خامنه ای و ایادی او این است که این شرایط را به نحوی آماده کنند که قادر به کنترل بحران ناشی از آن باشند.

جدالهای درون نظام در ماه گذشته که به قول رفسنجانی به سطح «میج گیری» رسید، برای خامنه ای این نتیجه را داشته که هیچ کارتی را قبل از روشن شدن نتیجه انتخابات عراق و پخته شدن شرایط برای تعرض ولایت فقیه ناپ از دور خارج نکرده است. گرچه بر قد و قواره علی خامنه ای، قبای ولایت فقیه ناپ بسیار گشاد است اما وقتی پای «امدادهای غیبی» و «فرصتهای رایگان» در میان باشد، کوتوله های سیاسی آن قدر «نیرومند» می شوند که رفسنجانی مجبور شود به آنان یاری رساند.

اما اکنون نه نتیجه انتخابات عراق مشخص است و نه آن شرایط لازم به وجود آمده است. از این رو در کنار میج گیریها، دیدارها و گفتگوها، تیغ کشیها و نوازش دادنها ادامه دارد.

به گزارش ایسنا روز سه شنبه ۲۹ دی اسدالله بادامچیان، قائم مقام دبیرکل حزب مؤتلفه اسلامی، درباره اقدامات «شورای هماهنگی نیروهای انقلاب اسلامی» پیرامون انتخابات ریاست جمهوری گفت: «تاکنون با پنج کاندیدای مطرح دیدارها و مذاکراتی صورت گرفته و تیم پیشنهادی آنها نیز مورد ارزیابی قرار گرفته است. با حجت الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی هم قرار دیدار گذاشته شد تا حضور یا عدم حضور ایشان مشخص شود.»

این حرف در شرایطی گفته شده که رسانه های حکومتی از شکاف و حتی انحلال «شورای هماهنگی نیروهای انقلاب اسلامی» خبر داده اند، خبری که گردانندگان شورای هماهنگی آن را تکذیب کرده اند اما همچنان از جانب گردانندگان این تشکل دست نشانده خامنه ای گفته می شود که کمیته پنج نفره شورای هماهنگی نیروهای انقلاب اسلامی، در حال گزینش نهایی یک نفر از بین پنج کاندیدای مورد نظر این شورا است اما هنوز به نتیجه مشخص نرسیده است. یکی از دلایلی که در مورد انحلال شورای هماهنگی گفته شده، خروج ولایتی از رقابت درونی و اعلام «مستقلانه» کاندیداتوری از جانب وی می باشد. اما دلیل مهمتر احتمال کاندیداتوری رفسنجانی بیان می شود.

روزنامه ایران در شماره روز ۲ دی خود نوشت: «سخنگوی جامعه روحانیت مبارز هم تاکید کرده است که در صورت ورود هاشمی به عرصه رقابتهای انتخاباتی، جریانهای اصولگرا در روش خود بازنگری خواهند کرد.» روزنامه اعتماد هم در شماره روز بعد خود در مورد جبهه گیری احمد توکلی، محسن رضایی و محمود احمدی نژاد در مقابل علی اکبر ولایتی نوشت: «محافظه کاران جوان به شدت با ولایتی مخالف و معتقدند وی از استقلال رای برخوردار نیست و اگر هاشمی نامزد شود به نفع او کنار می رود.»

این تنش آشکار چند روز پس از نشست ۲۷ آذر شورای هماهنگی، نشاندهنده اوج گیری بحرانی است که با مدیریت ناطق نوری در مقام دست راست خامنه ای قرار بود مهار شود. روزنامه ایران در ویژه نامه روز جمعه ۴ دی ماه ۱۳۸۳ خود، نشست ۲۷ آذر را «رویارویی جناح راست» می داند و می نویسد: «اکنون علی لاریجانی، علی اکبر ولایتی، احمد توکلی، محمود احمدی نژاد و محسن رضایی هریک برای در دست گرفتن این کلید طلایی (ریاست جمهوری) مدعی هستند و هیچ یک حاضر نیست صحنه را به نفع دیگری ترک کند.» و نتیجه می گیرد که: «راست نشینان ایرانی که گرد آمده بودند تا گره از کار فرو بسته شان بکشایند و کاندیداری نهایی خود را از میان پنج کاندیدای مطرح برگزینند برای پیشگیری از اختلافات، مقصود خود را به وقت دیگری موکول کردند.» روز یکشنبه ۶ دی، آفتاب یزد از قول محسن آرمین، سخنگوی مجاهدین انقلاب اسلامی می نویسد: «حضور اکبر هاشمی رفسنجانی نه تنها بحرانهای داخلی جریان مخالف

## حقوق بشر رژیم را به

## چالش می گیرد

زینت میرهاشمی

حکم سنگسار از جمله مجازاتهای وحشیانه ای است که در قوانین جزایی رژیم جمهوری اسلامی تاکنون جان عده ای را گرفته است. فشارهای نهادهای حقوق بشری و جامعه بین المللی در اعتراض به حکم سنگسار، رژیم استبدادی مذهبی را مجبور به لغو اجرای حکم تعدادی از زنان نموده است.

پیکرهای نجات یافته این زنان در حقیقت دستیافتهای مبارزه ای پیگیر و ممتد فعالان حقوق بشری در داخل و به ویژه در خارج از ایران است. آخرین حکم سنگساری که لغو شد، حکم سنگسار حاجیه اسماعیل وند است. پروسه روابط بین المللی با حکومت ایران در رابطه با حقوق بشر تا کنون نشان داده است که هر گاه فشارهای بین المللی بر روی رژیم زیاد شود به میزانی دست به عقب نشینیهای موقتی می زند. تا جایی که به روابط نهادهای دولتی با رژیم برمی گردد تزلزل این مناسبات به دلایل منافع اقتصادی، این عقب نشینیها را به مانورهایی بلند مدت و یا کوتاه مدت تبدیل می کند. اما تا

بقیه در صفحه ۱۹

اصلاحات را تشدید می کند بلکه اساساً احتمال موفقیت آن جریان را در انتخابات ریاست جمهوری، منتفی خواهد کرد.» و در همین روز شرق از قول محسن آرمین می نویسد: «به نظر می رسد که ریاست جمهوری برای جریان مخالف اصلاحات، لقمه راحتی نباشد. آنها این گام را نمی توانند به راحتی بردارند.»

روشن است که در این شرایط چالش اصلی ولی فقیه با «اصلاح طلبان» حکومتی نیست. واقعیت این است که برای ولی فقیه نظام، رفسنجانی لقمه ایست که نه می تواند آن را قورت دهد و نه قادر است آن را بالا بیاورد. این لقمه ای ست که اکنون در گلوئی خامنه ای گیر کرده و او درصدد است تا با یاری گرفتن از یک عامل خارجی که چیزی جز فرصت عراق نیست، این چالش را در مسیر ماندگاری ولایت بحرانی اش هدایت کند.

در این مناقشه درون حکومتی، مردم انتخاب خود را کرده و سالهاست که به اشکال مختلف آن را بیان می کنند. زنان و مردان ایران با تمامیت این نظام درگیر هستند و قدم به قدم در مسیر نفی آن پیش می روند.

سرمقاله ----

## گزارشی از نکات اجرایی یک کلان سیاست

منصور امان  
انتشار اطلاعاتی که از شناسایی اهداف بالقوه نظامی آمریکا در صورت حمله به ایران خبر می دهد، موضوع اقدام نظامی احتمالی این کشور علیه جمهوری اسلامی را بار دیگر در صدر انگاره هایی قرار داده است که در تلاش برای توضیح سمتگیری بحران روابط ایالات متحده و رژیم مالاها عنوان می گردد. آنچه که به اطلاعات مزبور به گونه درون مایه ای و به لحاظ میزان استنادپذیری آن ارزش متفاوتی بخشیده است، نخست منبع آرایه دهنده و سپس چگونگی واکنش کارگزاران رسمی آمریکا در برابر انتشار آن است. آقای سایمون هرش که نخستین بار در نوشته ای در روزنامه "نیویورکر" از عملیات اکتشافی نیروهای ویژه ارتش آمریکا در خاک ایران خبر داد، شهرت خویش را بیش از هر چیز به دلیل گزارشات و داده های متکی به شواهد مستند کسب کرده است. در پیشینه ای او، افشای کشتار غیرنظامیان دهکده ویتنامی "مای لای" توسط نیروهای ارتش آمریکا و از پرده برون افکندن رفتار وحشیانه و غیر انسانی اشغالگران با بازداشت شدگان در زندان ابوغریب به چشم می خورد. گزارشات آقای هرش، همواره با تکذیب مقامات دولت آمریکا روبرو شده است تا تنها چندی بعد بر درستی آنها صحنه گذاشته و خویش را در برابر پرسشها و مسوولیت ناخوشایندی که با آن چهره به چهره شده اند، بازبایند. واکنش مردم و نیمه قاطعانه ای مقامات کاخ سفید و پنتاگون در برابر افشاکاری جدید هرش را به دشواری می توان به پای تجربه اندوزی آنان از موارد گذشته و پرهیز از قراردادن خود در یک موقعیت ناهمگون و توجیه ناپذیر دیگر نوشت. دلیل این امر می تواند از عوامل گوناگونی سرچشمه گرفته باشد اما نتیجه ای که از آن برگرفته می شود تنها بر یک داده دلالت می کند و آن نزدیکی مشهود اطلاعات وی به حقیقت است. آقای دان بارتلت، مشاور رییس جمهور آمریکا، تکذیبی به خود را با "غیردقیق" خواندن "بسیاری از نکات" عنوان شده از سوی هرش فرمولیزه کرده است. او زیگ زاگ روشنگرانه خود را اینگونه ادامه می دهد: "من فکر نمی کنم هرش برخی از نتیجه گیریهایش را از فاکتورهای مشخص کسب کرده باشد."

مشاور کاخ سفید می توانست به سادگی اطلاعات منتشر شده را غیرواقعی و نادرست بخواند اما از این کار سر باز زد و در عوض از فاصله ای

مطمین به سبک و سنگین کردن آن پرداخت. همکار وی در پنتاگون، آقای لاورنس دیریتا، همین سبک را در اساس نگاه داشته و تنها اندکی تهاجمی تر از تکذیب صریح موضوع طفره رفته است. او تلاش نموده با طرح یک نظریه ی سنگین تر، بار گفته های هرش را ناچیز جلوه دهد، چیزی که به مفهوم رد کلی اطلاعات روزنامه نگار مزبور نیست. سخنگوی پنتاگون ابراز داشته است: "به اقدامات جدی تری از آنچه که هرش در مقاله اش آورده، نیاز است."

پیام نهفته در اطلاعات آقای هرش و برخورد رسمی پدیدآورندگان آن، از کاملاً ممکن تا بسیار محتمل بودن دستیاری آمریکا به راه حل نظامی برای حل بحران روابط خود با جمهوری اسلامی حکایت می کند. یک نتیجه گیری که در سازگاری با استراتژی عمومی ایالات متحده و به ویژه بخشی که پی افکندن "نظم نوین جهانی" در نخستین دهه های سده بیست و یکم را در برمی گیرد، قرار گرفته است. از این زاویه، داده های روزنامه نگار "نیویورکر"، تنها از حیث پرتو افکندن بر نکات اجرایی یکی از اجزای مشخص این کلان سیاست، می تواند تازه به شمار رود.

حقیقت آن است که طبقه ی ممتاز و راستگرایی سیاسی آمریکا، خود هیچ کوشش طاقت فرسای برای پنهان نمودن سیاست تهاجمی خود و طرحهای گنجانده شده در چارچوب آن به خرج نمی دهد. درک بهبودگی این تلاش با کاراکتر غالب بر ابزار اصلی مادیت بخشیدن به "نظم نوین" یعنی، ماشین جنگی و تاثیرات گسترده و دامنه دار آن، ارتباط مستقیمی دارد. حتی راهکارهای به ظاهر غیرنظامی مانند "طرح خاورمیانه بزرگ" نیز به دلیل سمتگیری منطقه ای و ویژگی جهان گشایانه ی آنان، بدون گسترده شدن آشکار در سطح، با ناهمگونی درونی دایمی و درمان ناپذیری روبرو خواهند بود. یافته های آقای هرش، قاعده ای کلی را تأیید می کند که تحت آن، جمهوری اسلامی به عنوان یک زیرمجموعه یا شاید مهمترین زیرمجموعه، از جایگاه ویژه ای برخوردار شده است. کم نیستند تحلیل گرانی که گمان می برند چگونگی گردش جهان در دومین دور ریاست جمهوری بوش، در تهران تعیین خواهد شد. ممکن است این برآورد اندکی گزافه آمیز به نظر آید، همزمان اما برای دریافت جایگاه کلیدی خاورمیانه در انگاشت نظم نوین و میزان حساسیت ایالات متحده نسبت به فاکتورهای دخیل در آن، بسا یاری دهنده است.

براساس تعریف جدید آمریکا از امنیت ملی خود، رژیم مالاها یک کاندیدای ثابت و واجد کلیه شرایط برای به شمار

آمدن در ردیف نخستین تهدیدهایی به شمار می رود که متوجه آن می باشد. تعریف مزبور، تروریسم مبتنی بر فنتیسم مذهبی (اسلامی) را به مثابه اصلی ترین تهدید نامتعارف در دوران معاصر برای آمریکا معرفی می کند. دشمنی که به دلیل رها بودن از قید نرملهای بین المللی، تنظیمات بین کشوری و ارزشهای متداول غرب، از توانایی تحرک و قدرت ضرب بالایی بهره مند است. راهبرد جدید، خصم نوین را به ویژه هنگامی خطرناک و مهار ناشدنی برمی شمارد که به منابع مالی هنگفت و تکنولوژی مدرن دسترسی یافته باشد، ابزارهای تعیین کننده ای که امکان برخورداری تروریسم از امکانات پیچیده لجستیکی، ارتباطی و جنگ افزارهای استراتژیک مانند سلاحهای کشتار جمعی را فراهم می آورد.

نظریه پردازان استراتژی امنیت ملی آمریکا، گمان می برند در بنیادگرایی اسلامی، سرچشمه، نیروی محرک و پشتیبان مادی تروریسم را باز شناخته باشند. یافته ای که تقریباً به گونه ای درون زاء، پای رژیم اسلامی حاکم بر ایران را به عنوان مظنون شماره یک، به میان می کشد. حتی اگر رابطه ی مادر - فرزند خوانده گی گروه های بنیادگرای لبنانی، فلسطینی، عراقی، اردنی و حتی فیلیپینی با مالاها ایرانی وجود نمی داشت، نزدیک به دوده تلاش زیر زمینی آنها برای دستیابی به دانش و تکنولوژی هسته ای، به تنهایی برای برانگیختن توجهات همراه با سوء ظن بدانان کافی به نظر می رسد. این در حالی است که پشتیبانی گسترده و اینجا و آنجا آشکار مالاها از اقدامات تروریستی دستجات بنیادگرای اسلامی و اقدامات بی واسطه ی خود آنان در این پهنه که از جمله حکم توقیف رهبر، رییس جمهور و وزیران خارجه و امنیت آن توسط یک دادگاه آلمانی را در پی داشته است، هرگونه تردید نسبت به جایگاه جمهوری اسلامی در این صنف مشکوک را از میان برده است.

تمرکز ایالات متحده پیرامون پروژه هسته ای مالاها، به گونه مستقیم از برآمدهای استراتژی امنیتی آن سرچشمه گرفته و به صراحت خنثی سازی تهدید درهم آمیزی بنیادگرایی مذهبی و تکنولوژی پیشرفته اتمی را آماج خود قرار داده است. یک تحول بر پایه چنین مشخصاتی، در مرحله ی نخست فرارویدن جمهوری اسلامی به قواره ی یک قدرت نادیده انگاشتنی منطقه ای و سپس کانالیزه شدن پتانسیل اعتراضی موجود در کشورهای با جمعیت اکثریت مسلمان در بنیادگرایی میلیتانت ترویج شده از سوی آن را به دنبال خواهد داشت. امری که دست کم در خاورمیانه و در مهمترین قلمرو تامین انرژی غرب،

نظم نوین را با خود در گرداب هرج و مرج و بی ثباتی فرو خواهد برد. از این جهت، رویکرد سرسختانه آمریکا در برابر رژیم مالاها و راه حلهایی که بدان می اندیشد، در یک تناسب ناگزیر با یکدیگر قرار گرفته اند. از همان هنگام که جنگ به مثابه ابزار مشروع حل اختلافات، به گزینه ای چشم پوشی ناپذیر در سیاست خارجی این کشور تبدیل شد، به گونه بالقوه طنین مارش حرکت سپاه و سازو برگ ایالات متحده به هرگونه ی جهان می توانست شنیده شود. هیچ دلیل روشنی در دست نیست که استثنای رویکرد بازهای آشپان جسته در کاخ سفید و پنتاگون را از این قاعده در مورد بحران جمهوری اسلامی، توضیح دهد. برعکس، شواهدی که مالاها به گونه پیوسته در اختیار همواردان خود در آن سوی اقیانوس اطلس می گذارند، کمک شایانی به تقویت این منطق کرده است.

در مقایسه با نمونه ی عراق که آمریکا توجیه لشگرکشی بدان را به ناچار از آمیزه ای از فرضیات اثبات نشده و تبلیغات دروغین پیرامون برخورداری این کشور از سلاحهای کشتار جمعی برگرفته بود، سخاوت مالاها در آرایه ی دلایل اتکاپذیر برای رویارویی با خود به هر شکل، به راستی مثال زدنی است.

تلاش تکنیکی، ساختاری و تاسیساتی جمهوری اسلامی در جهت دستیابی به تکنولوژی هسته ای با مصارف دوگانه، اثبات شده است و یک نهاد رسمی سازمان ملل یعنی، آژانس بین المللی انرژی اتمی این امر را تأیید می کند.

دستیابی جمهوری اسلامی به ماده اورانیوم، پیشرفت در غنی سازی آن و امکان استفاده متفاوت از این ماده، نگرانیهای معین پیرامون نقشه های مالاها را مدلل ساخته است.

و سرآخر، تولید موشکهای میان برد و دوربرد که قادر به حمل کلاهکهای هسته ای و هدف قرار دادن همسایگان دور و نزدیک و حتی شرکای اروپایی هستند، تردید در باره ی مقاصد صلح آمیز پروژه های مالاها را افزایش داده است.

بخش مهمی از علت تلاش فشرده اتحادیه اروپایی در جهت قانع ساختن جمهوری اسلامی به دست کشیدن از پروژه ی مشکوک و ناسازگار هسته ای خویش، آشکارا از این زمینه ی خطرناک و مساعد سرچشمه می گیرد. اگرچه ارزش گذاری آقایان بوش، چینی و رمفلد به کوششهای دیپلماتیک "اروپای قدیمی" به سرتکان دادن تاسف آمیز محدود می شود با این وجود، آنها می توانند به مدد فاکتورهای که در دست دارند، با آسودگی بر صندلیهای خود تکیه زده و به انتظار بقیه در صفحه ۱۹

## چالشها و رویدادهای جنبش کارگران و مزدبگیران دی ماه

زینت میرهاشمی

اعتراض کارگران به اخراج، بیکاری، عدم امنیت شغلی و عدم پرداخت حقوق در ماهی که گذشت جریان داشت. اعتصاب طولانی مدت کارگران نساجی کردستان در شهر سهندج و موفقیت آنها در دستیابی به بخشی از خواسته هایشان از جمله رویدادهای مهم جنبش کارگری در ماه گذشته بود. اخراج کارگران به بهانه تعدیل نیرو و با استفاده از ماده ۹ قانون نوسازی صنایع، همچنان رو به گسترش است. این کارگران با کارگران پیمانی جایگزین می شوند. از جمله نمودهای این سیاست در دی ماه، می توان اخراج کارگران در کارخانه تولیدی «نخ استرچ» در شهر چابکسر، اخراج ۱۲۷ کارگر از ماشین سازی لرستان و اخراج ۸۰ کارگر قراردادی شرکت «مادیران» واقع در ساوجبلاغ را برشمرد. کارگران پیمانی که در بدترین مناسبات کاری و استثمارگرانه قرار دارند، از تبعیض در حقوق رنج می برند. این کارگران با قراردادهای موقت علاوه بر عدم امنیت شغلی، امکان اعتراض برای بهبود وضعیت خود را هم ندارند. ۴ هزار کارگر پیمانی شرکت نفت آبادان، ماهیانه ۷۰ هزار تومان دستمزد می گیرند. بازتاب این حقوق ناچیز در زندگی کارگران یعنی فقر. این کارگران در بیم از دست دادن همین حقوق ناچیز و کار موقت، به این مناسبات ناعادلانه تن می دهند و هیچگونه ابزار و امکانی برای نشان دادن نارضایتی خود ندارند. تشکیلات مستقل کارگری و پیوسته گی و تداوم حرکتی اعتراضی، از جمله راهکارهای موثر برای بهبود وضعیت معاش کارگران خواهد بود.

## وضعیت نابسامان زنان کارگر

در حالی که حداقل حقوق کارگران در سال گذشته از طرف شورای عالی کار، ۱۰۶ هزار تومان تعیین شد. این میزان حقوق با توجه به این که هر خانواده کارگری به طور متوسط ۵ نفر را شامل می شود، به هرچه فقیرتر شدن کارگران کمک می کند. با وجود تعیین حداقل دستمزد، تعداد زیادی از مزدبگیران همچنان با حقوق ۷۵ هزار تومان در ماه زندگی می کنند. تبعیض جنسی چهره خود را در پرداخت حقوق کارگران نیز نشان می دهد. کارگران شرکت «ناران فیروزه» واقع در نیشابور، ماهی ۲۵ هزار تومان حقوق دریافت می کنند. این کارخانه، تولید کننده مواد شوینده و شیمیایی است. سعید عمرلو، دبیر اجرایی خانه دولتی کارگر در گفت و گو با ایلنا ۲۳ دی می

روز چهارشنبه ۹ دی ماه، کارگران شرکت رینگ سازی مشهد برای دومین بار به نشانه اعتراض دست از کار کشیدند.

کارگران شرکت آونگان واقع در اراک، روز جمعه ۴ دی، سی و هفتمین روز تجمع اعتراضی امیز خود را پشت سر گذاشتند. این کارخانه که در سال ۱۳۵۹ در اراک تاسیس شده، قبل از واگذاری به مدیریت جدید، ۷۰۰ شاغل داشت. به گزارش ایسنا ۴ دی، «۹۰ درصد از سهام این کارخانه را فردی از طریق بورس خریده است در حالی که در سال ۸۰، وزیر صنایع و معادن در زمان بهره برداری از کارگاه نورد در اراک، ۳۳ درصد سهام این کارخانه را به کارگران واگذار کرده بود.»

کارگران در همایشهای اعتراضی خود خواهان امنیت شغلی و واگذاری سهام به خود هستند.

اعضای شورای عالی سازمان نظام پرستاری، روز یکشنبه ششم دی ماه دست به تحصن اعتراضی زدند. پرستاران مدت دو سال است که در اعتراض به شرایط کار سخت و حقوق بسیار پایینشان، به طور مرتب اقدام به تحصن نموده اند. در طی این مدت، رژیم به اشکال مختلف و دادن وعده های فریبنده به تلاش برای خاموش کردن پرستاران دست زده است. اما مسایل و مشکلات پرستاران طی این مدت، کمترین بهبودی نیافته است. تعدیل و کاهش ساعات کار، تقسیم عادلانه کار، رفع تبعیض در پرداخت دستمزد، سخت و زیان آور شناخته شدن شغل پرستاری و اختصاص حقوق ویژه جهت نوبت کاری در روزهای تعطیل، از جمله مطالبات پرستاران در حرکتی اعتراضی ایشان بوده است.

اعضای شورای عالی نظام پرستاری روز یکشنبه در بیانیه خود ضمن تاکید بر ادامه اعتراض تا تحقق مطالبات خود، خواستار لغو خصوصی سازی خدمات پرستاری و لغو قرارداد شرکتها به ویژه آن دسته از دانشگاههایی که بخشهای ویژه و خانه های بهداشت خود را به بخش خصوصی واگذار کرده اند، شدند.

کارگران کارخانه نساجی سهندج در اعتراض به اخراج ۶ تن از همکارانشان و تاکید بر مطالباتشان، دست به اعتصاب زدند. کارگران اعتصابی خواهان پرداخت حقوق بیشتر برای کارگران پیمانی و پذیرش کارگران اخراج شده به کار که با کارگران قراردادی جایگزین شده اند، گردیدند. پایان بخشیدن به استخدامهای موقت، مداوی رایگان کارگران بیمار و تضمین امنیت شغلی، از جمله مطالبات کارگران نساجی کردستان بود.

این کارخانه در شهر سهندج در استان کردستان واقع شده است و بیش از نیمی از کارگران آن از آسیبهای

شنوایی و ریه و دیسک کمر رنج می برند.

اعتصاب یاد شده، ۱۵ روز ادامه داشت و با تحقق خواسته کارگران پایان یافت. کارگران در برابر گرفتن تضمین از طرف مدیران کارخانه مبنی بر عدم اخراج همکارانشان، به اعتصاب خود پایان دادند.

اتحادیه بین المللی کارگران آزاد در بیانیه ای در روز ۱۱ ژانویه ۲۰۰۵، از پیروزی کارگران نساجی کردستان در سهندج استقبال کرده است.

کارگران شرکت «کنف کار» در اعتراض به عدم پرداخت حقوقشان، روز پنجشنبه ۱۰ دی دست از کار کشیدند. شرکت «کنف کار» که در شهر رشت واقع شده، اخیرا به بخش خصوصی واگذار شده است. در این کارخانه ۲۵۰ کارگر به کار اشتغال دارند. به گزارش ایلنا ۱۱ دی، حقوق این کارگران از ماههای آبان و آذر امسال و همچنین مزایای کاری سال گذشته پرداخت نشده است.

پرستاران بیمارستانهای دولتی و خصوصی در شهر شیراز، روز ۱۵ دی در ساختمان مرکزی دانشگاه علوم پزشکی این شهر دست به گردهمایی اعتراضی زدند. کاظم محمدی، یکی از پرستاران معترض در گفتگو با خبرنگار ایسنا (۱۵ دی) گفت: «به ازای کارکرد به ما حقوق داده نمی شود. پرستاران بیمارستانهای خصوصی برای یک ساعت کار ۷۰۰ تا ۸۰۰ تومان حقوق می گیرند در حالی که ما برای همین زمان کار ۴۰۰ تومان می گیریم.» پرستاران روز یکشنبه ۲۰ دی در برابر مجلس، دست به گردهمایی اعتراضی زدند. اعتراض کنندگان خواستار سخت و زیان آور شناخته شدن حرفه پرستاری، پرداخت مطالباتشان، رفع تبعیض و نابرابریهای شغلی و اجتماعی شدند.

میرزابیگی رییس سازمان نظام پرستاری، در گفتگویی با ایلنا ۲۰ دی گفت: «بزرگترین اعتراض ما به کمبود نیروی انسانی، خصوصی سازی خدمات پرستاری، عدم رعایت عدالت در مقوله بهداشت و درمان برای مردم است.»

کارگران شرکت «سیانا»، روز شنبه ۲۶ دی در مقابل خانه کارگر اقدام به تجمع اعتراضی نمودند. این کارخانه در ساوه واقع شده و تولید کننده انواع کیک، بیسکویت و ماکارونی است. کارگران خواستار دریافت حقوق عقب افتاده و مزایای خود شدند.

## استخدام پیمانی و آسیبهای ناشی از آن

نیروگاه اتمی بوشهر از تعدادی از کارگران رسمی خود خواسته است که قرارداد رسمی خود را به قرارداد پیمانی تبدیل نمایند.

بقیه در صفحه ۵

## اعتصاب کارگران کارخانه مینو

## چالشها و رویدادهای

## جنبش کارگران ..

## انتخاب همین است

## کروبی در جستجوی

## اختر اقبال

لیلا جدیدی

هرچه زمان انتخابات ساختگی و نمایشی ریاست جمهوری در حکومت ولایت فقیه نزدیک می شود، حفره ای که حافظان نظام را از مردم جدا کرده است، عمیق و عمیق تر می گردد. صفحات روزنامه های رژیم از بحثهایی پیرامون "اختلافات درون جناحی" جناح متلاشی "دوم خرداد" و از سوی دیگر بلا تکلیفی رقیب و موافقت و مخالفت با کاندیداتوری رفسنجانی سیاه گشته است.

سرانجام و به ناچار، بی اعتنایی روشن و غیر قابل انکار مردم به این جدالها به ویژه به رسانه های حامل آن، توجه عده ای را به خود جلب کرده، به طوری که دست اندرکاران به فکرنجات خود از حفره ای که آنان را بلعیده است، افتاده اند. سینه زنان عزای "دوم خرداد"، رقابتی درون جناحی را "مبارک" و نشانی از "باز شدن فضای سیاسی" کشور می خوانند. محسن آرمین از آن هم فراتر رفته و می گوید: "این نشان رشد و توسعه یافتگی سیاسی و افتراق نیروهای اجتماعی موجود و دلیلی بر حرکت کشور در مسیر توسعه سیاسی اجتماعی می باشد." اما پاهنر، رییس فراکسیون اصولگرایان مجلس ارتجاع، ضمن تاکید بر "مبارک" بودن این کشاکش مضحک می گوید: "بهترین حالت آن است که مصلحتهای داخلی در نظر گرفته شود."

در همین رابطه، روزنامه رسالت در غم تیراژ پایین، به خود آمده و قصد بیداری هم نوعان خویش را کرده و بدین منظور می نویسد: "اگر می خواهیم بحث انتخابات به غیر از مطبوعات و رسانه ها به بدنه اجتماعی جامعه رسوخ کند، باید نامزدها اهداف خود را به مردم ارایه دهند."

سپس نوبت به موعظه های آخوندی می رسد. آشتیانی، نماینده رژیم از قم می گوید: "برای مقدمه چینی ظهور حضرت مهدی باید به فردی رای دهیم که به حکومت اسلامی پایبند باشد." مکارم شیرازی به همین ترتیب، شعارهای اسلامی را یادآوری کرده و از معتقدین به نظام می خواهد، "روش اسلامی" را پیش گیرند و شخص واحدی را برگزینند."

جعفر پویه

هزارو هفتصد کارگر کارخانه مینو دست به اعتصاب زدند. کارگران که در اعتراض به اجحافات کارفرما و عدم پرداخت حقوق شان به برپایی تجمعات اعتراضی پرداخته بودند، وقتی مذاکره با کارفرما را بی نتیجه دیدند، برای به دست آوردن حقوق خود بطور یکپارچه دست از کار کشیدند. کارفرمای کارخانه مینو به بهانه قانون نوسازی و بازسازی صنایع، از پرداخت مطالبات کارگران طفره رفته و در مذاکرات فی مابین نیز حاضر به قبول پرداخت حقوق کارگران نمی شود.

همزمان با اعتصاب کارگران شرکت مینو، کارگران بیمانی ایران خودرو نیز حدود چهل روز است که به دلیل کمی دستمزد و اختلاف فاحش آن با دریافتی کارگران رسمی، دست به اعتصاب زده اند. این کارگران با پافشاری بر خواسته های خود اعلام کرده اند که دیگر حاضر نیستند در زیر بار بردگی زندگی کنند. براساس خبرهای دریافت شده، از روز چهارشنبه ۲۹ دی، کارفرما حاضر به مذاکره با کارگران معترض شده است.

کارفرمایان و شرکتهای پیمانکاری که با همدستی دولت و حکومت به غارت کارگران مشغولند، حاضر نیستند همان اندک دستمزد کارگران را نیز بپردازند. به عنوان نمونه، کارفرمای برج میلاد که شرکت "بلند پایه ساز" وابسته به شهرداری تهران است با سوو استفاده از بی سوادی برخی از کارگران، قرارداد کاری آنها را به نحوی تنظیم کرده که مبلغ دریافتی کارگران بسیار کمتر از مبلغی است که کارفرما برای آنها تعیین کرده است. بنابر اخبار رسیده، این کارگران وقتی متوجه دغلاکاری کارفرما می شوند، دست به اعتصاب می زنند که اعتصاب آنان هنوز ادامه دارد.

روز سه شنبه نیز کارگران بهمن پلاستیک در مقابل مجلس آخوندها دست به تظاهرات زدند و خواهان پرداخت حقوق و دستمزد معوقه خود شدند. کارگران صنایع پوشش رشت نیز بیش از سه ماه است که حقوق دریافت نکرده اند و درحالی که مشغول به کارند، قادر به تامین معاش خود نیستند.

اعتراضات و اعتصابات در سراسر کشور در جریان است و این خود دلیل محکمی است بر ناتوانی و عدم کفایت مسوولان حکومت جمهوری اسلامی. اگر اعتصابات کارگران در سراسر کشور با یکدیگر هماهنگ شود و کارگران بتوانند در همبستگی با یکدیگر، لشگر کار را به میدان بیاورند، نه فقط حکومت پوسیده جمهوری اسلامی بلکه، نیرومندترین دولتها نیز در برابر آنان به زانو در خواهند آمد.

تنها با سازماندهی یک تشکیلات سراسری کارگری می توان به این مهم دست یافت و این وظیفه ای است که در برابر کارگران پیشرو و کارگران با سابقه واحدهای مختلف کارگری گذاشته شده است.

۳۰ دی ۱۳۸۳

بقیه از صفحه ۴

به گزارش خبرگزاری ایسنا ۳۰ آذر، مدیریت نیروگاه اتمی برای جایگزینی قرارداد رسمی به پیمانی، به کارکنان خود تا ۲۵ آذر مهلت داده است.

کارگران پیمان کار «شهاب خودرو»، طی نامه ای به اداره کار استان تهران، خواستار اجرای طرح طبقه بندی مشاغل شدند. به گزارش ایلنا ۸ دی، این کارگران با وجود داشتن مدرک و سابقه تخصصی چند ساله، مشمول طرح طبقه بندی مشاغل نبوده و مینا و سقف حقوقی آنها همان حداقل دستمزد تصویب شده توسط شورای عالی کار است.

## اخراج و بیکاری

۱۰۰ تن از کارگران شرکت تلویزیون شهاب، در آستانه اخراج قرار دارند. به گزارش ایلنا اول دی، این کارگران با قراردادهای موقت در این کارخانه مشغول به کار بودند که در پی تعدیل نیرو، اخراج و به خیل بیکاران خواهند پیوست.

شرکت «لاستیک پارس»، در راستای سیاست تعدیل نیرو، ۱۰۰ کارگر خود را اخراج کرد. این کارخانه در ساوه واقع شده است.

کارگران شرکت «کفش گام»، در آستانه بیکاری قرار دارند. به گزارش ایلنا ۲۳ دی، «کارخانه کفش گام با داشتن نزدیک به سه دهه سابقه تولید، دستگاههای مدرن و ۲۰۰ کارگر در آستانه انحلال قرار دارد.»

## عدم پرداخت دستمزد و وضعیت نابسامان معاش کارگران

کارگران شرکت ریسندگی و بافندگی «ایران برک»، مدت ۴ ماه است که دستمزد خود را دریافت نکرده اند است.

این کارخانه در استان گیلان واقع شده و فعالیت آن، پشم بافی و لباس دوزی است. کارگران «جهان خودرو»، مدت ۷ ماه است که حقوقی دریافت نکرده اند. این کارخانه که در ساوه واقع شده، تولید کننده موتور سیکلت است. به گزارش ایلنا ۹ دی، در پی فروش این کارخانه به شرکت «بن رو»، کارگران شاغل آن در وضعیت بد و بحرانی بسر می برند.

کارگران کشت و صنعت مغان، ۴ ماه است که حقوق خود را دریافت نکرده اند. کارگران شرکت «زرساب»، واقع در شهر ساوه، از ۴ ماه پیش دستمزدی دریافت نکرده اند.

کارگران روغن نباتی «دامون فریمان»، مدت ۵ ماه است که حقوقشان را دریافت نکرده اند. این کارخانه در استان خراسان واقع شده است. به گزارش ایلنا ۲۰ دی، کارخانه مزبور وابسته به بخش خصوصی بوده و ۱۰۰ کارگر رسمی و ۲۰۰ کارگر غیر رسمی در آن شاغل هستند.

منصور امان

حجت الاسلام کروبی با اعلام نامزدی خود در انتخابات ریاست جمهوری رژیم ملاحه، به گونه رسمی، پایان ائتلاف تشکیل شده پیرامون حجت الاسلام خاتمی را نیز اعلام کرد. متحندان آقای کروبی، جبهه مشارکت اسلامی و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، پیشتر آقای معین را به عنوان کاندیدای خود معرفی کرده بودند.

شکست "جبهه دوم خرداد" در دستیابی به توافق بر سر نامزد مشترک، پس از آن مهر گردید که آقای میرحسین موسوی، کاندیدای مورد پذیرش کلیه طرفها، پیشاپیش از دور رقابتها کنار گذاشته شد. آن گونه که پیداست، تمام تلاشهای به عمل آمده پس از این ناکامی با عدم موفقیت روبرو گردیده و راه متحندان پیشین در این نقطه از یکدیگر جدا می شود.

آن چه که رییس پیشین مجلس "اصلاح طلبان" و پشتیبانان وی را از آقایان محمدرضا خاتمی و بهزاد نبوی دور می سازد، ارزیابی شانس سپهیم شدن در قدرت در صورت باقی ماندن در کنار آنان می باشد. همراه با فرو شدن ستاره "اصلاحات"، اکنون آقای کروبی می بایست اختر اقبال خود را به تنهایی جستجو کند. گرایش راست "دوم خرداد"، هیچ تمایلی به سقوط بقیه در صفحه ۱۹

جالب توجه اینکه عده ای نیز دست به دامن عبای نوه خمینی شده و با جمع شدن دور او به نبش قبر خمینی و "تجدید میثاق با آرمانهای بنیان گذار" پرداخته اند. سید حسن خمینی، متولی قبر، با تکیه بر "نقش مهم دین بر نهادهای تبلیغی" به استقبال آنان رفته است.

این تلاشها تا شش ماه آینده کم و بیش ادامه خواهد یافت اما آنچه که شواهد روشن آن حتی انتخابات چپان را نیز به خود آورده این است که مردم ایران نیازی به شش ماه صبر ندارند. آنها گزینه خود را در آخرین انتخابات حکومت که از قضا شرکت فعالی نیز در آن داشتند، معرفی کرده اند: بی اعتنایی و نه به رژیم ولایت فقیه.

۲۶ دی ۱۳۸۳

## جهان در آینه مرور

## هم چین و هم آمریکا، پیام اتحادیه کشورهای جنوب شرقی آسیا

گردهمایی رهبران کشورهای عضو ASEAN (اتحادیه کشورهای جنوب شرقی آسیا) که اواخر سال ۲۰۰۴ به منظور امضای قرارداد تجارت آزاد با چین در پایتخت ویتنام صورت گرفت، آن چنان موفقیت آمیز بود که تاثیرات قابل توجهی را بر روابط تجاری کشورهای درگیر، به جا نهاد. براساس قراردادی که بین ده کشور آسیایی به امضا رسید، سدهای تعرفه ای و غیر تعرفه ای مابین آنان تدریجاً از میان برداشته شده و از این رو بسیاری از مشکلات تجاری آنان نیز حل خواهد گشت.

در واقع، شش عضو این گروه که به لحاظ اقتصادی بر دیگر اعضاء آن برتری دارند و شامل اندونزی، سنگاپور، مالزی، تایلند، فیلیپین و برونئی می باشند و همچنین چین، تا ماه ژوئی سال جاری، هزینه های گمرکی برای ورود چهار هزار نوع محصول را به پنج درصد کاهش داده و تا سال ۲۰۱۰، هزینه های مذکور به طور کامل از میان برداشته خواهد شد. این در حالیست که ویتنام، لائوس، کامبوج و میانمار، تا سال ۲۰۱۵، برای اجرای این امر فرصت خواهند داشت.

آنچه که در این نشست بر هیچیک از شرکت کنندگان پوشیده نبود و در واقع آنرا به نتیجه گیری نهایی رساند این واقعیت بود که در برابر حاکمان کشورهای مذکور، راه حل دیگری جز تن دادن به خواسته های چین که دارای اقتصادی به سرعت در حال رشد است، وجود ندارد.

از سال ۲۰۰۱، چین بیش از ۹ درصد سرمایه گذاریهای بزرگ را به خود جلب کرده است. این در حالیست که این مقدار پنج برابر کل سرمایه گذاریهای سایر کشور های عضو ASEAN است. طی ده سال گذشته، صادرات صنایع چین به دو برابر سهم خود رسیده است. در این رقابت، دیگر اعضای گروه مذکور، بازنده ای بیش نبوده اند.

در سال گذشته رشد اقتصادی جهان به ۵ درصد رسید که این بیشترین میزان رشد در ۳۰ سال گذشته می باشد. با توجه به اینکه در این میان آمریکا ۴/۴ درصد، اروپا ۲/۲ درصد، ژاپن ۴/۸ درصد، کشورهای در حال توسعه ۶/۶ درصد، آمریکای لاتین ۴/۴ درصد، آفریقا ۴/۵ درصد و آسیا ۷/۶ درصد رشد داشته اند، می توان به اهمیت رشد اقتصادی چین پی برد.

با این وجود، گسترش اقتصادی چین نیازهای تازه ای را در برابر این کشور قرار داده است. با رشد سالانه ۸ تا ۹

درصد، صنایع چین نیازمند دسترسی به مواد خام، انرژی و قطعات وسایل صنعتی گشته اند. از این جهت است که این کشور به سوی کشورهای جنوب شرقی آسیا روی آورده است. از سال ۱۹۹۵، مبادلات تجاری بین این کشورها با چین، ۱۵ درصد افزایش یافته است. این امر، روابط تجاری کشورهای عضو را با آمریکا به سرعت تحت الشعاع قرار داده است. بر اساس آمارهای اخیر، مبادلات با چین به ۱۰۰ میلیارد دلار رسیده است. این در حالیست که مبادلات تجاری با آمریکا، ۱۲۰ میلیارد دلار و با اروپا ۱۱۰ میلیارد دلار بوده است.

نگران از دست دادن تسلط اقتصادی در این منطقه، واشنگتن این نشست و نتایج حاصله از آن را تهدیدی انگاشته و از این رو واکنش سرد بدان نشان داده است.

روزنامه واشنگتن پست در این رابطه می نویسد: "این قرارداد نشان می دهد که چین با ایجاد متحدان جدید از نفوذ آمریکا در این منطقه کاسته و در نهایت چالشی بزرگ در برابر منافع واشنگتن ایجاد خواهد کرد."

باید توجه داشت که در سال ۱۹۶۷ و پس از کودتای خونینی که به پشتیبانی آمریکا در اندونزی روی داد، سازمان ASEAN تشکیل گشت. این گروه با هدف حمایت از آمریکا و علیه چین شکل گرفت. با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان جنگ سرد، تعدادی از اعضا کنونی گروه مذکور، متمایل به ایجاد همکاریهای اقتصادی با آمریکا گشتند. طی سالهای ۱۹۹۰، ویتنام، کامبوج و لائوس نیز به جمع آنان پیوستند.

رهبران این گروه از بالاگرفتن اختلاف و بحران در روابط چین و آمریکا سود جست و به تلاش در کسب رضایت هر دو کشور پرداختند. امروزه آنها هنوز به آمریکا برای بازار صادرات خود نیازمند هستند.

در شرایط کنونی جهان و بحرانی که ایجاد شده، رهبران گروه مذکور از رویارویی با کشورهایی که می توانند برای بازار آنان مفید باشند خود داری می کنند. برای پیشبرد این نظر، آنان از نخست وزیر استرالیا، جان هاوارد و همردیف نیوزلندی او، هلن کلارک نیز برای اولین بار جهت حضور در این نشست دعوت کرده بودند اما با پاسخ منفی دو کشور مذکور روبرو گشتند. شکی نیست که نزدیکی چین با ده کشور مذکور در روابط با آمریکا بحران هایی را به دنبال خواهد داشت. از هم اکنون می توان آثاری از این امر را در عدم پذیرش ریاست برمه در سال ۲۰۰۶ و هنگامی که نوبت این کشور در این گروه خواهد بود، مشاهده کرد. دولت بوش حتی به تحریم اقتصادی علیه این کشور دست زده است و در پی تغییر رژیم و استقرار حکومتی دست

نشانده خود برآمده است. این در حالی است که چین بر گرمای رابطه خود با برمه افزوده است. در سال جاری باید در انتظار حملات جدیدی از جانب آمریکا به بهانه های متعدد علیه این کشورها و همچنین صف بندی تازه ای در برابر این یارکشها بود.

## سونامی، فاجعه طبیعت و رویارویی طبیعت امپریالیسم و وابستگی

زمانی انیشتن اصرار می ورزید که خدا با جهان قمار نخواهد کرد. بی شک، این گفته اکنون نمی تواند در میان میلیونها نفر که همه هستی خود را تنها در طول یک لحظه ای کم ارزش در اثر فاجعه سونامی از دست دادند خریداری داشته باشد. در یک لحظه کودکان در ساحل پهناور اقیانوس هند و زیر آفتاب گرم به دنبال یکدیگر می دویدند، فریاد می زدند، می خندیدند و لحظه ای دیگر...

چهره های پژمرده، چشمان اشکبار و دستهای جستجوگر در انبوه گل و تکه پاره های خانه های ویران شده، عزیزان خود را با ناامیدی جستجو می کردند.

زمین لرزه و سونامی حاصل از آن که روز ۲۶ دسامبر در اقیانوس هند به وقوع پیوست، بیش از ۲۲۰ هزار کشته و نزدیک به ۵ میلیون نفر را در ۱۲ کشور، آواره بر جای گذاشت. این فاجعه تاثر عمیق مردم سراسر جهان را برانگیخت.

همپای مرگ و نابودی ای که این حادثه ایجاد کرد و داستانهای درد آوری که بر سر زبانها، صفحات روزنامه ها و رسانه ها انداخت، جهان نمونه هایی از شجاعت، همدردی، همبستگی و سخاوت مردم عادی در واکنش به این حادثه را نیز مشاهده کرد. از ساکنین مناطق نزدیک به حادثه گرفته تا توریستها، متخصصان، کارگران و مردم روستاهای اطراف، به کمک شتافتند. در ساعات اولیه، مردم کشورهای تحت تاثیر این فاجعه، با اهدای پول، کمکهای انسانی و از خود گذشتگی، به یاری بازماندگان و نجات قربانیان شتافتند. هنوز چندی نگذشت که کمکهای انسانی و مالی مردم و مددکاران کشورهای دیگر نیز بدان سو سرازیر گشت.

اما از جانب دیگر، اقدامات دولتهای آسیایی و بین المللی در برابر این فاجعه عظیم انسانی کند و ناکافی بود. هیچ یک از کشورهای منطقه زحمت اعلام اقدام فوری برای کمک به مردم را به خود ندادند. این در حالی بود که زمان و محل زمین لرزه ای که منجر به یورش سونامی شد، در همان ۱۵ تا ۳۰ دقیقه اول تشخیص داده شده بود. با این حال، هیچ حرکتی صورت نگرفت. در این منطقه، برخلاف اقیانوس آرام،

هیچگونه سیستم اعلام خطر وجود ندارد اما دولتهای حومه اقیانوس هند به هیچوجه آمادگی نداشته و تجهیزات رسیدگی به چنین فجایی را مهیا نکرده اند. اگرچه مددکاران ساعتهای زیادی را بی وقفه صرف کمک به قربانیان کردند اما این به هیچ رو جوابگوی نیازهای فوری آنان نمی توانست باشد.

آمریکا، اتحادیه اروپا، استرالیا و ژاپن که توان پرداخت بالاترین کمکها را هم به لحاظ پرسنلی و هم تکنیکی و تخصصی دارند، واکنشی بی اعتناگونه به این فاجعه داشتند. بر کسی پوشیده نیست که همه این کشورها دهها و بلکه صدها میلیارد دلار صرف تهاجم ناعادلانه به عراق و افغانستان کرده اند اما در برابر چنین رویدادی که بر زندگی میلیونها نفر تاثیرات خانمان سوز و مرگباری داشت، در مجموع حاضر به پرداخت تنها صد میلیون دلار شدند. مبلغی که حتی نیازهای فوری و پایه ای قربانیان این فاجعه را پاسخگو نبوده است.

سطح و مقدار این کمکها آن چنان به نسبت نیاز موجود پایین بود که جن اکلند، مدیر تدارکات کمکهای فوری در سازمان ملل در این باره گفت: "من نمی توانم بفهمم که چرا واقعا ما تا این حد خسیس هستیم. کریسمس باید حداقل به کشورهای غربی یادآوری کند که تا چه سطح از امکانات مالی برخوردار هستند." او ادامه داد: "این جا تعدادی از اهدا کنندگان هستند که در زمان قبل از رشد اقتصادی جهان دست و دل باز تر بودند." بنا به تخمین آقای ایگلند، دستکم ۱۵ میلیارد دلار برای رسیدگی به قربانیان "بزرگترین فاجعه طبیعی در تاریخ معاصر" لازم است.

کمکهایی که کشورهای غربی به خاطرش بسیار جار زدند و آن را به رخ جهان کشیدند، اکثراً قولهایی تو خالی بوده اند. گزارش سازمان OXFAM در این باره حاکی از ادامه همان روال برخورد با فاجعه زلزله بم و طوفان میچ در آمریکای مرکزی بوده که به هیچیک از قولهای داده شده عمل نشده است.

در این میان، رهبران آمریکا و انگلیس که به جنگ و کشتار علیه مردم آنهم به نام آزادی و زندگی بهتر پرداخته اند، نسبت به این فاجعه طبیعی واکنش طبیعی امپریالیستها را به نمایش گذاشته اند. رفتار بی تفاوت آنها از نخستین روز در برابر متلاشی شدن زندگی میلیونها نفر حتی رسانه های غربی را نیز به حیرت واداشت.

واکنش آنان در روزهای نخست سکوتی بود که سه روز به طول کشید. بوش به تفریحگاه خود در تکزاس و بلر

بقیه در صفحه ۷

## دانش آموزان و معلم یک روستا در آتش سوختند.

جعفر پویه  
دانش آموزان یک مدرسه ابتدایی روستایی در شهرستان لردگان، در آتش سوختند. این خبری است که توسط خبرنگارها از استان چهارمحال و بختیاری گزارش شده است و چنان فاجعه بار است که دل هر شنونده ای را بدر می آورد. مدرسه روستای لردگان تنها دارای یک کلاس بود که توسط یک سرباز معلم اداره می شد. علت آتش سوزی نیز مشتعل شدن بخاری نفتی مدرسه که فاقد هرگونه امکانات ایمنی بوده، گزارش شده است. معلم مدرسه، یعنی سرباز معلم جوان، تلاش می کند تا بخاری را به بیرون از مدرسه بکشد که در این کار ناموفق بوده و همراه با دانش آموزانش در آتش می سوزد. سردمداران رژیم جمهوری اسلامی که بر سر میلیونها دلار ذخیره ارزی کشور و بالا کشیدن آن از یکدیگر سبقت می گیرند، نه تنها حداقلی از درآمد فروش نفت که متعلق به مردم ایران است را برای بهبود آموزش و بهداشت مردم تخصیص نمی دهند بلکه، همه آنچه را که تاکنون بدست آمده بود را نیز بین سازمانها و تشکلهای سرکوبگر که وابسته به باندهای مافیایی حکومت می باشند، تقسیم کرده اند. مردم ساکن روستاها و شهرستاهای دور افتاده به دلیل عدم برخورداری از حداقلهای زندگی، خانه و مزرعه خود را رها کرده و برای ادامه زندگی روانه شهرهای بزرگ می شوند و اینگونه حاشیه نشینی شهرها گسترش می یابد و این مردم هم در آلودگیهای حاشیه شهرها، بدون برخورداری از حقوق شهروندی و دسترسی به امکانات موجود همگانی به زندگی مشغولند. حاصل این روند خالی شدن روستاها از سکنه و رشد حاشیه نشینی و نیروی کار ارزان برای سوواستفاده کنندگان از خانه خرابی مردم است. شانزده کودک دانش آموز مدرسه روستای سفیلان که یک کلاس داشت، در آتش بی توجهی مسوولان رژیم جمهوری اسلامی به وضعیت آنان سوختند. مسبب اصلی این جنایت کسی نیست جز سردمداران دزد و غارتگر رژیم که به جز پرکردن جیبهای خود به چیز دیگری نمی اندیشند.

۲۵ دی ۱۳۸۳

## چه کسی باید اینترنت را سانسور کند؟

منصور امان  
بازجو - دادستان مرتضوی، روز سه شنبه از فتح جدید خود در اقلیم سانسور و جلوگیری از دسترسی آزاد به اطلاعات خبر داد. وی در پایان نشست مشترک مسوولان دستگاه قضایی و وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، با خرسندی موظف شدن وزارتخانه یاد شده به همکاری با دایره ی خود و اجرای دستورات آن در زمینه مسدود کردن سایتهای اینترنتی را به اطلاع همگان رساند. نشست مزبور و نتیجه ی آن که توسط آقای مرتضوی اعلام شد، پس از آن ضروری گردید که دولت حجت الاسلام خاتمی ناراضیاتی خود از سانسور برخی پایگاه های خبری "اصلاح طلبان" و دستگیری افراد مرتبط با آنها را اعلام کرده و در صدد محدود کردن دایره ی امکانات قانونی باند رقیب برآمد. در این راستا، آقای احمد معتمدی، وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات در اوایل هفته، انحصار سانسور سایتهای خبری را در تملک کمیته سه نفره شورایی عالی انقلاب فرهنگی دانسته و تصمیمات آن را برای دستگاه آقای مرتضوی "لازم الاجرا" معرفی کرده بود. وی با مدد گرفتن از این استدلال که قانونی در باره فیلترینگ سایتهای اینترنتی وجود ندارد، به تقسیم کار خانوادگی این مهم اشاره کرد که براساس آن تنها "سایتهای غیراخلاقی" شامل قفل و بند بازجوی مربوطه و اداره تحت کنترل او می شدند. اکنون آقای معتمدی و دوستان دیگرش در کابینه، اعتراض خود را به شکل تحقیرکننده ای پاسخ گرفته اند. آقای مرتضوی سینه جلو داده است که دستگاه دولت می بایست اوامر وی در خصوص مسدود کردن پایگاههای اینترنتی را حتی "پیش از رسیدگی قضایی" به گوش گرفته و به دست اجرا بگذارد. بدین ترتیب دادستان عمومی و انقلاب اسلامی، نه تنها به یکباره برافراز "کمیته سه نفره" و سازوکارهای سانسور باند رقیب قرار داده شده است بلکه، آنان و در اینجا وزارتخانه ی آقای معتمدی و شرکت دولتی مخابرات نیز به عنوان بازوی اجرایی به خدمت وی فرستاده شده اند. شاید هنگامی که حجت الاسلام خاتمی از "تدارکاتچی" بودن قوه مجریه و رییس آن گلایه می کرد، به چنین مواردی اشاره داشت: انحصار در سانسور، انحصار در سرکوب.

۲۳ دی ۱۳۸۳

## جهان در آینه مرور

بقیه از صفحه ۶



به آفتابگیری در سواحل مصر پرداختند. پس از این سکوت، بوش از اهدای ۱۵ میلیون دلار کمک خبر داد و آنگاه که مورد تمسخر مردم جهان قرار گرفت، این کمک را به ۳۵ میلیون که حتی پول خرد نه جیب یارانش هم نیست رساند. فشار افتضاحی که این امر بار آورد او را مجبور به بالا بردن سقف اهدایه ی خود تا ۳۵۰ میلیون دلار نمود. این نیز به نسبت مبلغی که مردم عادی از درآمد خود برای کمک پرداخت کردند، بسیار ناچیز جلوه می کند. بوش و نو محافظه کاران آمریکایی که با سوار شدن بر مرکب اخلاقیات مذهبی در انتخابات ریاست جمهوری برنده شناخته شدند، با عدم همبستگی انسانی با مردم مصیبت زده آسیایی، میزان تعهد خود را به ارزشهای مذهبی که به گفته آنان مدافع زندگی و انسان است به نمایش گذاشتند. با این حال بوش ادعا کرد که دولت آمریکا دلسوز ترین و دست و دلبازترین کشورها بوده است. این در حالی است که مقدار اعلام شده به نسبت درآمد این کشور، به طور سرانه نفری ۲ سنت تخمین زده شده در حالیکه همین نسبت برای کشوری نظیر سوئد، بیش از ۸ دلار برای هر نفر را در برمی گیرد. در واقع، کمکهای ارسال شده نیز بیشتر برانگیخته از ملاحظات سیاسی بوده است تا انسانی. پتانسیل یک خیزش اجتماعی عظیم حتی قبل از وقوع این حادثه در این مناطق وجود داشته است. دولت‌های این منطقه به اعتراضات و تهدیدهای جدی از سوی جوامع خود که استانداردهای معیشتی زندگی آنها در اثر برنامه های "بازسازی" پایین آورده شده است، روبرو بودند. اثرات فاجعه سونامی، تفاوت سطح زندگی مردم فقیر و ثروتمند و ناکارآمدی سیاستهای اقتصادی را که بر پایه سود و نه نیازهای اجتماعی بنا گردیده را برجسته تر کرده است. قربانیان این فاجعه را اکثرا مردم فقیر تشکیل داده اند و به همین جهت اگر چه این یک فاجعه به دست طبیعت بود اما اثرات دردناک آن بیشتر حاصل دست سیستمهای غارتگر و قدرتمند سرمایه داری

حاکم بر این مردم می باشد. پاسخ سووالهایی که اکنون مطرح می شود از جمله اینکه چرا سیستم اعلام خطر در این منطقه نبوده، چگونه آمادگی برای رویارویی با چنین فجایعی وجود نداشته است و دلیل بی اعتنایی کشورهای تحت تاثیر فاجعه سونامی و کشورهای غربی، در عمق شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آفریده شده توسط حکومت‌های این جوامع نهفته است. در جریان فاجعه ۱۱ سپتامبر، مردم جهان به یاری و

همبستگی با خانواده نزدیک به ۳ هزار قربانی این فاجعه برخاستند. واکنش دولت بوش، نماینده سیستم لگام گسیخته امپریالیسم آمریکا، یافتن فرصتی طلایی برای گسترش امپراتوری خود بود، به طوری که اکنون ناچار به اختصاص بیشتر از ۲/۵ میلیارد دلار برای مصارف ۱۰ روز جنگ در عراق گردیده است. این در حالیست که در سال ۲۰۰۵، مبلغ مزبور به ۸/۳ میلیارد دلار در ماه افزایش خواهد یافت. همزمان، دولت بوش از ارایه خدمات انسانی از قبیل یاری به مردم سوگوار، آواره و آسیب دیده سونامی طفره می رود. این نکته را نیز باید توجه داشت که کشورهایی که بیشترین صدمات را از فاجعه سونامی دیده اند یعنی، اندونزی و سریلانکا، دارای فقیرترین ساکنین نیز بوده اند.

کسانی که دهها سال در اندونزی حکومت کرده اند، در سال ۱۹۶۵ با کوتای خونین ارتش سوارتو و پشتیبانی سازمان سیای آمریکا به روی کار آمده و رییس جمهور چپ و ملی، سوکارنو را سرنگون کرده و بیش از نیم میلیون تن از اعضای حزب کمونیست و گروههای چپ را قتل عام کردند. در سریلانکا نیز دولتی بورژوازی و شونیست بر سر کار بود که ثمری جز فقر و نابودی برای مردم این کشور نداشته است.

فجایع طبیعی اگر چه تا حدی اجتناب ناپذیر هستند اما تاثیرات گسترده و مرگبار آن را باید در شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بررسی کرد که حاصل دست قدرتها و سیاستهای اقتصادی آنان است. چه سخن انیشتن پذیرفته شود یا شکسپیر که می گوید: "ما در برابر خدایان مانند پشه هایی در دست پسرانی شرور هستیم. ما را برای تفریح خود قربانی می کنند." یا به عبارتی فاجعه طبیعی قابل کنترل یا غیر قابل کنترل، همبستگی مردم سراسر جهان در واکنش به این فاجعه بزرگ و بی اعتنایی استعمارگران نشان داد که انسانها تنها نقطه اتکا در مبارزه با فجایع طبیعت و طبیعت امپریالیستها هستند.



## دو تیغه یک قیچی

جعفر پویه  
تلاش یکصدساله مردم ایران برای دستیابی به آزادی و دموکراسی، سرگذشتی غمبار و خونین است. تسلط استبداد بر رگ و پی جامعه، محدود بودن ارتباطات و ناچیز بودن آموزش و تحت کنترل قرار داشتن آن توسط دو بازوی قدرت، یعنی شاه و شیخ، افق دید مردم را چنان محدود و تنگ کرده بودند که به جز صاحبان قدرت به چشم نمی آمدند. غیر از حاکمان قدر قدرت زورگو، همواره دو قدرت خارجی نیز دست اندرکار بودند که حاکمیت در نوع رابطه اش با یکی از آنها یا با هر دو شناخته می شد. دخالت روس و انگلیس در امور کشور گاهی انقدر پررنگ بود که بعضی از وابستگان به آنها با غرور سر خود را بالا گرفته و از داشتن چنین پشتیبانیانی به خود می بالیدند و بر سر در خانه آنها پرچم حامیان برافراشته بود. هرچند سالها بعد مشکوک بودن مردم به صاحبان قدرت و حکومتیان مورد تمسخر واقع شد و کار به جایی رسید که برای از دور بدرکردن حریف، انگ طرفداری از "تئوری توطئه" به کار افتاد و دایی جان ناپلئون نماد آن گشت ولی واقعیت چیزی جز این بوده و هست. زیرا کسانی که با حمایت مالی و نظامی انگلیس موفق می شوند تا سلطنتی جدید را بنیانگذاری کنند و بعدها با مساعدت و همکاری آمریکاییها کودتایی را سامان دهند تا بر موج اعتراضات مردم سرپوش بگذارند و آنان را سرکوب کنند، باید هم دایی جان ناپلئونی برای خود کارسازی کنند تا بر فرق حریفان سیاسی خود بکوبند. شلتاق کردن عناصر بیگانه در مملکت از یک طرف و ناتوانی حکومت در برابر اعمال آنان به دلیل وجود قانون بازدارنده که دست پخت مزدوران است را از طرف دیگر، مردم می بینند و باید باور کنند که دروازه تمدنی بزرگ در چشم انداز است. این را تنها اوج وقاحت می توان نامید! اما این همه ماجرا نیست، زیرا درس آموزی از تاریخ کار کسانی است که آنرا بی طرفانه مورد توجه قرار می دهند و در نوشتن آن غرض و مرضی هم درکار نمی کنند. اما اگر شایدان و دجالان بی چشم و رو در روز روشن آفتاب را انکار می کنند و با هزار دوز و کلک می خواهند به عوام بفرمانند که ماجرا چیز دیگری است، روشنفکر این جامعه چرا آستین بالا نمی زند تا خورشید حقیقت را از پشت ابرهای دروغهای شاخ و دم دار نمایان کند؟

سالیانی دراز است که شاه و شیخ در یک پیوند ناگسستگی با یکدیگر، بر ما حکم رانده اند. تاریخی برای ما ساخته اند که از هر گوشه آن هزاران جنایت

سرک می کشد. زیاد به گذشته برنی گردیم که واقعیت با افسانه مخلوط شده است، از صفویه هم درمی گذریم و تاریخ معاصر را نگاه کنیم. قاجار با آغامحمدخان شروع می شود که در هر جنگ و خونریزی، چندین بار قاطر رساله عملیه و مکتوبات مذهبی همراه داشته و جنگهای خود را "غزوه" می نامید و در راه خدا از گشته ی مخالفین پشته می ساخت. "خانبا" یا فتحعلشاه، بدون اجازه علما آب نمی خورد و خود را مجری دستورات علمای اعلام و احکام الهی می دانست. ناصرالدین شاه اگر دچار تیر میرزا رضا نمی شد، معلوم نبود شاید که عمامه گذاری هم می کرد. اما در این همدستی شاه و شیخ، مردم هیچگاه گریبان آخوندی را نگرفتند که: "تو بودی که حکم جهاد دادی و مردم را برای غزوه با روس منحوس و کافر بی دین نصارا به دم تیغ که سپردی هیچ بلکه، بخشی از خاک مملکت را نیز به باد دادی. تویی که همسفره جنایتکاران حاکمی و دین و مذهب را اسباب سفره ی ردالت خود کرده ای."

این جماعت حداقل در ذهن مردم نیز هیچگاه به پای میز محاکمه کشیده نشدند و از آنان بازخواست نشد زیرا خود را نماینده خدا روی زمین می نامیدند و به مردم نیز این اوهام را باورانده بودند. هنگامی که از تحریم تنباکو که به تحریک میرزای شیرازی انجام گرفت، سخن می رود، یک بخش از فتوای او خوانده نمی شود و از آن با عنوان "جنبش تنباکو" نام برده می شود. کسی نمی گوید که میرزای شیرازی در یک فتوا تنباکو، بانک و راه آهن را حرام اعلام کرد و ماهیت عمل او به غایت ارتجاعی و عقب مانده بود. هم آن کاری که خمینی در مخالفت با قانون کاپیتالاسیون کرد. او به جز مخالفت با این قانون ضد ملی، با حق رای زنان از موضعی کاملن ضد مردمی مخالفت می کرد و سالها بعد هم نه تنها از این کار پوزش نخواست بلکه، آنرا مایه مباهات خود و دارودسته اش هم قرار داد. به این دلیل می گویم که روشنفکر آستین بالا نمی کند و همه ماجرا را برای مردم توضیح نمی دهد و مقصر است.

اگر در گذشته آخوندها مکتبها و مراکز آموزشی را در دست خود داشتند و به کسی اجازه دانستن نمی دادند و کنترل خود را بر آموزش اعمال می کردند و از انتشار آموزه های روشنگرانه که ممکن بود ماهیت آنان را برای مردم برملا کند با اهرم تکفیر جلوگیری می کردند، اکنون در عصر ارتباطات و انقلاب انفورماتیک دیگر چرا؟ چرا مردم نباید بدانند که ماهیت حکومت پنجاه ساله پهلوی چه بوده و به چه دلیل مردم آنان را از اریکه قدرت به زیر کشیدند و

امپریالیسم چگونه توانست در یک زد و بند دیگر، آخوندهایی که در حکومت شریک بودند را در قدرت نگه دارد، تا منافعش حفظ شود؟

اکنون که بار دیگر مردم پس از بیش از ربع قرن استبداد و سرکوب آخوندها بنا دارند تا با حکومت مطلقه ی آنان تسویه حساب کنند، دوباره از قدرت رانده شدگان دیروزی قد علم می کنند و با داعیه وراثت تاج و تخت، خود را جایگزین آخوندها اعلام می کنند. یعنی این سیکل بسته شاه و شیخ، در یک دور تسلسل جایجا می شود و البته آنچه که مهم نیست مردم هستند. برای به قدرت رسیدن و سیاهی لشکر و جان نثار تاج و تخت، مردم همچون صاحبان رای به عنوان اعدادی دهن پرکن قابل قبولند، نه صاحب حق و صاحب قدرت. زیرا مملکت ارث خانوادگی کسانی است که برای سروری آمادگی خود را اعلام می کنند. انگار همین مردم نبودند که در سال ۵۷ آنان را با خفت از کشور راندند و بساط خودسری شان را برای همیشه برهم زدند. چاپلوسان، خواجهگان و آستان بوسان درگاه همایونی بار دیگر برای جان نثاری، دغلکارانه رنگ عوض کرده اعلام آمادگی کرده، تئوری می بافند و فراموش کرده اند که در سالهای قدرقدرتی شان چه بر سر مردم آوردند.

این نه دموکراسی است و نه حقوق بشر و نه احترام به حقوق شهروندی که قاتلان فرزندان مردم و سرکوبگران آزادیخواهان که میدانهای تیر را با خون بهترین جوانان مملکت آذین می دادند، بار دیگر این حق را داشته باشند تا برای قبضه قدرت و برقراری حکومت سرکوب، بخت خود را بیازمایند. این خودباختگی بخشی از روشنفکرانی است که درک خود را از آزادی، اینگونه به نمایش می گذارند. قیف دموکراسی خواهی و حقوق بشر آنچنان گل و گشاد است که بعید نیست که کت سیاههای تشکیلات فاشیستی سومکا همین جا در خارج کشور از خیلها ادعای خسارت کنند. انگار نه حزب رستاخیزی بوده و نه تهدید اینکه اگر به عضویت حزب در نیاید باید از کشور بروید و الا مثل موش دمتان را می گیریم و اخراجتان می کنیم. نه، باور کردنی است که رهبر فاشیستهای کت سیاه، اساسنامه حزب رستاخیز یا به قول آن زمانها "رسوا خیز" را نوشته و مردم را به زور دگنک وادار به عضویت می کرد و حال هم ادعای حقوق بشر و حق شهروندی دارد و آنچنان مظلوم نمایی هم می کند که انگار جای سرکوبگر و قربانی عوض شده است. شاید زمانی که در میدان تیر چیتگر به سینه آزادیخواهان شلیک می کردند، هنوز از حقوق بشر خبری نبود، اما امروز اینان کوروش را اولین برپای دارنده حقوق بشر می

نامند. و البته او همان کسی است که برایش لالایی خواندند که آسوده بخوابد، چون کس دیگری بیدار است.

بیداریشان چه بود؟ همزمان مشغول سر و سامان دادن به زندانهای انفرادی ای بودند که در گوهردشت ساخته می شد تا میراثی باشد برای بازماندگانشان تا از این یک فقره کمبود نداشته باشند. اگر امروز کسی از مدعیان تاج و تخت و شاهنشاهی بپرسد که به چه دلیل در تپه های اوین زندانیانی که حکم داشتند و در بیدادگاههای شما محاکمه شده بودند را به گلوله بستید، پاسخ می دهند که گذشته را رها کنید، باید به آینده اندیشید. اما به چه دلیل ما نباید از تاریخ درس بگیریم و جنایت و آدمکشی شماییان و پدران شما را فراموش کنیم؟ چرا تاریخ برای نمره گرفتن در کلاس درس مدرسه فقط قابل استفاده است؟ جواب خونهای به ناحق ریخته شده را چه کسی باید بدهد؟ خرابی و ویرانی، غارت و چپاولی که حاصل آن خانه خرابی مردم است پیشکشستان! آیا یکبار هم که شده نباید در جایگاه منتقد حکومت ظالمی که پوست از کله مردم می کند قرار گیرد و ببیزیرد که اشتباه کردید؟ اینکه آخرین گفته های محمد رضا "نوشته مشتی خودفروخته بوده و به او تحمیل شد"، به این معنی است که شما همان اندازه اعتراف به خطای او را هم نمی پذیرید. پس ما که شاهد بی عدالتی و ستمکاریهای شما بوده ایم، حق داریم باور نکنیم که از تاریخ آموخته باشید. زیرا روایت شماها از اتفاقات آنقدر با واقعیت فاصله دارد که بدون رودربایستی باید گفت، شایدید! جوانان و آزادیخواهان را به جوخه های اعدام سپردید و با ساختن جزیره آرامش که همان آرامش گورستانی است، آخوندها را رها کردید. نماد حکومت تان شعبان جعفری و طیب بود و اوج وقاحت آنجاست که مردم بسیاری به نان شب محتاج بودند و شما در آرزوی اینکه هر ایرانی یک پیکان داشته باشد زیرا کمپانی تالبوت از بلوچهایی که نان نداشتند مهم تر بود. خاک آذربایجان را به توبره کشیدید و کردستان را خون آلود تا صدای کسی نتواند آرامش گورستانی بهم زند. برای برپایی قمارخانه های لوکس، جنگلهای شمال را به خون آلودید و نفت را به ثمن بخش به بیگانه دادید تا بتوانید در پناه اسلحه های وارداتی به عمر حکومتان بیافزایید. اما هرگز به این فکر نکرده بودید که اساس ستم بی بنیاد است.

شاید نسل جدید را بشود با محملاتی چند فریفت و خودرا بیگانه جلوه داد اما در مقابل پرسشی که کارنامه اعمال شماست چه می کنید؟ شماها باید روزی پاسخ مردم را بدهید که بالاخره کودتای ۲۸ مرداد توسط سیا انجام گرفته است یا خیر؟ هرچند که اول باید بقیه در صفحه ۹



## رویدادهای هنری

لیلا جدیدی

## جایزه "انتخاب مردم" نشانی از تناقض در افکار عمومی مردم آمریکا

فیلم مستند فانهیات ۹/۱۱ به کارگردانی میکال مور به عنوان محبوبترین فیلم سال برنده جایزه "منتخب مردم" شد. این فیلم که حقایق پشت پرده اقدامات دولت بوش پس از فاجعه ۱۱ سپتامبر را به نمایش گذاشته است، در سال گذشته جنجالی ترین فیلم روی اکران بود. نزدیک به ۲۵ میلیون نفر از طریق اینترنت در این انتخاب نقش داشتند. گزینش این فیلم که ادعا دارد اعضای دولت بوش از دروغگویان و دزدان تشکیل شده درست یک هفته پیش از مراسم سوگند خوری بوش به ریاست جمهوری پاسخی مناسب به رسانه های جمعی آمریکاست که تلاش می کند بوش را محبوب مردم معرفی کند.

فیلم فانهیات ۹/۱۱ با کسب ۱۲۰ میلیون دلار بیشترین فروشی را که تاکنون یک فیلم مستند داشته است، دارا بوده است. همچنین در اولین هفته فروش DVD آن ۴/۷ میلیون کپی به فروش رفت.

مور هنگام دریافت جایزه گفت: "ما در کشور خوبی زندگی می کنیم و همه ما وطنمان را دوست داریم. من واقعا از اینکه شما مردم آمریکا به این فیلم رای داده اید خوشحالم. من می دانم که امروز مادران و پدران زیادی فرزندانشان در عراق هستند. ما برای آنها دعا می کنیم و من این جایزه را به آنها تقدیم می کنم. من از همه کسانی که رای داده اند تشکر می کنم و می خواهم که نا امید نشوند. این کشور متعلق به ماست نه متعلق به جناح راست یا چپ. دمکرات یا جمهوریخواه. اینجا متعلق به ماست و من این جایزه را دعوتنامه ای از جانب شما قلمداد می کنم برای ساختن فیلمهای بیشتری مانند این فیلم."

با این حال فیلم مصائب مسیح به کارگردانی مال گیسون نیز برنده بهترین فیلم درام شد. این امر نشاندهنده تناقض و سردرگمی در افکار عمومی جامعه آمریکا است. مایکل مور در این باره گفت من و گیسون هر دو کاتولیک هستیم اما در دو سوی متضاد. او گفت: "فیلم می توانست مرحمت مسیح نام داشته باشد." از سوی دیگر اینکه جمهوری خواهان هنگام انتخابات ریاست جمهوری به روی مسائل همجنس گرایی حساسیت و مخالفت زیادی

نشان دادند، الن دجینیز معروفترین همجنس گرا در میان هنرمندان آمریکائی برنده جایزه بهترین کمترین سال و ویل و گریس که هر دو همجنس گرا هستند برنده بهترین سریال تلویزیونی شدند.

## مراسم دویستمین سالگرد در گذشت شیلر

شهر وایمار در آلمان سال ۲۰۰۵ را به مناسبت دویستمین سالگرد درگذشت فردریش شیلر بیش از صد مراسم برگزار خواهد کرد. احتمال می رود که بیش از چهار میلیون نفر در این مراسم شرکت کنند. شیلر نویسنده و شاعر پر ارزش آلمانی به همراه دوستانی شاعر و یا نویسنده اش از جمله گوته در حول سالهای ۱۸۰۰ که در این شهر کوچک زندگی می کردند، آنرا به یکی از مراکز بزرگ فرهنگ بشر تبدیل کرده بودند.

## کنسرتهای انتفاعی برای یاری به آسیب زدگان سونامی

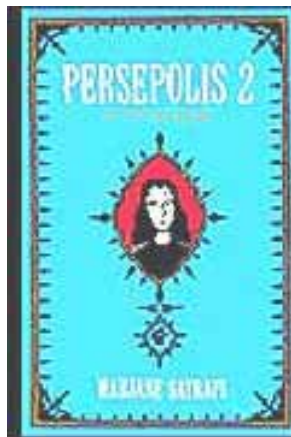
روز شنبه ۱۵ ژانویه تعدادی از هنرمندان موسیقی و سینمای آمریکا در برنامه ای که جهت جمع آوری کمک مالی به قربانیان فاجعه سونامی ترتیب داده شده بوده، شرکت کردند. کمکهای جمع آوری شده در این برنامه از طریق صلیب سرخ به بازماندگان سونامی داده می شود. از جمله این هنرمندان مادانا، جورج کلونی، دایانا راس، و اوماترمن می باشد. ریکی مارتین، خواننده محبوب آمریکای لاتین که بخشی از بنیاد "مردم برای کودکان" متعلق به اوست نیز روز ۱۲ ژانویه به تایلند و مناطق آسیب زده می رود، هنرمندان دیگری مانند استیون اسپیلبرگ، ساندرایا بولاک و لئوناردو دی کاپریو نیز به این مناطق رفته و میلیونها دلار به مردم این منطقه کمک رسانده اند.

در انگلیس نیز برای روز ۲۲ ژانویه کنسرتی انتفاعی با حضور مانی استریت پرپرچرز و جولز هلند و اریک کلابتون ترتیب داده شده است. بازیگران سینمای هند نیز برای کمک به مردم، به این مناطق رفته و میلیونها روپیه کمک کرده اند.

همچنین در این کشور مسولان استادیوم میلیونوم گروههای معروف و محبوبی مانند U2, GOLG PLAY و THE DARKNESS را برای شرکت در کنسرت انتفاعی برای کمک به مصیبت زدگان سونامی دعوت کرده است که با موافقت آنان روبرو شد. این کنسرت در فضای باز صورت برگزار می شود.

هنرمندان هندی نیز از محل آسیب سونامی دیدن کرده و میلیونها روپیه به مردم این منطقه تقدیم کردند.

## کتاب پرسپولیس، نقل خاطرات با کاریکاتور



یکی از پرفروش ترین کتاب سال ۲۰۰۴ در آمریکا کتابی است به نام پرسپولیس که مرجان سترابی در آن خاطرات دوران کودکیش را از قبل تا پس از انقلاب به زبان کودکانه به همراه کاریکاتورهایی که خود او کشیده است نقل کرده است. در این کتاب، نویسنده مبتکرانه و طنزآمیز تلاش خانواده خود را در امر سرنگونی شاه و موقعیت اجتماعی آن دوره و سپس تحولات اجتماعی پس از انقلاب و روی کار آمدن جمهوری اسلامی و شروع فشارهای اجتماعی بر مردم را نقل کرده است.

پس از موفقیت این کتاب سترابی قسمت دوم آنرا انتشار داد. در کتاب پرسپولیس ۲، خانم سترابی به پیامدهای پس از انقلاب و تاثیر آن بر زندگی مردم و زندگی خود او در تبعید پرداخته است.

جذابیت این کتاب در همراهی کاریکاتور در نقل خاطرات به زبان کودکانه است که خواننده را در هر سنی که باشد به خود جلب می کند.

## یک اثر از دو هنرمند

جایزه فرانس انفو ۲۰۰۵ به آلبوم مصور مانوئل گیبر و دیه لوفور تقدیم شد. این جایزه به بهترین کتابهای خبری مصور تعلق می گیرد. دیه لوفور در سال ۱۹۸۶ به عنوان یک فتو ژورنالیست به همراهی تیمی از پزشکان بدون مرز در بحبوحه جنگ به افغانستان می رود. ۱۸ سال بعد لوفور با ما نوئل گیبر، نویسنده کتابهای مصور ملاقات کرده و تصمیم به آفرینش این اثر میگیرند. گیبر با اعضای تیم پزشکی ملاقات کرده و گفته ها و مشاهدات آنان را با عکسهای لوفور در یک آلبوم مصور که آمیزشی از نقاشی و عکس است قرار می دهد. این اثر در سه جلد است که حایزه مذکور به جلد دوم آن اختصاص داده شده است.

## دو تیغه یک قیچی

بقیه از صفحه ۸  
با وزارت خارجه آمریکا تسویه حساب کنید. اما اگر بپذیرید که ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ "قیام شاه و ملت" نبود و عوامل سیا با همکاری اینتلجنت سرویس دوباره شما را به حکومت رساندند، پس باید قبول کنید که از سال ۲۲ تا ۵۷، یعنی ۲۵ سال شما غیرقانونی و به عنوان مزدور بیگانه حکومت کرده اید. پاسخ سووال نسل جوانی که به دنبال حقیقت است را باید داد که در این ۲۵ سال حکومت غیر مشروع، هر کاری که شماها کردید، غیر قانونی بود زیرا غاصب بودید. آخوندهای جنایتکاری که در آن سالها همدست شما بودند و لشگر قداره بندان و چماقداران را تجهیز و تحریک می کردند، کسانی هستند که امروز بر اریکه قدرت تکیه زده اند. اینها همتای شما و تیغه دیگر قیچی استبداد و ارتجاع را تشکیل می دهند. در این سالهایی که شیوه به قدرت رسیدن مزدوران توسط امپریالیسم عوض شده و از کودتاهای خون آلود سالهای ۳۲ به کودتای نارنجی و سفید و... تغییر داده است، مشت شماها بیش از آن نزد مردم باز است که با اینگونه تانینها، بار دیگر خوابهای خوش منم زدن را ببینید. زمان تحویل و تحول قدرت بین شماها دیگر به پایان رسیده است. مردم سیاهی لشگر و هورا کش بازی "دستش ده" قدرت بین دو قطب شماها و آخوندها نیستند.

اینبار دیگر خوابهای خوش بگونه ای جدید تعبیر خواهد شد. زیرا برای رسیدن به آزادی و دموکراسی ما آموخته ایم که از امام زاده شما هیچگونه معجزه ای بر نخواهد خواست. به همین دلیل دست بر زانوی خود نهاده ایم و تصمیم داریم با یاری یکدیگر بساط شهادی و دغلبازی شماها را برای همیشه برچینیم. همشینی با واخوردگان سازمانهای اطلاعاتی آخوندها برازنده شماست. نویسنده اساسنامه سپاه پاسداران آخوندها اگر همشین نویسنده اساسنامه حزب رستاخیز نباشد عجب است. قبول کنید که دو تیغه یک قیچی هستید و هر دو از یک قماشید. چه چیزی این نیاز را بوجود آورده که این طور سراسیمه در کنار یکدیگر بنشینید و تصمیم بگیرید، ترس از مردم، آگاهی آنان و پی بردن به ماهیت شماها؟

این دوز و کلکها تاریخ مصرفش بپایان رسیده است. پناه بردن به مقدسات و علم کردن منشور جهانی حقوق بشر برای شما طرفداران سلطنت و حکومت فردی، هیچ حقانیتی نخواهد آورد. دندانهای خونین گرگهای در لباس میش بیش از آن گویاست که نیاز به داد و هوار چوپان داشته باشد. هیچ دلیلی برای اجبار بین بد و بدتر وجود ندارد، زیرا این به بیراهه بردن مردم است. اگر بنا به تسویه حساب باشد، مردم تصمیم دارند با حاکمان زورگو این کار را بکنند. شماها در طرف دیگر میز ایستاده اید.

## اطلاعاتی در مورد انتخابات عراق

بقیه از صفحه ۲۰

### هدف انتخابات

قرار است روز ۱۱ بهمن ۱۳۸۳ (۳۰ ژانویه ۲۰۰۵) انتخابات مجلس ملی عراق، شوراهای استانها و مجلس منطقه فدرال کردستان برگزار شود. تصمیم به برگزاری این انتخابات و تاریخ آن در شورای امنیت سازمان ملل متحد گرفته شده است. در این انتخابات ۲۷۵ نماینده برای مجلس ملی، ۱۱۱ نماینده برای مجلس کردستان و برای هر یک از ۱۸ استان عراق، به جز ۴ استان و منجمله استان الانبار که شهرهای فلوچه و الرمادی در آن قرار دارد که در آن انتخابات به طور محدود برگزار می شود، تعدادی انتخاب خواهند شد. در مورد انتخاب نمایندگان مجلس ملی، کل عراق یک واحد تلقی می شود و هر عراقی در هر گوشه از خاک عراق و یا در نقاطی از خارج از مرزهای عراق که انتخابات در آن برگزار می شود می تواند به هر کسی که در لیست کاندیداها ثبت نام شده رای دهد.

مهمترین وظیفه مجلس ملی تدوین قانون اساسی دائمی، تعیین دولت و مقدمه سازی برای انتخابات ریاست جمهوری در پایان سال جاری میلادی است.

### نهاد مجری انتخابات

مجری انتخابات ۳۰ ژانویه «هیات عالی مستقل اجرایی انتخابات عراق» است که مهمترین اعضای آن بدین قرار هستند.

عبدالحسین الهنداوی رئیس، فرید ابار سخنگو، عصام الحدیدی مدیر دایره انتخاباتی، عادل الامی عضو هیات اجرایی، ساره طوش سخنگوی کمیته انتخاباتی خارج از مرزهای عراق و... ساماندهی این انتخابات بر عهده ۲۴۰ هزار کارمند وابسته به این هیات است که در سراسر عراق مستقر خواهند شد. این هیات همچنین یک طرح امنیتی برای استقرار یک صد هزار نیرو برای جلوگیری از بروز عملیات انفجار در روز انتخابات تهیه و تدوین کرده است.

۵۳ هیات و فدراسیون بین المللی متخصص در امور انتخابات اخیرا در اتاوی کانادا هیاتی را از ۲۱ کشور تشکیل داده اند که مأموریت آن نظارت بر انتخابات داخل و خارج عراق است و اقدام اول این هیات شامل اعزام ناظران به دفاتر هیات عالی اجرایی و مراکز آن در خارج از عراق است زیرا هیات عالی از دادن ضمانت های لازم برای حفظ سلامت جانی اعضا این هیات بین المللی ناتوان است.

برای برگزاری انتخابات ۵۲۲۰ مرکز انتخاباتی و حدود ۲۹ هزار و ۸۴ پایگاه انتخاباتی تدارک دیده شده است.

زمان رای گیری از واجدان شرایط از ساعت ۷ صبح ۳۰ ژانویه (۱۱ بهمن) آغاز و تا ساعت ۵ بعد از ظهر همان روز ادامه می یابد. بازرسی دقیق کارتهای شناسایی تمام رای دهندگان را ۵۰۰ متخصص و کارشناس در مراکز اخذ رای انجام می دهند. سرلشکر مظهر المولی فرمانده گارد ملی عراق تاکید کرده است که نیروهای تحت امر وی سیطره کامل خود را بر بغداد و دیگر استانها پیش از انتخابات و در جریان برگزاری آن حاکم خواهند کرد.

در مورد امنیت انتخابات فرید ابار سخنگوی هیات عالی اجرایی انتخابات عراق مخالفت خود را با مشارکت نیروهای وابسته به احزاب در تامین امنیت انتخابات اعلام کرده است.

همچنین وزارت کشور عراق با پیشنهاد سیدعبدالعزیز حکیم رئیس مجلس اعلاى انقلاب اسلامی عراق (وابسته به رژیم ایران) مبنی بر مشارکت ۱۰۰ هزار عضو سازمان بدر (وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی) برای حمایت از انتخابات مخالفت کرد.

از روز دو شنبه ۲۱ دی (۱۱ ژانویه) هیات عالی اجرایی انتخابات عراق عملیات ثبت نام ناظران محلی و بین المللی انتخابات و نمایندگان گروهها و احزاب سیاسی را آغاز کرد.

فرید ابار، سخنگوی کمیسیون انتخاباتی مستقل عراق، اعمالی که در زمان برگزاری انتخابات جرم محسوب می شود را اعلام کرد.

به گزارش خبرنگاری آسوشیتدپرس، سخنگوی هیات عالی اجرایی انتخابات عراق اعلام کرد که، این کمیسیون یک لیست حاوی ۱۱ جرم را آماده کرده است. از جمله اعمالی که در این انتخابات جرم محسوب شده، حمل سلاح در حوزه های انتخاباتی و تا شعاع صد متر از آن است.

از دیگر جرایم برگزاری این انتخابات، رشوه دادن به کارمندان انتخاباتی، استفاده از اسناد جعلی، اجبار افراد برای فاش ساختن نامزدهای مورد نظر و یا اجبار دیگران برای حمایت از نامزدهای مورد نظر است.

این سخنگو همچنین خاطرنشان کرد: اعضای نیروهای امنیتی عراق همچنین مقامات وزارت دفاع عراق نمی توانند در هیچ یک از مبارزات تبلیغاتی به نفع هیچ نامزد و یا گروهی شرکت کنند.

### تعداد واجدان شرایط رای دادن

از حدود ۲۵ میلیون شهروند عراقی، حدود ۱۵ میلیون عراقی که حدود ۱,۲ میلیون تن آنها مقیم کشورهای خارج از عراق هستند در این انتخابات حق رای دارند.

کاندیداها و نقش زنان در انتخابات هیات عالی اجرایی مستقل انتخابات اعلام کرد که ۷۷۴۷ کاندیدا، از ۷۵ حزب سیاسی و ۲۷ کاندیدی مستقل و ۹ لیست ائتلافی در انتخابات آینده برای کسب پیروزی به رقابت می پردازند.

بر اساس قانون اساسی موقت عراق حداقل ۲۵ درصد از مجموع ۲۷۵ کرسی مجلس ملی عراق به زنان این کشور اختصاص خواهد یافت. ۲۵۸۰ تن زن در این انتخابات کاندیدا شده اند.

### شرکت عراقیهای خارج از کشور در انتخابات

هیات عالی اجرایی انتخابات عراق ۳۶ شهر در ۱۴ کشور جهان را برای رای دادن اتباع عراقی مقیم این کشورها در انتخابات سراسری عراق تعیین کرده است.

نهاد مجری انتخابات در خارج از مرزهای عراق «سازمان بین المللی مهاجرت» وابسته به سازمان ملل متحد است و مرکز اصلی نظارت بر عملیات انتخابات عراقیهای خارج از کشور در امان، پایتخت اردن قرار دارد.

۱۴ کشوری که در آن عراقیها می توانند در رای گیری شرکت کنند عبارتند از: استرالیا، کانادا، دانمارک، فرانسه، آلمان، ایران، اردن، هلند، سوئد، سوریه، ترکیه، امارات، انگلیس و آمریکا.

جرمی کوبلاند مدیر روابط عمومی سازمان بین المللی مهاجرت گفته است که این سازمان تمام امکانات خود را برای مشارکت عراقیهای مقیم خارج در انتخابات به کار خواهد گرفت. این سازمان با هریک از این کشورها توافقنامه ای امضا کرده است.

تعداد شهرهای هر کشور بر اساس جمعیت عراقی ساکن در آن کشور و توانایی انجام انتخابات به وسیله سازمان بین المللی مهاجرت دارد.

برای مثال سازمان بین المللی مهاجرت از تعیین ۱۱ مرکز رای گیری از اتباع عراقی در اردن و ۱۰ مرکز در سوریه و لبنان برای شرکت آنها در انتخابات سراسری خبر داده است. ازهر علوی مسئول این سازمان در اردن شمار عراقیهای واجد شرایط رای دادن در اردن را بین ۱۵۰ تا ۲۰۰ هزار نفر برآورد کرد.

در ترکیه حدود ۳۰ هزار، در اردن حدود ۱۵۰ هزار، در انگلیس حدود ۱۵۰ هزار و در ایران ۱۲۰ هزار عراقی واجد شرایط رای دادن هستند.

بعضی از احزاب عراقی به ویژه طرفداران رژیم ایران از این که سازمان بین المللی مهاجرت برای عراقیهای ساکن ایران تنها ۶ شهر را تعیین کرده اعتراض کرده اند. این ۶ شهر عبارتند از تهران، ارومیه، مشهد، قم، اهواز و کرمانشاه.

در جواب معترضان روز سه شنبه ۲۲ دی (۱۱ ژانویه ۲۰۰۵) رییس دفتر بین المللی مهاجرت در یک کنفرانس خبری در تهران گفت: ایران در ۲۲ دسامبر (۲ دی) توافق نامه برگزاری انتخابات را امضا کرد و همین موضوع سبب شد دفتر بین المللی مهاجرت به دلیل محدودیت زمانی نتواند تمام تلاشهای لازم برای برگزاری انتخابات را فراهم آورد.

وی تاکید کرد علیرغم این که در ایران ما با محدودیت زمانی مواجه بودیم، اما توانستیم در این کشور بزرگترین عملیات رای گیری را انجام دهیم. ثبت نام از مهاجرین عراقی در ایران از ۱۷ ژانویه آغاز می شود و ۷ روز ادامه پیدا می کند و این افراد می توانند به ۷۰ مرکز رای گیری سازمان بین المللی مراجعه کنند و ثبت نام نمایند. در ضمن انتخابات در ایران در روزهای ۲۷ و ۲۸ و ۳۰ ژانویه برگزار خواهد شد که روز سوم همزمان با انتخابات در عراق خواهد بود.

### بعضی از مهمترین لیستهای انتخاباتی.

تجمع دموکراتهای مستقل  
تجمع دموکراتهای مستقل به رهبری عدنان پاچه چی است. لیست این حزب شامل حدود ۶۰ کاندیدا بود اما در ادامه با پیوستن ۱۴ تن دیگر از اندیشمندان مستقل این تعداد به ۷۶ تن رسید.

لیست عدالت و آینده  
حزب عدالت و پیشرفت دموکراتیک و سازمان آزاد اکراد فیلپیه در این لیست متحد بوده و ۲۷۵ کاندیدا معرفی کرده اند.

لیست جنبش جامعه دموکراتیک  
در این لیست ۳۱ کاندیدا معرفی شده که ۱۳ تن از آنان زن هستند. حمید کفائی سخنگوی شورای حکومت انتقالی سابق که همزمان با تشکیل دولت موقت منحل شد این لیست را معرفی کرده است.

در بیانیه این جریان اعلام شده که جنبش جامعه دموکراتیک از طیفهای مختلف به دور از طایفه گری و قومیت گرایي تشکیل شده است.

لیست العراقیه  
این لیست ۲۳۳ را معرفی کرده است. نیروهای تشکیل دهنده این لیست، حزب وفاق ملی (به رهبری ایاد علاوی)، حرکت دموکراتهای عراق، حزب نهضت ملی دموکراتیک، هیات مستقل عراق، تجمع وفاداری عراق، مجلس اشراف عراق و ... می باشد.

ائتلاف عراق یکپارچه  
این ائتلاف که به لیست «ایران» مشهور است و ۲۲۸ کاندیدا از طرف آن معرفی شده است.

بقیه در صفحه ۱۱

بقیه از صفحه ۱۰

نیروهای تشکیل دهنده این ائتلاف که از اصیلترین آنان از جانب رژیم ایران حمایت می شوند شامل، مجلس اعلاى انقلاب اسلامى (به رهبرى سيد عبدالعزيز حكيم)، حزب الدعوه اسلامى (به رهبرى ابراهيم جعفرى)، حزب تجمع الوسط، سازمان بدر برای توسعه، حزب الدعوه اسلامى - سازمان عراق، تجمع عدالت و مساوات، حزب کنگره ملی عراق (با رهبری احمد چلبی)، حزب فضیلت اسلامى، حزب ملی دموکراتیک اول، اتحادیه اسلامی ترکمان، حرکت وفاداری ترکمان، تجمع فیلیه الاسلامی عراق، سازمان عمل اسلامى، تجمع جنبش سيد الشهداء اسلامى و ... می باشد. نام حسین شهرستانی دانشمند هسته ای معروف عراق در لیست ائتلاف عراق یکپارچه وجود دارد. بعضی از مقامات عراقی این ائتلاف را به استفاده ابزاری از آیت الله سیستانی متهم کرده اند. دلیل این امر این است که در تبلیغات انتخاباتی ائتلاف عراق یکپارچه همواره این ائتلاف را مورد حمایت آیت الله سیستانی معرفی می کنند. این در حالی است که صدرالدین القبانچی نماینده آیت الله سیستانی بر بی طرفی آیت الله سیستانی در انتخابات این کشور تاکید می کند و اعلام کرده که: «آیت الله سیستانی از هیچ فهرست انتخاباتی معینی حمایت نمی کند».

جریانهای اسلامی که لیست مستقل از ائتلافها معرفی کرده اند. سازمان ثارالله اسلامی به رهبری یوسف سنادی عبدالواحد با ۱۲ کاندیدا، حزب اسلامی دموکراتیک به رهبری عباس صاحب العسکری با ۱۳۰ کاندیدا، حرکت الدعوه الاسلامیه به رهبری عادل عبدالرحیم مجید با ۵۰ کاندیدا، جریان اسلامی دموکراتیک به رهبری حسین العادلی با ۶۴ کاندیدا، سازمان عمل اسلامی عراق فرماندهی کل به رهبری علاء محمود صالح ال طعمه با ۴۵ کاندیدا، حزب اسلامی دموکراتیک به رهبری عباس صاحب العسکری با ۱۳۰ کاندیدا، جنبش وفاق اسلامی به رهبری جمال محمد حسن الوکیل با ۶۷ کاندیدا، جنبش وفاق اسلامی به رهبری جمال محمد حسن الوکیل با ۶۷ کاندیدا و چندین جریان دیگر.

ائتلاف اتحاد ملت به رهبری حزب کمونیست عراق حزب کمونیست لیست خود را با نام «اتحاد ملت» (نام نشریه داخلی حزب)، به هیات عالی اجرایی انتخابات اراثة کرده است. در لیست اتحاد ملت نام ۲۷۵ کاندیدا وجود دارد.

حمید مجید موسی دبیرکل این حزب است که عضو شورای حکومت انتقالی سابق عراق بوده و در حال حاضر معاون رئیس مجلس ملی موقت عراق است. مفید الجزائری وزیر فرهنگ دولت موقت ایاد علاوی از این حزب می باشد.

ائتلاف اتحاد ملت در برنامه انتخاباتی خود شعار تشکیل نظام دموکراتیک فدرال را انتخاب کرده و تصریح نموده که این نظام تنها سیستمی است که می تواند حقوق همه مردم را تامین کند و آنها را از خشونت و تروریسم نجات داده و با پایان اشغالگری استقلال کشور را تامین کند.

دبیر کل حزب کمونیست عراق در پاسخ به سوال الشرق الاوسط در مورد ائتلاف با دیگران می گوید: «ما می توانستیم با همه گروههایی که در اپوزیسیون مخالف رژیم سابق بودند، ائتلاف کنیم. این گروهها شامل نیروهای اسلامی، کردها، نیروهای دموکراتیک و ناسیونالیسم عرب می شدند. این گروهها در دسته ای قرار می گیرند که در گردهمایی شهر دوکان (شمال عراق) حاضر بودند، آنها شامل ۱۵ حزب و چند تشکل دیگر بودند.» او سپس در مورد پاسخ این گروهها می گوید: «ما خواستار ائتلاف با این گروهها شدیم و دیگران را به این کار دعوت کردیم اما متأسفانه آنها به دلایل حزبی از چنین کاری سرباز زدند و ما با همکاری نکردند.» وی در این مصاحبه در مورد گردهمایی دوکان می گوید: «در گردهمایی دوکان، بررسی و

مناقشه موضوع تعویق برگزاری انتخابات مطرح بود و زمینه های لازم برای طرح این موضوع به این دلیل که اوضاع امنیتی حالتی پیچیده و دشوار به خود گرفته است، مهیا بود. بنابراین به نظر می آمد نتیجه چنین بررسی هایی به عقب انداختن انتخابات بود. من قصد ندارم بگویم که چنین امری و عدم حضور بر سر صندوقهای انتخابات نتیجه ترس و شک ما است، ولی بر اساس دشواریهای موجود مقرر شد با طرفهای مرتبط با قضیه انتخابات مانند سازمان ملل، دولت عراق و نیروهای چندملیتی تعویق انتخابات مطرح شود تا در این باره تعیین تکلیف شود. اما به نظر می رسد که دولت عراق موضع مشخصی در این باره اتخاذ نکرده است. بر آنها واجب بود که یک ارزیابی دقیقی از وضعیت امنیتی ارائه کنند و به طور مستقیم به این پرسش مطرح پاسخ دهند که: آیا می توان در شرایط امنیتی حاضر یک انتخابات آزاد و سالم برگزار کرد؟ و یا برآورد آنها از رویدادهای یک ماه آینده چیست؟ آمریکایی ها بطور خیلی صریح و واضح براساس دیدگاه های خود، اعلام کردند که امکان برگزاری انتخابات وجود دارد. موضعگیری سازمان ملل مبهم و جانبدارانه است به این دلیل که خود را

شریک مسأله در وضع قانون اداره دولت موقت می داند. نماینده آنها اظهار می دارد که موضوع به عقب انداختن انتخابات برعهده دولت عراق است.»

ائتلاف کردستان عراق برنامه انتخاباتی ائتلاف کردستان که شامل ۱۱ حزب سیاسی کردی و مسیحی و ترکمنی و شخصیتهای مستقل است و ۱۶۵ کاندیدا برای این انتخابات معرفی کرده اند.

ائتلاف کردستان شامل، اتحادیه میهنی کردستان (به رهبری جلال طالبانی)، حزب دموکراتیک کردستان (به رهبری مسعود بارزانی)، اتحادیه اسلامی کردستان، حزب کمونیست کردستان، حزب سوسیال دموکراتیک کردستان، اتحادیه ملی دموکراتیک کردستان، حزب بین النهرین دموکراتیک، اتحادیه دموکراتیک کلدانیها، حزب ملی آشوریه، حرکت کشاورزان و ستمدیدگان کردستان، حزب زحمتکشان کردستان است.

در برنامه انتخاباتی این ائتلاف بر ضرورت تدوین و تصویب قانون اساسی دایمی بر اساس اصل توافق شامل برپایی نظام دموکراتیک و تکنوکرات بر اساس فدرالیسم اختیاری و اصل تفکیک قوا و گردش قدرت از راههای مسالمت آمیز و از راه انتخابات آزاد مستقیم تاکید شده است.

در بیانیه خواستار اعتراف به حقوق مشروع ملت کرد و تحکیم و انتشار اصل و فرهنگ خواستار دینی و سیاسی و همزیستی برادرانه میان همه طیفها و عناصر ملت عراق و احترام به تکثر و تعدد سیاسی و قومیتی و مذهبی و فرهنگی همه ملت عراق و لغو تمام تصمیمات و قوانین ظالمانه رژیم سابق تاکید شده است.

یکی از رویدادهای مهم در رابطه با نیروهای سیاسی در کردستان تصمیم هیات عالی اجرایی انتخابات در مورد «حزب عمل برای استقلال کردستان» است. این هیات اعلام کرده است که نام این حزب به ماهیت جدایی طلبانه اشاره می کند و مخالف مصوبات و دستورالعملهای هیات عالی اجرایی انتخابات است و باید نام خود را به گونه ای که موافق این دستورالعمل ها باشد تغییر دهد. به دنبال این اعلام نظر حزب عمل برای استقلال کردستان ( این جریان در سال ۱۹۹۳ از حزب کمونیست عراق انشعبا کرد) به رهبری شوان صدیق عثمان تصمیم گرفت از انتخابات پارلمانی کناره گیری کند.

همچنین حزب محافظه کاران کردستان به رهبری زید عمر خضراسورجی، حزب حل دموکراتیک کردستان به رهبری فائق محمداحمد، جماعت اسلامی کردستان به رهبری محمد نجیب البرزنجی هر یک با ۱۲

کاندیدا، اتحاد اسلامی کردهای فیلیه عراق به رهبری نائر ابراهیم فیلی با ۲۲ کاندیدا به طور مستقل در انتخابات شرکت می کنند.

یکی از موارد مورد مناقشه بین نهاد برگزار کننده انتخابات و احزاب فعال در کردستان موضوع برگزاری انتخابات شورای محلی استان التامیم که بزرگترین شهر آن کرکوک است، بود. سرانجام در روز ۱۵ ژانویه این اختلاف در پی دستیابی به توافقی با هیات عالی مستقل انتخابات حل شد و بر اساس این توافق به کردهایی که ساکنان واقعی کرکوک بودند و صدام آنها را از آن شهر بیرون کرده بود اجازه می دهند در انتخابات این منطقه شرکت کنند. به دنبال این توافق مهمترین نیروهای فعال در کردستان عراق اعلام کردند که در انتخابات محلی این استان و شهر کرکوک شرکت می کنند. هیات عالی اجرایی انتخابات اخیرا اعلام کرده که ۴۵۰ هزار شهروند در کرکوک نام خود را برای رای دادن ثبت کرده اند.

ترکمنها، آشوریها، کلدانیها، سربانیها ائتلاف جبهه ترکمان عراق با ۶۳ کاندیدا شامل حزب ترکمان ایلی، حزب ملی ترکمان، جنبش مستقل ترکمان، حزب عدالت ترکمان عراق و حرکت اسلامی ترکمان عراق می باشد.

ائتلاف الرافدین دموکراتیک با ۱۲ کاندیدا شامل اتحادیه ملی بین النهرین و حرکت تجمع سربانیهای مستقل می باشد.

ائتلاف ملی الرافدین با ۲۸ کاندیدا شامل حرکت دموکراتیک آشوری و مجلس ملی کلدانیها می باشد.

حزب اتحادیه دموکراتیک کلدانی به رهبری ابلحد افرا م ساط با ۱۲ کاندیدا، جنبش ملی ترکمان به رهبری حسام الدین علی ولی با ۳۶ کاندیدا و تجمع ملی آشوریه به رهبری عودیشو ملکو کورکیس با ۱۵ کاندیدا در این به صورت مستقل شرکت می کنند.

جنبش دموکراتیک آشوریه، به رهبری یونادم کنا با برگزاری انتخابات با برگزاری انتخابات در کل عراق موافق و در کرکوک مخالف است .

لیستهای طرفدار سلطنت دو جریان مهم تجمع پادشاهی هاشمی عراقی به رهبری شریف ماملو عبدالرحمن ال یسان با ۱۶۴ کاندیدا و جنبش مشروطه سلطنتی به رهبری شریف علی بن الحسین با ۲۷۵ کاندیدا جبهه طرفدار سلطنت در انتخابات عراق را تشکیل می دهند. شریف علی بن الحسین رئیس حزب مشروطه سلطنتی عراق ادعا کرده که ۶۹ درصد بقیه در صفحه ۱۲

بقیه از صفحه ۱۱

مردم عراق خواهان روی کار آمدن یک نظام پادشاهی در کشور خود هستند.

ائتلاف عراقیون

این ائتلاف از جانب غازی الباور(رئیس جمهور موقت) معرفی شده و تعدادی از نیروهای سیاسی و عشیره ای که اکثر آنان از اهل سنت هستند در این لیست قرار دارند. تعداد کاندیداهای معرفی شده در این لیست ۸۰ تن می باشد.

جریانهای ناسیونالیست، دموکراتیک و ... که لیست مستقل معرفی کرده اند.

حزب ملی دموکراتیک آزاد به رهبری هیثم الحسینی با ۶۳ کاندیدا،

فراکسیون فرائیتهای مستقل به رهبری شاکر عبد الامیرخشان الجبسی با ۱۴۳

کاندیدا، کنگره عراق دموکراتیک

یکپارچه به رهبری جودت کاظم محمد العبیدی با ۱۵۰ کاندیدا، تجمع عراق

مستقل و دموکراتیک برای آزادی و

سازندگی به رهبری جاسم حسین صکر با ۱۱۷ کاندیدا، تجمع وحدت ملی

عراق به رهبری نهرمحمد عبدالکریم با ۲۷۵ کاندیدا، تجمع ملی عراق به

رهبری حسین محمد الجبوری با ۱۲۴ کاندیدا، جبهه عمل مشترک دموکراتیک

به رهبری عباس هادی جبر با ۱۱۱ کاندیدا، جنبش افسران و غیر نظامیان

آزاد به رهبری نجیب الصالحی با ۷۸ کاندیدا، ائتلاف ملی دموکراتیک عراق

به رهبری مالک دوهان الحسن با ۱۷۹ کاندیدا، تجمع عراق دموکراتیک به

رهبری فرقد معز الدین القزونی با ۱۱۱ کاندیدا، حزب نجات ملی عراق به

رهبری سامی زیدان خلف با ۱۳۲ کاندیدا، فراکسیون عراق مستقل به

رهبری ولید عبدالرحمن العمر با ۵۷ کاندیدا، تجمع به خاطر دموکراسی عراق

به رهبری رحیم ابوجری الساعدی با ۱۰۲ کاندیدا، حزب ملص عراق

دموکراتیک به رهبری عبدالرضا جمیل ناصر الخفاجی با ۷۵ کاندیدا، جریان

عراق دموکراتیک به رهبری عزیز الباسری با ۶۴ کاندیدا، جبهه ملی

وحدت عراق به رهبری حسن زیدان خاف اللهیی با ۲۱۶ کاندیدا، جبهه

ترقی خواهی مستقل به رهبری عبدالکریم صالح الربیعی با ۱۰۲ کاندیدا

و چند ده جریان دیگر منطقه ای و یا سراسری.

لیست سازمانهای مدنی

سازمانهای مدنی عراق لیستهای مختلفی ارائه داده اند. بعضی از آنها

عبارتند از: اتحادیه کل جوانان عراق به رهبری ساجد خطاب با ۱۱۴ کاندیدا،

ائتلاف مستقل سازمانهای جامعه مدنی به رهبری باسل عبدالوهاب العزوی با

۸۰ کاندیدا، کادرها و نخبگان ملی مستقل به رهبری فتح الله غازی

اسماعیل با ۱۸۰ کاندیدا، تجمع شهروندان مستقل بغداد به رهبری علی فاضل علی با ۳۱ کاندیدا.

نیروهای تحریم کننده انتخابات

تعدادی از جریانهای موثر در اوضاع عراق از گروهبندیهای مذهبی (به طور

عمده سنیها)، ملی، و چپ این انتخابات را تحریم کرده اند که حزب مقتدا صدر

نیز از جمله این جریانها می باشد. تعداد این نیروها به طور

مهمترین نیرو در بین تحریم کنندگان حزب اسلامی عراق به رهبری محسن

عبدالحمد می باشد که در ابتدا برای شرکت در انتخابات اعلام آمادگی کرده

بود و حتی لیست انتخاباتی نیز ارائه داده بود.

روز چهارشنبه ۹ دی ( ۲۹ دسامبر ۲۰۰۴) محسن عبدالحمید گفت: «برخی

شخصیتهای و احزاب قصد دارند برای خارج کردن اهل تسنن از دایره رقابت

اقدام به تشکیل ائتلافهای مشکوک کنند. وی تصمیم حزب متبوعش به

اعلام کناره گیری از انتخابات عراق را تصمیم نهائی و غیر قابل تغییر خواند.»

رهبر حزب اسلامی عراق ادعا می کند که بیش از ۷۵ جریان سیاسی و

عشائری و دینی همنا با حزب خواهان به تعویق افتادن انتخابات هستند. لازم

به یادآوریم که این حزب هم در شورای حکومتی و هم در دولت موقت

شرکت داشته و ایاد السامرائی عضو دفتر سیاسی این حزب، عضو مجلس

ملی موقت عراق است.

جنبش سوسیالیسم عربی، به رهبری عبدالاله النصرای یکی دیگر از

جریانهای ناسیونالیست عراق است که این انتخابات را تحریم کرده است.

قیس العزوی سخنگوی این جنبش بارها بر موضع تحریم پافشاری کرده

است.

یکی دیگر از جریانهای تحریم کننده «هیات علمای مسلمانان اهل سنت»

است. مثنی حارث الضاری سخنگوی این جریان معتقد است که اگر اهل

تسنن عراق در انتخابات سراسری شرکت نکنند چیزی را از دست

نخواهند داد.

حارث الضاری شرایطی برای شرکت در انتخابات اعلام کرده است. او می

گوید: «اهل تسنن تنها در صورت تحقق دو شرط اساسی در انتخابات شرکت

خواهند کرد که شامل تعیین زمان نهائی و روشن خروج نظامیان اشغالگر

از عراق و نیز آمدن نیروهایی از سوی سازمان ملل متحد برای نظارت بر

برگزاری انتخابات است.» عبدالغفور السامرائی عضو هیات علمای

مسلمانان اهل تسنن عراق می گوید: «ما همچنان خواهان به تعویق

افتادن زمان انتخابات هستیم و آن را تنها راه حل می دانیم.»

شیخ احمد الکیسی از اعضای مهم این جریان می گوید: «ما از این جهت که

اهل سنت هستیم انتخابات را تحریم نکرده ایم بلکه به خاطر این که از نتایج آن بیش از برگزاری مطلع هستیم آن را تحریم می کنیم. زیرا انتخابات در سایه اشغالگری برگزار می شود که تلاش می کند آن چه را به نفع خود باشد عملی کند.»

سلمان عبدالله دبیر کل «کنگره تاسیسی عراق» انتخابات را یک

دستپخت سیاسی که هدفش تقویت اشغالگری است، توصیف کرده

است. کنگره تاسیسی عراق شامل اکثر جنبشها و احزاب و شخصیتهای

اجتماعی مخالف ادامه اشغال عراق از سوی آمریکا است که هیات علمای

مسلمانان عراق وجریان مقتدا صدر نیز عضو آن هستند.

جابر الخفاجی یکی از دستیاران مقتدا صدر صدر گفته است که: «انتخابات

آینده را اشغالگران برگزار می کنند و ما همچنان بر تصمیم خود مبنی بر تحریم

انتخابات پابرجا هستیم و تا زمانی که اشغالگران دعوت به برگزاری آن می

کنند ما هرگز شرکت نخواهیم کرد.»

تجمع جمهوری عراق به رهبری سعدعاصم الجنابی با وجود آن که ۲۷۵

کاندیدا معرفی کرده خواستار تعویق انتخابات شده است.

جبهه ملی وحدت عراق به رهبری شیخ حسن زیدان خلف اعلام کرد به علت

بازداشت دبیر کل آن از سوی نظامیان آمریکایی در اواخر ماه دسامبر ۲۰۰۴ از

انتخابات کناره گیری می کند.

عبد آل سمیع خلیل جباره العبیدی معاون دبیر کل این حزب اعلام کرد

که: «تصمیم به انصراف از انتخابات به علت بازداشت شیخ حسن زیدان دبیر

کل این حزب از سوی نظامیان آمریکایی گرفته شد.»

«فراکسیون آشتی و آزادی» که برای انتخابات کاندیدا معرفی کرده خواهان

به تأخیر افتادن انتخابات است.

لازم به توضیح است که مشعان الجبوری رهبر این فراکسیون، عضو

مجلس ملی موقت است.

همچنین تجمع جمهوریخواهان عراق به رهبری عاصم الجنابی که برای

انتخابات کاندیدا معرفی کرده از حامیان تأخیر انتخابات است.

مساله عقب انداختن انتخابات عراق در دولت موقت نیز حامیان بسیار دارد.

مالک دوهان وزیر دادگستری عراق اعتراض تحریم کنندگان انتخابات را به

قانون اساسی دایمی که پس از انتخابات و توسط مجلس ملی منتخب

مردم تدوین خواهد شد، به می داند و بر ضرورت تلاش برای برگزاری

کفرانس آشتی ملی در عراق تأکید کرد است.

او می گوید: «موضع ما تعویق انتخابات است، اما خواهان تحریم آن نیستیم.»

## هالیبرتون نیز در انتخابات

### ریاست جمهوری شرکت

#### می کند

جعفرپویه

در آستانه نمایش انتخابات رییس جمهوری، جناح وابسته به ولایت فقیه

که خود را نیازمند مشروعیت بین المللی می داند، دست به مانورهای

تبلیغاتی وسیعی زده است. اعلام برنده شدن شرکت نفتی هالیبرتون در پروژه

نفتی پارس جنوبی، از این دست مانورهاست. رژیم ولایت فقیه در نتیجه

عدم مشروعیت داخلی، برای بقای خود نیازمند پشتیبانانی بین المللی است.

در همین راستا، مذاکرات پشت پرده اتمی که به طور غیر مستقیم تحت نظارت

آمریکاییها انجام گرفت و احوال پرسی وزیر امورخارجه رژیم با نماینده آمریکا

در مصر، شروع این مانور انتخاباتی و درخواست حمایت از آمریکا است.

همزمان، کف به لب آوردگان ذوب در ولایت که در تلاش برای منزوی

کردن جناح رقیب، آنها را وابسته به آمریکا معرفی می کردند، به یکباره از

تک و تاب افتاده و مجبور به سکوت شده اند. مجلس دست نشانده ای که

در اولین عرض اندام خود برای ابراز سرسپردگی، ماجرای فرودگاه تازه

تاسیس تهران را بوجود آورد، از این قاعده مستثنی نیست. همه جنجال

نمایندگان سپاه در مجلس و حضور بقیه در صفحه ۱۹

مالک دوهان ادامه می دهد که: «احزاب مشخصی در این باره باهم توافق دارند

و در نشستی که در منزل عدنان پاچه چی رهبر حزب دموکراتهای مستقل با

حضور نمایندگان حزب حاکم (وفاق ملی به رهبری علاوی)، کمونیستها و

کردها و غیره برگزار شد درباره تعویق انتخابات به توافقی دست یافتیم اما آن

چه باعث شکست و به هم ریختن این جلسه شد مخالفت صریح جرج بوش

با تعویق انتخابات بود.»

کدام چشم انداز؟

کنش و واکنشهایی که در روزهای آینده در مورد انتخابات عراق صورت

خواهد گرفت و بالاخره آن چه در روز ۳۰ ژانویه اتفاق خواهد افتاد مشخص

می کند که آیا مردم عراق در چشم انداز نزدیک به حاکمیت ملی و

دمکراسی دست خواهند یافت و یا باید در سالهای آینده در جدال بین

اشغالگران و بنیادگرایان قربانی شوند. این کنشها و واکنشها همچنین علت

«مخالفت صریح جرج بوش با تعویق انتخابات» را به میزانی روشن خواهد

کرد.



## جامعه شناسی انقلاب فلسطین

قسمت دوم  
دیماه ۱۳۸۳ (ژانویه ۲۰۰۵)

نادر وهایی، پژوهشگر  
جامعه شناسی سیاسی  
GVNADER@aol.com

مرکز مطالعات مهاجرین ایرانی در پاریس،  
گروه محققین (دانشگاه نانتر)

**فاز سوم، فاز حاکمیت "اندیشه ترور"**  
"برین تن" معتقد است مدره ها به این دلیل که توان اعمال اتوریته یک دولت قوی را ندارند، مدتی پس از آنکه شور و هیجان فاز اول انقلاب فروکش کرد، زمینه های اجتماعی یک "مردانهین" به طور روانشناسانه در میان توده های مردم رفته رفته پدیدار می گردد. آنها از بی نظمی و هرج و مرج خسته می شوند. مردم عادی در قضاوت های خود بسیار پراگماتیک عمل می کنند. در عمل می بینند که نه تنها قول های داده شده تحقق نیافته است بلکه، امنیت شغلی و فردی آنها نیز مورد تهدید واقع شده است. در نتیجه، ایجاد امنیت "سرکوبگرانه" از اولویت درجه یک برخوردار می شود. به طور طنزآمیزی در این فاز، انقلابی با یک جنگ نظر می که از بیرون به آنها تحمیل می شود مواجه می شوند که به طور مضاعف توجه افکار عمومی را از مسایل و مشکلات درونی به سمت دشمن بیرونی سوق می دهد. هرزرفتن نیروها به سمت یک عامل بیرونی، باعث می شود که انقلاب نیروی اجتماعی خود را از دست بدهد و به سوی خود بازگردد. در این هنگام لحظه های درام آن فرا می رسد و این مرحله ای است که همه از آن وحشت دارند یعنی: انقلاب فرزندان خویش را می بلعد.

آنگاه دوران "ضدانقلاب" فرا می رسد که انقلاب را می خورد و عامه مردم که برای پیروزی انقلاب با همه جرات و شهامت، رنج های بسیار کشیده اند را دوباره تحت حکومت "طبقات حاکم" قرار می دهد. با چند مثال از انقلاب های گوناگون، فرآیند این فاز را از نزدیک مورد بررسی قرار می دهیم.  
انقلاب کبیرفرانسه پس از مرگ میرابو، یکی از رهبران اعتدالی در سال ۱۷۹۱ و به دنبال حمله کمون پاریس در ۱۰ اوت ۱۷۹۲ به کاخ پادشاه وقت، لوئی شانزدهم و زندانی نمودن وی، وارد فاز خونریزی و ترورش. در سپتامبر همان سال، حدود ۱۰۰۰ نفر محکوم به اعدام شدند که به سپتامبر سیاه معروف گشت. (۱۳) یک سال بعد، در سپتامبر ۱۷۹۳، قانون مهمبی به نام "قانون مظنونان" به تصویب رسید. براساس

این قانون، هرکس که مورد سووژن قرار می گرفت، امنیتی نداشت. به این ترتیب، دوران ترور آغاز گشت. "روبسییر"، یکی از مشهورترین مردان انقلاب و رهبر ژاکوبینها، عملاً در آن دوران دیکتاتور کنوانسیون شمرده می شد. او تقریباً مظهر ترور شده بود و همه از ترس او بر خود می لرزیدند. سرانجام کنوانسیون که با بردباری بسیار از او پیروی می کرد، از او رو گرداند و روبسییر را یک مستبد ظالم و جبار نامید و در نهایت به زندگی او پایان داد.

انقلاب اکتبر روسیه پس از روی کار آمدن استالین، از سال ۱۹۲۸ و ۱۹۳۰، وارد فاز تسویه حسابها و ایجاد تبعیدگاه های سیاسی و اردوگاه های کار اجباری و گولاگ گردید. انحصارطلبی، حذف مخالفین و ایجاد نهادهای سرکوب از ابتدای روی کار آمدن لنین ایجاد شده بود. ابداع استالین این بود که انحصارطلبی و ترور را به درون حزب کشاند و از سال ۱۹۳۴ به بعد، تقریباً از اعضای قدیمی حزب دیگر کسی در ارگان های رسمی آن باقی نماند و همه تصفیه شدند. این دوران تا مرگ استالین و روی کار آمدن خروشچف ادامه داشته است.

در تاریخ معاصر ایران، جامعه ایران دوبار در معرض تحول انقلابی قرار گرفت ولی هردو بار خالقین و پیشگامان انقلاب به قربانگاه رفتند و انقلاب بر سر انقلابیون خراب شد. انقلاب مشروطه در ایران پس از ۱۶ سال زیگزگ، با صعود رضاحان میرپنج به سرداری سپه، نمونه بارزی از استحاله انقلاب مشروطه است. جامی در کتاب "گذشته چراغ راه آینده است" در این باره چنین می نویسد:

"کودتای ۱۲۹۹ خورشیدی که برخی آن را انقلاب سفید نام نهادند، مقدمه اسف انگیز وضع نوینی بود در تاریخ چندین هزار ساله ایران که حوادث مهمی ایجاد کرد و منتهی به اختناق تدریجی و انقلاب خونین گردید که بر اثر آن مردان پاک سرشت و آزادیخواه ایران را در کام ازدهای ارتجاع و بیداد نابود ساخت." (۱۴)

انقلاب ضد سلطنتی ۱۳۵۷، پس از حدود ۲ سال و نیم با برکناری ابوالحسن بنی صدر، رییس جمهور قانونی و نیز به رگبار بستن مردم در تظاهرات آرام ۳۰ خرداد ۱۳۶۰، به حمایت از وی وارد فاز شد که کسی گمان نمی برد. تا سال ۱۳۶۳، هر نیم ساعت یک نفع اعدام شده بود. این نخستین بار در تاریخ معاصر ایران است که با ابعاد بالایی اعدام سیاسی در این سطح مواجه می شویم. خمینی اولین مرجع تشیع است که در نقش قاضی شرع، با توسل به فتوای مذهبی، فرمان قتل و عام مخالفین سیاسی خود را صادر کرد.

با توجه به جنبه های منفی انقلابی های فوق نباید به گرایش فکری دوم -

بسر می برد. (۱۶) سوال این است، دولت اسرائیل به چه حقی عرفات را در ستادش زیر نظر قرار داد؟ وی از حداقل حقوق صنفی (هوا، نور، غذا و رسیدگی درمانی مکتفی)، ارتباطی و لجستیکی که شایسته یک انسان باشد، محروم بود. تشکیلات خود مختار فلسطین، از جانب تمامی دولتهای جهان و شخص عرفات به عنوان نماینده مشروع و قانونی این دولت به رسمیت شناخته شده بود ولی با وجود این، اسرائیل سیاست "قرنطینه کردن" عرفات را به راحتی و برخلاف تمامی نرهای بین المللی به پیش برد. به راستی چگونه می توان به حریم فردی، سیاسی و حقوقی یک تشکیلات به رسمیت شناخته شده و مشروع تجاوز کرد و افکار عمومی جهان و سایر دولتها نسبت به آن سکوت پیشه کنند و بی تفاوت از کنار آن رد شوند؟ پاسخ به این سوال - تا آنجا که محدودیت های این مقاله اجازه می دهد - به دکتربینی مربوط می شود که پس از روی کار آمدن جرج بوش، بر جهان حاکم شده است.

"جیمز پتراز" (James Pitraz)، استاد جامعه شناسی دانشگاه ایالتی نیویورک، طی مقاله ای به تحلیل این دکتربینی می پردازد: (۱۷)

"نگاهی اجمالی به تحولات پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، حکایت از نوعی بازنگری تزه های پیشین توسط امپریالیسم آمریکا دارد. امپراطوری ۲۰ نفره ای که کنترل کاخ سفید را به دست دارند، پس از واقعه ۱۱ سپتامبر، خود را برای هرگونه اقدام نظامی، مختار دانسته و به تمامی نرهای بین المللی پشت پا زده اند. از جهات گوناگون می بینیم که جرج بوش پسر، همان خط سیر دوران ریاست جمهوری پدرش را دنبال می کند. ولی عملیات ۱۱ سپتامبر، هم به طور کمی و هم به طور کیفی، آمریکا را هراتر نمود تا به بهانه مبارزه با تروریسم، به تجاوزات خود در کشورهای پیرامونی مشروعیت بخشد. در چارچوب خط اول، ۱۱ سپتامبر، نقطه آغازی برای نسخه دوم نظم نوین جهانی بود و البته با مجموعه درسهای لازمی که از شکست نسخه نظم نوین جهانی آموخته شد. نخستین درسی که حکام کاخ سفید آموخته اند این است که ساختار امپراطوری نمی تواند بر اساس تصمیم گیری مشترک با متحدین اروپایی و آسیایی شکل گیرد. تصمیم گیری مشترک، سرعت واکنش آنها را در حمله به کانونهایی که با "ها رمونی" امپریالیسم سرسازگاری ندارند، کند می کند.

دوم، امپراطوری جهانی نیاز به جنگهای دایمی و بدون محدودیت های زمانی و مکانی دارد که می باید به

بقیه در صفحه ۱۴

روزیونیسم چپ - که در ابتدای این پژوهش از آن صحبت کردیم، حق داد که نسبت به انقلاب فلسطین هم با بدبینی و تردید بنگرند؟ آیا نمی توان نتیجه گرفت که انقلاب فلسطین هم به طریق اولی، وارد چنین فازی خواهد شد؟ پاسخ مثبت به این سوال در چارچوب یک پرسه تبیین فلسفی قرار می گیرد که در حال حاضر با مجموعه اطلاعات و عناصری که در اختیار داریم، صدور چنین حکمی خارج از کادر جامعه شناسی به شمار می رود. به ویژه آنکه عرفات سنتی از خود به جا گذاشت که بعید بنظر می رسد در کوتاه مدت تکرار آن متصور باشد. عرفات در خلال حاکمیت ده سال و چهارماه و ده روزه خویش، با وجود انتقادات ذکر شده، تا آنجایی که به پولرالیسم سیاسی، به توان تحمل و بردباری نسبت به مخالفین سیاسی و بالاخره تا آنجایی که به حل و فصل صورانه تضادهای درون خلقی مربوط می شود، اگر نخواهیم بگویم که یک کارنامه سفید و کم لکه، دست کم نقاط تاریک بسیار اندکی از خود به جا گذاشت.

عرفات ضمن دفاع از وجه فرهنگی اسلام (۱۵) به عنوان یک مذهب ضد ظلم و مترقی، تلاش نمود از آرمانی دفاع کند که مسلمانان، یهودیان و مسیحیان در صلح و صفا زندگی کنند. او ضمن حضور در نماز جمعه مسلمانان و با شرکت در مراسم سالانه تولد عیسی مسیح در کلیسای بیت الحکم و همچنین دیدار با تعدادی از خاخامهای یهودی، در عمل تلاش می نمود که بانگشت گذاشتن بر جنبه های مشترک سه مذهب یکتاپرست، بر وجه ضد صهیونیستی و ضد امپریالیستی مبارزه خود وفادار بماند و به هیچ وجه وارد وادی "ضد یهودی" نگردد.

اومعتقد بود که راه حل بحران در نهایت از کانال یک دولت دمکراتیک که حقوق مذاهب گوناگون را به رسمیت بشناسد، می گذرد. بردباری وی در مورد دگردانیشان و حتی انعطاف نسبت به گروه های فلسطینی "رادیکال"، موجب گردید که عرفات با مارک تروریست به خصوص پس از ۱۱ سپتامبر، نشانه گذاری شود. گناه بزرگ عرفات به زعم حکام اسرائیل این بود که از او می خواستند به نام مبارزه با تروریسم، مقاومت انتفاضه را سرکوب کند اما او به هیچ وجه قبول نکرد فلسطینیها را مقابل فلسطینیها قرار دهد. وی حاضر به ایفای نقش "کلانتر و ژاندارم ویژه" آمریکا در سرکوب حماس و جهاد اسلامی نشد. عرفات بهای این موضع اصولی را بسیار سنگین پرداخت.

وی از ۳ دسامبر ۲۰۰۱ تا ۲۹ اکتبر ۲۰۰۴ که ستاد خود را جهت معالجه به پاریس ترک کرد، به مدت ۲ سال و ۱۰ ماه و ۲۶ روز در مقر فرماندهی خویش تحت نظر ارتش اسرائیل در بازداشت

بقیه از صفحه ۱۳

فتوحات و اشغال نظامی ختم شود. جنگ‌هایی که نباید صرفاً به شکست نظامی یک دشمن خلاصه گردد.

سوم این که، به دکترینی نیاز است که بتواند حمایت پایدار مردم از جنگ‌های دایمی را تأمین نموده و مانع فروکش کردن آن شود و همزمان نگذارد که افکارعمومی به مسایل داخلی معطوف گشته و باعث بی اعتباری آمریکا گردد، مانند آنچه که برای بوش (پدر) در جنگ اول خلیج اتفاق افتاد و موجب گردید تا در بحبوه رکود اقتصادی سالهای آغازین دهه ۱۹۹۰، در مبارزات انتخاباتی شکست بخورد...

بدون هیچ تردیدی استراتژی آمریکا با این دکترین به نحوی روشن تهاجمی بیان شده است: حمله به هرفرد، جریان و دولتی که با آن سرناسازگاری داشته باشد. یک طرف قوی وجود دارد و این طرف قوی و هژمونی طلب براین باور است که خود حق دارد تروریسم دولتی را اعمال کند و اشکال مختلف هژمونی طلبی و مداخله گری را به اجرا درآورد و دیگران همه محکوم شدنی هستند. حال آنکه یا همه محکوم شدنی اند یا هیچ کس محکوم شدنی نیست.

در قبال این استراتژی، خطوط کلی و یا استراتژیک نیروهای دمکراتیک و توده ای درجهان چه باید باشد؟ نیروهای چپ چه پاسخ نظری و عملی می توانند در این جنگ که آژیرش به گوش می رسد، ارائه کنند؟

در دنیایی سرشار از چنین بی عدالتیها، با نظریه پردازان و سیاستمدارانی مواجه می شویم که می گویند، باید با این بی عدالتیها خو کرد. نتولیرالیسم، این شکل افراطی امپریالیسم، آمده است تا توده های وسیع را قانع کند که چنین جهانی را باید بپذیرند و به رنجهای مستمر بخش اعظم ساکنین کره زمین، همچو امری عادی و پذیرفتنی بنگرند. (۱۸) گرایشی از چپ بر این اعتقاد است که هیچ بدیلی برای سرمایه داری وجود ندارد و ظاهراً به این نتیجه رسیده است که هیچ چاره ای جز تسلیم در برابر امپریالیسم وجود ندارد.

واقعیت این است که حمله به برجهای دوقلو در سال ۲۰۰۱، نیروها و جنبشهای آزادیبخش و انقلابی - که ایدئولوژی آنها در دوران جنگ سرد شکل گرفته بود - را وارد دنیایی می کند که به بیان ترمودینامیک اصطلاحاً "انترپیک" و یا "پیری" نامیده می شود. (۱۹) وجه بارز چنین دنیایی خصلت اکسیدکنندگی و فرسایندگی است. انسان مبارز و انقلابی "تروریست" نامیده می شود که مطابق نرمهای حاکم عمل نمی کند و خطرناک است. به طور اجتماعی باید از وی دوری جست. در بستری از چنین شرایط بین المللی است که عرفات با

"بن لادن" همسنگ می شود و پس از دریافت برچسب "تروریست"، مطبوعات و وسایل ارتباط جمعی دست راستی ضمن بازتولید مارک تروریستی، طی یک پروسه زمانی، زمینه های سیاسی و اجتماعی ایزولاسیون فرد را مهیا می کنند. به عنوان مثال، روزنامه لوموند پاریس در تاریخ ۲۲ نوامبر ۲۰۰۴، مقاله ای به قلم فردی به نام Daniel Barenbim دارد. تا آنجایی که به درج مقاله برمی گردد، لوموند به عنوان یک نشریه مستقل و منعکس کننده نظرات گوناگون، موظف به درج مقاله است ولی هنگامی که در صفحه اول خود با خط درشت، تیترومقاله را بدین صورت برجسته می کند: "دیکتاتورمرد، زنده باد مردم فلسطین" و هنگامی که اصلاً به تروریسم دولتی شارون اشاره ای نمی کند، دیگر این روزنامه یک انعکاس دهنده صرف نیست بلکه با این روش می خواهد آگاهانه برافکار عمومی اثر بگذارد. زیرا فکر مبارزه با تروریسم می تواند افکارعمومی را به خود مشغول دارد.

بنابراین، مشکل مارک تروریسم، چنانچه اگر از جانب جنبشهای ترقی خواه وضدامپریالیستی درفضای "اکسید کننده گی" جهان فعلی جدی گرفته نشود، آنها را با موانع بزرگی مواجه خواهد کرد که در پروسه رشد خود، از نظر سیاسی ایزوله خواهد نمود. عرفات نتوانست از سد پیچیده گی این مرحله از امپریالیسم به راحتی عبور کند. او با اتخاذ سیاست "کج دار و مریز" در قبال جریانات "رادیکال"، درانتخاب بین انزوا و ایزولاسیون سیاسی و همکاری و "تسلیم" در برابر دولت شارون، شق اول را پذیرفت. در یک کلام وی در همان فاز دوم انقلابها که یک حاکمیت مدره است، باقی ماند و به هیچ وجه وارد وادی سرکوب و ترور دگراندیشان نشد. ولی سووال مشخص این است که جانشینان وی چه مسیری را پیشه خواهند کرد؟ آیا به سنت عرفات وفادار خواهند ماند؟

مشکلی که جانشینان عرفات با آن درگیرند، قبل ازاین که بحث بر ایده، استراتژی و یا چگونگی مذاکره با اسرائیل باشد، مساله ی مشروعیت اجتماعی آنها است. این مساله را می توان در اولین دیدار بیرونی ابومازن به خوبی دید که منجر به کشته شدن دو پلیس فلسطینی گردید. روزنامه لوموند سه شنبه ۱۶ نوامبر ۲۰۰۴، صفحه ۵، دراین مورد می نویسد: "آیا جنگ داخلی در گروه الفتح شدت یافته است؟ آیا مرگ عرفات باعث عصبی شدن جناحهای مختلف الفتح گردیده است؟ دیدار ابومازن با پوشش عزا در عصر یکشنبه ۱۴ نوامبر، به دلیل یک درگیری مسلحانه ناتمام ماند. همه چیز تا ساعت شش و نیم عصر به خوبی پیش رفت. برنامه در نزدیکی

فرودگاه غزه در داخل یک چادر برگزار شده بود. اکیپ حفاظت رهبری به خوبی از دو برادر دشمن وابسته به الفتح حفاظت می کرد. یکی از اینان پسرعموی عرفات، موسی عرفات نام دارد که رییس سرویسهای امنیتی فلسطینیان است. وی متهم به فساد و رشوه خواری است. فرد دیگر، محمد دهلان، رییس سابق سازمان امنیت درغزه، متهم به این است که خود را به آمریکا "فروخته" است. وی از نزدیکان ابومازن است. واحد شهدای "الاقصی" که از محمد دهلان دفاع می کند، خواستار محاکمه موسی عرفات به دلیل رشوه خواری، فساد و قتل است. در سپتامبر ۲۰۰۴، واحد شهدای فوق، به دو پادگان نظامی و مرکز ستاد موسی عرفات حمله مسلحانه داشته است.

ازسپتامبر گذشته به این سو، درگیریهای مسلحانه بین دو جناح فوق به طور متناوب ادامه داشته است به طوری که مردم غزه پس از مرگ عرفات نگران درگیری مسلحانه این دو جناح بودند. حادثه شامگاه یکشنبه دربستری ازچنین سابقه درگیری اتفاق می افتد. محمد دهلان و موسی عرفات درحالی که باهم قهرهستند دراین چادر حضوردارند. ابومازن در حال پذیرش نمایندگان گروه های سیاسی مختلف است. ناگهان عده ای با شلیک هوایی و با شعار وارد سالن می شوند و فریاد می زنند: "نه ابومازن و نه دهلان، رهبر ما یاسر عرفات است". این افراد هواداران و رزمندگان الفتح می باشند. اکیپ حفاظت ضمن دخالت، افراد شعاردهنده را به عقب می راند. تمام افراد داخل چادر، زمین گیر می شوند و سرویس حفاظت، ابومازن و دیگر شخصیتهای سیاسی را با عجله از چادر بیرون می برد. ابومازن در مصاحبه با تلویزیون فلسطین، تلاش کرد به این حادثه بعد سیاسی ندهد و هرگونه فرضیه سوو قصد به جان خود را رد کرد ولی قبول کرد که حفظ امنیت در سرزمینهای اشغالی به راحتی و بدون درگیری انجام نشدنی است...

این درگیری ضمن اینکه نشاندهنده بافت سنتی جامعه فلسطینی است همزمان، مساله "اتوریتیه سمبولیک" و مشروعیت جامعه شناختی را مطرح می کند که رهبران و جریانات فلسطینی گوناگون را از این بعد به چالش می طلبد. برموضوع مشروعیت سیاسی و اجتماعی باید تاکید و تأمل نمود زیرا درکانون آن به بیان ماکس وبر، امر پذیرش "سلطه" حاکمیت سیاسی از جانب مردم قرار دارد و برای این پذیرش به طور انسان شناسانه، سه دلیل ذاتی وجود دارد. بنابراین، از منظر این سه دلیل - که مشروعیت سه گانه کلاسیک جامعه شناسی از آن ناشی می شود- مختصات فعلی رهبران فلسطینی را مورد مطالعه قرارمی دهیم. (۲۰)

الف: مشروعیت سنتی  
این مشروعیت مبتنی بر اقتدار دیرینه جاوید است. یعنی اقتدار عاداتی که اعتبارقدیمی آنها و خوی ریشه دار آدمیان به رعایت کردن شان، ضامن اجرای آن است. قدرت سنتی ریش سفید قوم یا ارباب زمین در نظام فتوئالی، از این نوع است. به عبارت بهتر، قدرت دیرینه سنن، به خودی خود، مقدس است و دیرینه بودن آنها دلیل کافی برای حقیقت داشتن آنها محسوب می شود و در نتیجه، کسانی که بر طبق سنن قدیم دارای اقتدارهستند، حق چنین اعمال قدرت را دارند و قدرت آنان هیچگاه مورد تردید قرار نمی گیرد، از آن جهت قانونی است که وجود دارد. این نوع مشروعیت درنظامهای پارلمانتاری غرب، به صورت پذیرش فقط یک نقش سمبولیک - ملکه انگلستان، پادشاه بلژیک و اسپانیا - و نه دارا بودن مسولیت اجرایی، کماکان وجود دارد. ولی درکشورهای پیرامونی - نظیر پادشاه اردن و عربستان سعودی - کماکان به دلیل همین اعتبارسنتی، همه قدرت در دست این نوع حاکمان سنتی است. با اشراف به این نوع مشروعیت، هیچ یک از رهبران فعلی فلسطین از چنین ویژه گی برخوردار نیستند و زمینه های اجتماعی و سیاسی بازگشت مجدد پادشاهان و به طور کلی هرگونه اقتدار غیر عرفی، پس از جنگ جهانی دوم، منتفی است زیرا امروزه در جهان، مدل پارلمانتاریستی غرب، به عنوان مدلی نسبی و کم و بیش قابل قبول پذیرفته شده است.

ب: مشروعیت کاریسماتیک (کراماتی)  
برای فهم بیشتر این مشروعیت، شرح مفهوم کاریسماتیک ضروری است. ریشه این کلمه یونانی است، کاریسما (charisma) در زبان یونانی به معنای "کرامت" است. مشروعیت کراماتی، مبتنی بر اعتقاد به کیفیت استثنایی یک فرد است.

این نوع مشروعیت، مبتنی بر اقتداری است که پایه و اساس آن بر جاذبه شخصی و فوق العاده یک فرد بنا شده است و کراماتی نامیده می شود. خصوصیت و ویژه گی این قسم از اقتدار در این است که افراد نسبت به یک تن، از خودگذشتگی کاملاً شخصی دارند و به شخص او به خاطر خصوصیات کیفی منحصر به فرد یا از لحاظ قهرمانی و دیگر خصوصیات مردم سالاری نادر، اعتماد نشان می دهند. این همان قدرت کرامت پیامبران، مصلحین بزرگ اجتماعی، قدرت جنگجوی برگزیده و یا به بیان سیاسی، رهبر توده پسند، مردم سالار بزرگ یا رییس حزب سیاسی است. این رهبران افرادی هستند که قهرمانی، لیاقت، شایستگی و صلاحیت خود را بقیه در صفحه ۱۵

کنند به شرط آنکه همواره از شیوه منظمی پیروی کنند. (۲۴)

با توجه به این نوع مشروعیت، آیا انقلاب فلسطین در مسیری حرکت خواهد کرد که پایه های ساختاری محکمی برای یک حاکمیت "دولت-ملت" باشد؟ تشکیلات خود مختار فلسطین تاکنون از نوعی سیستم برخوردار بود که در کانون آن عرفات نقش یک هماهنگ کننده مشروع و قابل قبول را بازی می کرد. فرامین و تصمیمهای وی، در بستری از بافت سنتی جامعه فلسطینی با مشکل چندان مواجه نمی شد. ولی درغیاب او، این مکانیزم چگونه عمل خواهد کرد؟ این همان پیچ و مشکل مهمی است که انقلابها به طور عام و تشکیلات خودمختار به طور خاص با آن درگیر است. فاز "ترور و بلعیدن فرزندان خود" در این پیچ مهم روی خواهد داد. در یک رویکرد خوشبینانه آیا رهبران فلسطین قادرند تشکیلات خود مختارا به سمت یک "مشروعیت منطقی" پیش ببرند؟ آیا بافت سنتی جامعه فلسطینی این امکان را به آنها می دهد که این گذار با آرامش صورت گیرد؟ مجموعه عواملی که از آنها نام بردیم، پاسخ مثبت به این سوالات را با مشکل مواجه می سازد. واقعیت این است که درخاورمیانه تنها کشور هند است که توانست پس از مرگ گاندی به سوی نهادینه کردن اهرمهای قدرت پیش برود. ولی به هیچ وجه نمی توان دولت خود مختار را با هند مقایسه نمود زیرا حضور و دخالت روزانه اسرائیل در سرزمینهای فلسطینی باعث می شود که میدان مانور و توان برنامه ریزی و حل و فصل پروژه های سیاسی دولت خودگردان اساسا با عامل بازدارنده و فرساینده اسرائیل مواجه گردد. "آچمز شدن" عرفات به مدت حدود سه سال نشان می دهد که عامل اسرائیل به عنوان یک نقش مهم و تعیین کننده بایستی در این بحران مورد توجه واقع شود. این پارامتر مهم "نقشه راه غزه" نام گرفته که شارون با حمایت بوش خواهان پیاده کردن آن است. روزنامه لوموند، دوشنبه ۲۲ نوامبر ۲۰۰۴، صفحه ۱۳، در مورد این طرح چنین می نویسد:

"واضح و آشکار است که "نقشه راه" قبلی که در دسامبر ۲۰۰۲ و ژوئن ۲۰۰۳ عنوان شده بود، دیگر محلی از اعراب ندارد. اما "نقشه راه" دیگری در حال شکل گیری است که به لحاظ فرم، مراحل و محتوی، به هیچ وجه قابل مقایسه با طرح نخست مورد قبول فلسطینیها نخواهد بود. این طرح بقیه در صفحه ۱۶

بر ساف و بالاخره پیشنهاداتش راجع به رفرم و دمکراتیزه کردن نهادهای مختلف تشکیلات خود مختار فلسطین، از خود شخصیتی به نمایش گذاشته است که به طور نسبی تداوم انقلاب فلسطین را در سیمای وی می بینند.

همزمان، حمایت اولیه او از کاندیداتوری محمود عباس در انتخابات ۹ ژانویه و کاندید نمودن مجدد خود- غروب آخرین ساعات وقت اداری روز چهارشنبه اول دسامبر ۲۰۰۴، - خانم برغوتی پس از ملاقات در زندان با همسرش، به رام الله رفت و کاندیداتوری همسرش را به طور رسمی ثبت نمود - و انصراف او به نشانه حمایت از محمود عباس، سوالات جدیدی در مورد جناح بندی و انشعاب احتمالی در الفتح ایجاد نموده است. کاندیداتوری او باعث واکنش سریع "کولین پاول" وزیر خارجه ایالات متحده گردید که ورود او را به انتخابات "مساله ساز" توصیف کرد. (۲۳)

صرف نظر از تغییر موضع وی در مورد انتخابات و فقدان منابع و اطلاعات مکفی در مورد پروژه سیاسی وی برای تداوم انقلاب فلسطین، آیا نفس اتخاذ موضع رادیکال و یا نفس زندانی بودن باعث می شود که وی به یک شخصیت کارسیما تیک تبدیل گردد؟ به طور مشخص نمی دانیم دیدگاه وی در مورد یک نظام مبتنی بر پلورالیسم سیاسی چیست و تا چه حد به دموکراسی اجتماعی وفادار است. آیا به اندازه عرفات در مورد دگراندیشان با صبر و خویشی داری برخورد خواهد کرد؟ آیا به بهانه "نجات انقلاب" به عنصر قهر و زور برای از بین بردن نیروهای مذهبی تند رو تحت پوشش روز پسند مبارزه با تروریسم متوسل نمی شود؟ منابع واطلاعات فعلی به ما این امکان را نمی دهد که به سوالات فوق به راحتی پاسخ دهیم و احتیاج به شفافیت بیشتر دیدگاه های وی، ضروری می نماید.

ج: مشروعیت نوع منطقی(راسیونل) این نوع مشروعیت از اقتداری نشأت می گیرد که بر اساس قانون و اعتقاد به اعتبارمقام قانونی و براساس صلاحیت مثبتی که مبتنی بر قواعد ثابت منطقی و عقلانی است، نهاده شده است. به عبارت دیگر، اقتداری است مبتنی بر اطاعت که همراه با انجام تکالیفی متناسب با مقام ثابت وضعی است. این نوع اقتدار پایه و اساس نظام پارلمانتاری غرب است که در کانون خود مفهوم حاکمیت به معنی "دولت-ملت" (Nation-État) را به ارمغان آورده است. در واقع مشروعیت نوع منطقی، بر این اعتقاد مبتنی است که روند وضع قواعد، ترتیبی قانونی است، در نتیجه عده ای این حق را دارند که ترتیب مذکور را، تغییر دهند یا تثبیت

ویژه گی استراتژیک وی، مخالفت صریحش با انتفاضه مسلحانه است. این ویژه گی وی باعث شده که آمریکا و اسرائیل وی را به عنوان مخاطب بالقوه و "مشروع" خود به رسمیت بشناسند.

۲- احمد قری (ابوعلا)

وی در سمت نخست وزیری، ریاست شورای امنیت ملی و کنترل نیروهای امنیتی را به عهده دارد. وی خواهان از سر گیری مذاکرات با اسرائیل است.

۳- روحی فتوح

ریاست شورای قانون گذاری فلسطین را تا انتخابات سراسری ۹ ژانویه، به عهده دارد. او نیز مدافع از سرگیری مذاکرات با اسرائیل است.

۴- فاروق قدومی

سمت وزارت خارجه ساف را داراست. او از مخالفان سرسخت پیمان "اسلو" و معتقد به مبارزه مسلحانه با اسرائیل است. پس از مرگ عرفات، به ریاست فتح برگزیده شد. به دلیل اقامتش در خارج از سرزمینهای اشغالی، آیا او می تواند نقش مهمی در تغییر و تحولات سیاسی آینده فلسطینیان بازی کند؟

چهار شخصیت فوق، با وجود اختلاف سلیقه و فکر، به نسل جوان فلسطین تعلق ندارند. این نسل (بین سنین ۱۵ تا ۳۰ سال) با روانشناسی سرکوب، تحقیر و تجاوز آشکار روزانه از جانب سربازان اشغالگر اسرائیل روبرو است. نسلی پرشور، ستیزه جو و سلحشور است که روزانه از او خون می چکد. برخلاف وجه غالب تصویر کلیشه ای در غرب، نه تروریست است و نه ماجراجو. چنین نسلی نمی تواند توسط کسانی نماینده گی شود که اندیشه و آرمان سیاسی آنها اساسا به دهه های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ تعلق دارد که مهمترین ویژگی آن تفکر بوروکراتیک، "نومن کلاتورا" (Nomenclatura) و غیر انقلابی است. واژه "نومن کلا تورا" (۲۲) روسی است و در این زبان به آن دسته از اعضای حزب کمونیست گفته می شد که پس از رسیدن به پستهای مهم، به آرمان انقلابی و ضد استعماری پشت می کردند. به طور جامعه شنا سانه این افراد قشر ممتاز و "اشرافیت" جدیدی را نماینده گی می کنند که در روند خود به باز تولید مناسبات طبقاتی در روابط جدید می پردازد. چنین ویژه گیهایی باعث می شود که شخصیتهای فوق نتوانند نقش یک رهبر کارسیما تیک را ایفا کنند.

۵- مروان بر قوتی

از وی به عنوان رادیکال ترین رهبر الفتح نام برده می شود که چه در میان کادرهای جوان این جنبش و چه بین مردم فلسطین، از محبوبیت خاصی برخوردار است. وی از سال ۲۰۰۲، به دلیل محکومیت به حبس ابد، در زندان اسرائیل بسر می برد. او به دلیل حمایت مستمرش از جنبش انتفاضه، به دلیل مبارزه افشاگرانه علیه فساد اداری حاکم

در جریان عمل اجتماعی به اثبات رسانده اند. بدیهی است، ممکن است پیرامون کیفیت و چگونگی صلاحیت افراد ذکر شده، اتفاق نظر وجود نداشته باشد و یا رهبر مورد نظر، یک قهرمان دروغین باشد و یا با شیوه های نادرست بر هواداران خود تاثیر بگذارد. اما برای یک جامعه شناس این مهم است که پیروان این نوع اشخاص به رهبران خود اعتماد خاصی نشان می دهند و در صورت انجام یک انتخابات آزاد و واقعی، مردم این تمایل خود را به خوبی نشان می دهند.

این کیفیت منحصر به فرد رهبری، برآیند پشتوانه توامان- یا تعدادی از آنها- پنج ویژگی یا "دارایی" های یک انسان است که در جامعه شناسی به اشکال زیر نشان داده می شود. (۲۱)

اول - توانمندی یا سرمایه فرهنگی که به میزان تحصیلات و تعداد تکلم فرد به زبانهای غیرمادری اش شاخص می گردد.

دوم- توانمندی اجتماعی این ویژگی، گسترش ارتباطات اجتماعی فرد، شغل و درنهایت به جایگاه اجتماعی وی در دینامیزم مناسبات اجتماعی را دربر می گیرد.

سوم - توانمندی سمبولیک این ویژگی اساسا برآیند یک سری از خصوصیات فردی (سن، سخنوری و تحت تاثیر قراردادن توده ها، با هوشی و حضور ذهن ...) یک انسان است که او را از دیگران متمایز می سازد.

چهارم- توانمندی اقتصادی به مجموعه ای از سرمایه و داراییهای شخص اطلاق می شود که با زمین، پول، خانه و اشیای گران قیمت شاخص می گردد.

پنجم - توانمندی جمعی و تشکیلاتی این ویژگی اساسا به توان بسیج جمعی فرد، به توانمندی تشکیلاتی او و به طور کلی به مجموعه ابزار و سیستم اجرایی مربوط می شود که به فرد این امکان را می دهد که پروژه سیاسی، اجتماعی و فردی خود را به پیش برد. عرفات به دلیل دارا بودن چهار خصوصیت فوق- به استثنای توانمندی اقتصادی - هم چنانکه دیدیم، از یک نوع ویژگی منحصر به فردی برخوردار بود که به هیچ عنوان قابل انتقال و جایگزینی نیست. این همان مشروعیت کراماتی است که یک رهبر سیاسی می تواند آن را تبدیل به مشروعیت جامعه شناختی نماید.

با توجه به معیارهای ذکر شده، کدامیک از رهبران فعلی ساف از مشروعیت کراماتی برخوردارند؟ در این رابطه، مروری بر اسامی مهمترین آنان ضروری می نماید.

۱- محمود عباس (ابومازن)

شخصی که از او بیشتر از دیگران در وسایل ارتباط جمعی نام برده می شود. وی پس از درگذشت عرفات، به ریاست اجرایی ساف برگزیده شد. مهمترین



## زنان، جنگ و امپریالیسم

الف. آناهیتا  
بعد از حادثه یازده سپتامبر، امپریالیسم آمریکا زیر لوای مبارزه با تروریسم، سیاستهای خشن تری را در راستای تثبیت یک دیکتاتوری مدرن در سطح جهان به ویژه خاورمیانه آغاز کرد. ناهنجاریهای سیاستهای جنگ طلبی و نظامی گری بر دوش مردان و زنان زحمتکش سنگینی می کند. طوری که بر اساس آمارها و گزارشهای متعدد با وجود تشدید بیکاری و فقر حتی در کشورهای پیشرفته صنعتی، سرمایه های بیشتری در دست کلان سرمایه داران این کشورها متمرکز شده است. از سوی دیگر، سیاستهای امپریالیسم در تشدید و گسترش عقاید و ایدئولوژی نژادپرستی و بنیادگرایی در سراسر جهان نقش بسزایی داشته و بسیاری از حقوق و آزادیهای فردی و دموکراتیک ملتها، نیروها و سازمانهای مترقی و عدالت خواه در سراسر جهان را مورد هدف قرار داده است. تشدید فقر، بیکاری، تجدید قدرت عقاید عقب افتاده و پایمال شدن حقوق و آزادیهای دموکراتیک به خصوص در سالهای اخیر و کوشش برای پیشبرد طرحهای جنگ طلبانه و نظامی گری، بیش از همه موقعیت زنان و دستاوردهای جنبش جهانی زنان که حاصل کوشش و مبارزه مداوم آنان در طول تاریخ می باشد را به مخاطره انداخته است. جرج بوش بار دیگر با توسل به ارزشهای سنتی و اخلاقی به مسند قدرت نشست.

بقیه در صفحه ۱۷

## جامعه شناسی انقلاب فلسطین

بقیه از صفحه ۱۵

جدید بر تفکر "یک سونگرانه ای (Unilateralism)" بنا شده که اصل پایه ای صلح در قبال زمین را مردود می شمارد. از این پس بر گرداندن سرزمین های فلسطینی به عنوان بخشی از مسؤلیت وزارت کشور اسرائیل خواهد بود. این مدل جدید که به عنوان طرح "غزه" شارون نام گرفته، فقط در کادر دو هم پیمان آمریکا-اسرائیل به پیش خواهد رفت. اسرائیل پیشنهاد می دهد و طرح را می پروراند و با حمایت آمریکا به پیش می برد. و طرف سومی در کار نخواهد بود. شارون از ابتدای رسیدن به قدرت، در راستای این سیاست، مذاکرات با فلسطینیها را قطع کرده است و در نتیجه و با احتساب این پارامتر آیا می توان انتظار داشت که رهبران فلسطین در جهت دموکراتیزه کردن جامعه فلسطینی راه حل "مشروعیت منطقی" را دنبال کنند؟ انقلاب فلسطین چنانچه اگر از این نقطه عبور کند، به سمت فرآیند دموکراتیزه و منطقی شدن میل خواهد کرد. چنین روندی می تواند در بطن خود از یک سو به پروسه سکولاریزه کردن جامعه فلسطینی کمک نماید تا وارد دام "بنیادگرایی مذهبی" از نوع خمینی و طالبان نگردد و از سوی دیگر، مانع انحراف انقلاب به وادی قهر، سرکوب و حذف دگراندیشان شود، شقی که در وضعیت مجموعه متشتت نیروهای فلسطینی و در سایه فقدان یک دولت قوی، زمینه های اجتماعی آن آماده است. ولی از آنجا که در حال حاضر چنین آلترناتیوی در کادر مجموعه نیروهای فلسطینی متصور نیست، راه حل عینی که باقی می ماند، قبول دوفاکتوی طرح شارون از جانب رهبران تکنوکرات فعلی ساف است که در آن صورت انقلاب فلسطین وارد فاز جدیدی خواهد شد که به طور محتوایی با گذشته متفاوت است.

### نتیجه گیری

در پاسخ به سوالاتی که در آغاز این پژوهش مبنی بر چگونگی تداوم انقلاب فلسطین کرده بودیم، به طور فشرده باید گفت، تشکیلات خودمختار فلسطین به دلیل ضعفهای ساختاری بر شمرده از یک سو که در کانون آن فقدان یک رهبر کاریسماتیک قرار دارد و از سوی دیگر به دلیل عدم توانمندی در حل و فصل چالش مشروعیت در راستای دموکراتیزه کردن جامعه فلسطینی، در یک پروسه زمانی مشخص، ضمن پایان بخشیدن به جنبش انتقاصه، چنین به نظر می رسد که سرانجام برای بقای خود طی فرآیندی از درون استحاله و به غرب و آمریکا متوسل شود. به عبارت بهتر، فرسایشی شدن جنبش انتقاصه دو که نیروی محرکه انقلاب فلسطین است، علی الاصول باعث کاهش دینامیزم آن از نظر زمانی خواهد شد. به بیان جامعه شناسی، این استحاله برآیند فرسوده گی و سرخورده

گی توده های فلسطینی از پایین جامعه و یک اراده سیاسی از بالا است. مرگ عرفات به عنوان یک نقطه کیفی از فرآیند انقلاب فلسطین، زمینه مادی و تشکیلاتی مانور این اراده را فراهم نموده است.

منابع

- 1- Ian Kershaw, *Essai sur le charisme en politique*, Harmatan, Paris, 1992, p: 10-30
- 2- کارل پوپر، جامعه باز و دشمنان آن، ترجمه عزت الله فولادوند، انتشارات خوارزمی، ۱۳۷۷، تهران
- 3- مثال بارز این نمونه، نوشته پرویز صیاد، هنرمند تئاتر و سینما است که طی آن نظرات یک کارشناس آمریکایی را با زیرکی تمام بازتولید می کند. او با پنهان شدن پشت یک کارشناس، تلاش دارد به مارک تروریست علیه عرفات مشروعیت بخشد. ر.ک به سایت دیدگاه ۲۴ نوامبر ۲۰۰۴
- 4- روزنامه لوموند، پاریس، ۲۲ نوامبر ۲۰۰۴، صفحه ۱۳
- 5- روزنامه لوموند، پاریس، ۲۲ نوامبر ۲۰۰۴، صفحه ۱۳
- 6- Dobry Michel, *Sociologie des crises politiques*, Paris, Références, 1992, pp: 60-70
- 7- هانری مندراس و ژرژ گورویچ، مبانی جامعه شناسی، ترجمه باقر پیراهم، انتشارات امیرکبیر، چاپ چهارم، تهران، ۲۵۳۶، ص: ۱۴۲-۱۵
- 8- روزنامه لوموند، پاریس، جمعه ۱۲ نوامبر ۲۰۰۴، صفحه ۴
- 9- جواهر لعل نهرو، نگاهی به تاریخ جهان، ترجمه محمود تفضلی، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۱، ص ۷۲۵
- 10- ویژه نامه لوموند، ۱۳ نوامبر ۲۰۰۴، ص ۴۶-۶۰
- 11- فرهاد خسروخوار، جامعه شناسی انقلاب ایران، نشر بنیاد ملی فرانسه، پاریس، ۱۹۹۳، ص ۳۸-۸۰
- 12- در یک قیاس مع الفارق می توان این کارکرد را به خوبی در انقلاب ایران دید. خمینی به عنوان یک تجربه منفی از نهادینه شدن یک شخصیت کاریسماتیک قابل تامل و تعمق است. او با تخصیص دو مشروعیت برای خود - اولی با صعود به رتبه آیت الله و مرجعیت، مشروعیت خود را در ذهن توده های مردم از دهه های ۱۳۴۰ به بعد به طور سمبولیک ایجاد کرد و دومی با اتخاذ مواضع رادیکال در جریان جنبش ضد سلطنتی و دموکراتیک علیه رژیم شاه، در آستانه انقلاب، مشروعیت جامعه شناختی را نیز از آن خود ساخت - در آستانه ورود او به ایران، توده های مردم برایش فرش سرخ پهن کردند. اما چند ماهی از انقلاب نمی گذرد که رفته رفته بخشی از این مشروعیت طی یک فرآیند معکوس روانشناسانه از او رخت برمی بندد و به سوی قطب دیگر مذهبی یعنی طالقانی میل می کند. به طور طنز آمیزی، خمینی در بین برخی از جوانان رفته رفته محبوبیت کاریسماتیک خود را از دست می دهد (Décharismatise) اما در میان اقلیت حزب

الله، محبوبیتش در (Surcharismatise) حد امام صعود می کند. مرگ زودرس و مشکوک طالقانی، مانع از این شد که وی بتواند با استفاده از محبوبیت اجتماعی خود یک تعادل دموکراتیک و نهادینه در مقابل افزایش قدرت افسار گسیخته خمینی ایجاد کند. برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به: فرهاد خسروخوار، جامعه شناسی انقلاب ایران، نشر بنیاد ملی فرانسه، پاریس، ۱۹۹۳، صفحه: ۲۹۵-۳۰۴

- 13- جواهر لعل نهرو، نگاهی به تاریخ جهان، جلد دوم، ترجمه محمود تفضلی، امیرکبیر، تهران، صص: ۷۳۳-۷۱۰
  - 14- جامی، گذشته چراغ راه آینده است، انتشارات ققنوس، تهران، ص ۵۴
  - 15- شخصیتهای سیاسی در جریان "پروسه سیاسی شدن" خود مجهز به اندیشه ای می شوند که در مراحل بعدی حیات سیاسی خویش به عنوان منبع الهام فکری از آن استفاده می کنند. عرفات با توجه به فعالیت اولیه اش در اخوان المسلمین توانست از بُعد فرهنگی اسلام در فعالیت سیاسی اش استفاده کند. برخورد بردبارانه اش با مذاهب گوناگون، با الهام از سنت محمد در مدینه است. محمد پس از رسیدن به قدرت در مدینه، ضمن اعلام عفو عمومی، با اقلیتهای یهودی، مسیحی و ... پیمان صلح امضا کرد و حقوق سیاسی، اجتماعی و مدنی آنها را تامین نمود.
  - 16- روزنامه لوموند، پاریس، جمعه ۱۲ نوامبر ۲۰۰۴، صفحه ۴
  - 17- ر.ک.ب. Piter James، یک سال پس از ۱۱ سپتامبر، مجله Canadian dimension، شماره ۶ دسامبر ۲۰۰۲. نبرد خلق طی شماره های ۲۱۲، ۲۱۳ و ۲۱۴ آنرا به چاپ رسانده است.
  - 18- ر.ک.ب. میزگرد با عنوان (پس از مانهاتن) در چارچوب کنگره سوم بین الملل مارکس، از ۲۶ تا ۲۹ سپتامبر ۲۰۰۱ در دانشگاه ناتن در پاریس
  - 19- مهندس بازرگان، جزوه خود جوشی
  - 20- هانری مندراس، ژرژ گورویچ، مبانی جامعه شناسی، ترجمه باقر پیراهم، چاپ چهارم، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۲۵۳۶، ص ۲۲۰-۲۲۵
  - 21- Luc Boltanski, R. français. Sociol., 1973, pp: 3-26
  - 22- Le Petit Larousse, Ed, ۱۹۹۶, P ۳۷۰-۳۷۱, Larousse, Paris,
  - 23- روزنامه لوموند، پاریس، ۳ دسامبر ۲۰۰۴، ص ۲
  - 24- برای فهم بیشتر سلطه، ر.ک.ب. ماکس وبر، دانشمند و عالم سیاسی، پاریس، انتشارات پلون، ۱۹۵۹، ص ۱۱۰-۱۳۰
- در ضمن از آقای حسن ابراهیمی که با احساس مسوولیت، ویرایش این مقاله را به عهده گرفتند، صمیمانه سپاسگزاری می نمایم.

## زنان، جنگ و امپریالیسم

بقیه از صفحه ۱۶

وی در ماههای اخیر سعی کرده است به محافظه کاران نو نقشیهای کلیدی تر اعطا کند. از جمله این افراد، کاندولیزا رایس است که بعد از حادثه یازده سپتامبر در تدوین و اجرایی نمودن سیاستهای نظامی گری در صحنه بین المللی و سیاست تهاجمی بر ضد حقوق فردی و دموکراتیک در ایالت متحده آمریکا نقش بسیار فعالی داشته است. وی همچنین با حاضر شدن در کمیسیون تحقیق کنگره آمریکا از تمام اقدامات غیرقانونی دولت بوش دفاع کرد و با این کار، تاثیر به سزایی در انتخاب دوباره بوش به پست ریاست جمهوری این کشور گذاشت.

ورود چهره هایی از این دست در دستگاه دولتی بوش، نشاندهنده تلاش در جهت تثبیت هژمونی ایالت متحده آمریکا در سراسر جهان با توسل به ادامه سیاستهای خشن نظامی خواهد بود.

امپریالیسم قصد دارد، سیاست جنگ علیه تروریسم را به همان اندازه که در صحنه بین المللی بیاده می کند، در سطح جامعه آمریکا نیز به اجرا در آورد و در این مسیر حتی تروریسم به مساله کورتاژ نیز ربط داده می شود. بوش در سی امین سالگرد حق آزادی سقط جنین در آمریکا گفت: «حق آزادی یازده سپتامبر ما به وجود شیطان بر روی زمین پی بردیم و امروز در جنگی بر علیه ستمگری بر مردم هستیم... ما موظفیم از جان و زنده ماندن حفاظت کنیم.»

زنان آمریکا با مبارزه ای پیگیر در سال ۱۹۷۳، دادگاه عالی این کشور را مجبور به قبول حق کورتاژ زنان کردند. برخورداری از حق کورتاژ برای زنان به خصوص زنان زحمتکش، حیاتی و مبرم است. این حق به زنان اجازه می دهد تا بتوانند بر زندگی و بدن خود نظارت داشته باشند.

حمله امپریالیسم به حق کورتاژ زنان از امروز شروع نشده است. اولین تلاش برای ممنوعیت سقط جنین از طرف بوش در سال ۲۰۰۳ اعلام شد. وی سعی کرد از کورتاژ در زمانی که جنین معيوب است و یا جان زن در خطر است، جلوگیری به عمل آورد. این نوع کورتاژ در بارداریهای ناخواسته از جمله بارداری در اثر تجاوز جنسی نیز به کار برده می شود. البته این ممنوعیت توسط اتحادیه پزشکان، اتحادیه پرستاران، اتحادیه پزشکان زن و بسیاری متخصصان حرفه ای و متخصصان زنان و زایمان در آمریکا مورد اعتراض قرار گرفت و پذیرفته نشد. اما برنامه بال راست ارتجاعی - استبدادی بوش به همراه عناصر محافظه کار نو، این است تا با فشار و وارد کردن تعدادی بیشتری از قضیههای مرتجع به دادگاه عالی، حق سقط جنین زنان را به طور کامل پایمال

سازند و تا رسیدن به مقصد از پا نخواهند نشست.

امپریالیسم سعی دارد، زنان را به دوره ای برگرداند که بسیاری از آنان به دلیل قانونی نبودن کورتاژ، به انجام کورتاژهای نامطمین و غیربهداشتی مبادرت می ورزیدند و بسیاری از آنان جان خود را از دست می دادند.

۴۰۰ میلیارد دلار مخارج نظامی در سال، کاهش بیمه و خدمات اجتماعی و درمانی باعث اضافه شدن یک و سه میلیون نفر به فقرای آمریکا در سال ۲۰۰۳ شده است. به عبارت دیگر، ۱۲٫۵ درصد ملت آمریکا در سال ۲۰۰۳، در مقایسه با سال ۲۰۰۲ که ۱۲٫۱ درصد بوده است، در فقر زندگی می کنند و به یقین بیشترین درصد این جمعیت را زنان، به ویژه زنان زحمتکش تشکیل می دهند.

لبه تیز حمله سیاستهای امپریالیسم چه در درون جامعه آمریکا و چه در سطح بین المللی، زنان و دستاوردهای آنان است.

در سال ۱۹۵۹، زمانی بسیار طولانی قبل از به قدرت رسیدن صدام حسین و هنگامی که حزب ناسیونالیست در عراق قدرت داشت، زنان عراقی موفق به تصویب بسیاری از حقوق دموکراتیک خود شدند. طوری که حتی بعد از به قدرت رسیدن صدام حسین، زنان در عراق دارای حقوقی بودند که بسیاری از زنان در کشورهای آسیایی از داشتن آن محروم بودند. زنان می توانستند رای بدهند، رانندگی کنند، مردان حق نداشتند پیش از یک زن اختیار کنند، زنان حق تحصیل و اشتغال به کار داشتند ولی امروز به واسطه سیاستهای جنگ طلبی امپریالیسم، زنان عراقی در شرایط بسیار اسف باری قرار دارند، طوری که بسیاری از آنان به دلیل رشد روزافزون گروه و دسته های بنیادگرا، حتی قادر به بیرون آمدن از خانه خود نیستند.

زنان عراقی که ۶۵ درصد جمعیت کشور را در بر می گیرند، بعد از اشغال، در خانه های خود زندانی شده اند. آنان که از حق پوشش آزاد برخوردار بودند، از ترس گروه های مرتجع و مذهبی، مجبور به پوشاندن خود در انتظار عمومی شده اند. میزبان قتلهای ناموسی چندین برابر شده و جنگ خانمانسوز روزی نیست که جان زنی را در عراق تهدید نکند.

جان و حقوق زنان عراقی توسط نیروهای اشغالگر امپریالیستی و بنیادگرایان مذهبی و گروههای قاچاق انسان به طور مداوم تهدید می شود.

شورای رهبری عراق در سال ۲۰۰۳، تصمیم به تغییر قانون خانواده عراق، قطعنامه ۱۳۷ و جایگزین کردن آن با قانون شریعت و اسلام گرفت که با راهپیمایی زنان در کردستان عراق و بغداد و تلاش بسیاری از مدافعان حقوق زنان در داخل و خارج از کشور، موفق به این کار نشد. اما تهاجم به حقوق زنان در عراق پایان نگرفته است.

هدف امپریالیسم از اشغال کشورهای خاورمیانه و انجام انتخابات فرمایشی زیر

## تبعیض در ازدواج با تبعه غیر ایرانی

زینت میرهاشمی

بر همه تبعیضهای قانونی که بین زنان و مردان در امر ازدواج، حق نگاهداری کودکان و حق ارث وجود دارد، تبعیض در ازدواج با یک تبعه خارجی را هم باید اضافه کرد.

برای ازدواج یک مرد ایرانی با زنی غیر ایرانی از هر ملیت و نژادی، محدودیتی وجود ندارد. زیرا بر اساس دیدگاه آخوندی، با این ازدواج کافره ای به «اسلام» ناچار خواهد شد. اما زنان ایرانی نه تنها حق ندارند که همسری یک فرد غیر مسلمان را بگزینند بلکه، برای ازدواج با یک مرد غیر ایرانی نیز باید از دولت اجازه بگیرند. از آن جایی که زنان ناموس اخلاقی جمهوری ولایه هستند، این مردان غیر ایرانی هستند که باید برای ازدواج با زن ایرانی از دولت اجازه بگیرند زیرا که زنان ایرانی حتی از اختیار این که خودشان اجازه مزبور را بگیرند نیز بی بهره اند.

بر اساس ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی، هر گاه زن ایرانی بخواهد با مرد «بیگانه» ازدواج کند، باید از دولت اجازه بگیرد. محمود بقال شیروان، رییس یکی از شعبه های دادگاه عمومی حقوقی ویژه دادگاه خانوادگی در تهران در گفتگویی با ایسا ۲۷ دی ماه، این اجازه را «پروانه زناشویی» خوانده و اجرای این قانون را سیاسی و در مصلحت دولت دانسته است.

وی همچنین می گوید: «طبق ماده ۱۷ قانون ازدواج مصوب ۱۳۱۶ هنوز هم کماکان به قوت خود باقی است، هر خارجی که بدون اجازه دولت با زن ایرانی ازدواج کند به حبس از یک سال تا سه سال محکوم خواهد شد.» عمر این قانون که به ۷۰ سال می رسد، مثل قوانین دیگر قرون وسطایی جمهوری اسلامی، زن را نه انسانی مستقل و آزاد و برابر با مرد بلکه موجودی درجه دوم به حساب می آورد. تا آن جایی که در امر چنین پیوندی، مجازات به مرد تعلق می گیرد که همسر ایرانی اختیار کرده است.

لوی ایجاد دموکراسی در این کشورها، توطئه ای بیش نیست و منظور از دموکراسی امپریالیستی، آن دموکراسی است که با تثبیت دولتهای چاکر و حامی خود، منافع امپریالیسم در خاورمیانه را تامین کند. چنین دموکراسی که رای های آن بیشتر از صندوقهای پنتاگون و کاخ سفید بیرون می زند تا از صندوقهای رای گیری در این کشورها، به هیچ وجه منافع ملت این کشورها را تامین نمی کند و خطری جدی برای زنان در مناطق اشغال شده است. اگرچه به گفته خود جرج بوش «جبهه جنگ ما فقط عراق نیست» و امپریالیسم برای پیشبرد اهداف سیاسی و اقتصادی از حمله به کشورهای دیگر در جهت کنترل سیاسی اقتصادی خاورمیانه کوتاهی نخواهد کرد و با وجود انبوه مشکلاتی که در عراق با آن روبروست، می تواند مجدداً به اقدام سیاسی و نظامی یک جانبه در منطقه ای دیگر دست بزند. بدین ترتیب، این خطر، موقعیت زنان در کشورهای دیگر، صلح جهانی و حقوق تمامی زحمتکشان را تهدید می کند.

زمانی که امپریالیسم بر طبل جنگ می کوبد، زنان باید برای تثبیت صلح در جهان فریاد بزنند و بهترین سلاح تشکیل جبهه ای قوی و گسترده برای تثبیت صلح در جهان است. بدین وسیله می توان مبارزه زنان را در سراسر جهان به سطح عالی تری ارتقا داد.

تعرض گستاخانه امپریالیسم به ابتدایی ترین حقوق زنان چه در ایالت متحده آمریکا و چه در سطح بین المللی، بسیار فاجعه بار است. ضرورت مبارزه برای دفاع از حق ملتها برای تعیین سرنوشت خود، بدون مداخله نظامی و مداخله دولتهای خارجی و مبارزه برای صلح در جهان از سوی تشکلهای مستقل زنان، نیروهای مترقی، صلح طلب و عدالت جو، مبرم و حیاتی است.

جنبش زنان، جنبشی جهان شمول است. بنابراین هرگونه صدمه به دستاوردهای این جنبش در هر نقطه از جهان، هرگونه عقب گرد، به زیان زنان در سراسر جهان تمام خواهد شد. جنبش مترقی زنان با جنبش سراسری در جهان برای رسیدن به دموکراسی، صلح و سوسیالیسم در پیوندی ارگانیک و ناگسستگی قرار دارد. بدین ترتیب، هماهنگی و پیوند جنبش زنان با جنبش بدیل جهانی سازی و ضدامپریالیستی می بایست در دستور کار قرار گیرد و با رشد مبارزه زحمتکشان علیه صندوق بین المللی پول، ناتو و بانک جهانی، در جهت مهار توطیه های امپریالیسم در سراسر جهان علیه حقوق دموکراتیک زنان و زحمتکشان گامهایی جدی برداشت.

## ادبیات ایران در هزاره دوم نگاهی به گذشته و اشاره‌ی به هزار سال مبارزه فرهنگی (۵۵)

اسماعیل وفا یغمایی

### قتل قائم مقام فراهانی

آغاز سلطنت محمد شاه با قتل وزیر خوشنام و ایران دوست، قائم مقام فراهانی همراه شد. قائم مقام فراهانی، داماد فتحعلیشاه قاجار، شخصیتی با کفایت، فاضل و هوشیار، از شاعران و نویسندگان صاحب سبک و برجسته روزگار خود و مردی سرسخت و مغرور بود. او سودای اصلاح وضعیت آشفته ایران را در سر می‌پروراند و به همین علت در حول و حوش خود تجمعی از افراد کاردان و با صلاحیت ایجاد کرده بود.

کارها و طرحهای قائم مقام را می‌توان در محورهای زیر خلاصه نمود:

۱- تلاش برای بهبود وضع مالی و اقتصادی ایران، کوتاه کردن دست اعیان و اشراف غارتگر و کم کردن حقوق شاه و روحانیون  
۲- مخالفت شدید با قرار داد اقتصادی ضمیمه ترکمانچای

۳- دفاع از استقلال و تمامیت ارضی ایران و کوشش برای الحاق سرزمینهای جدا شده از ایران به ایران  
۴- تصفیه وابستگان به دولت انگلیس در درون دولت و جلوگیری از مداخله دولت روس در ایران

۵- اخراج افسران انگلیس از ارتش ایران

۶- مخالفت با تاسیس کنسولخانه روس و انگلیس

۷- تلاش برای راه اندازی صنایع و معادن و بهبود وضع تجارت  
۸- تلاش برای فرستادن دانشجویان به کشورهای پیشرفته

تلاشهای قائم مقام خشم و نفرت دشمنان داخلی و خارجی را علیه او برانگیخت و زنجیره‌ای از توطئه‌های مشترک درباریان و اعیان مملکت، روحانیت و دولتهای روس و انگلیس آغاز شد. ایران سرانجام پس از قرنهای و پس از دوران فتحعلیشاه در خم کمند استعمار اسیر شده بود و دولتهای بیگانه وجود مردانی را که سودای استقلال و پیشرفت این سرزمین کهنسال و تاریخی را در سر داشتند بر نمی‌تابیدند. توطئه مخالفان سرانجام به زعامت حاج میرزا آغاسی به نتیجه رسید و شاه دستور بازداشت و سرانجام

قتل قائم مقام را صادر کرد. محمد شاه در آغاز سلطنت سوگند خورده بود که خون قائم مقام را بر زمین نریزد ولی سر انجام برای قتل او راهی شرعی پیدا شد. قائم مقام فراهانی در صفر سال ۱۲۵۱ هجری، ژوئن ۱۸۳۵ میلادی در باغ نگارستان طهران بدون آنکه خودش بر زمین بریزد با طناب خفه شد و جسد او در شاه عبدالعظیم دفن گردید. پس از قتل قائم مقام، وزارت محمد شاه به حاج میرزا آغاسی که فردی صوفی مسلک ولی نماینده اعیان درباری بود تفویض گردید.

### برخی وقایع دوران محمد شاه

لشکر کشی به هرات، سال ۱۲۵۳ - ۱۲۵۴ هجری، ۱۸۳۷ تا ۱۸۳۸ میلادی، شورش آقا خان محلاتی داماد فتحعلیشاه و رئیس فرقه اسماعیلیه، سال ۱۲۵۵ هجری، ۱۸۳۹ میلادی، اختلافات ایران و عثمانی بر سر مسائل مرزی و قتل عام نه هزار تن از شیعیان مقیم کربلا به دست والی بغداد، سال ۱۲۵۸ هجری، ۱۸۴۲ میلادی، شورش سالار پسر عموی محمد شاه در خراسان، سال ۱۲۶۲ هجری، ۱۸۴۶ میلادی اوچگیری مذهب بابیه در سال ۱۲۶۰ هجری، ۱۸۴۴ میلادی از دیگر وقایع مهم دوران محمد شاه قاجار است.

### ادامه ماجرای افغانستان و لشکر کشی به هرات

دربار فتحعلیشاه قاجار و خود او در رویارویی با روسیه، به دولت انگلیس متمایل و تحت نفوذ سیاستهای انگلیس بود، اما در دوران محمد شاه دربار ایران و محمد شاه بیشتر تحت نفوذ دولت روسیه بودند و ماجرای لشکر کشی به هرات را بیشتر از این زاویه باید نگریست. در لشکر کشی به هرات در حقیقت دولت محمد شاه قاجار بازیچه دولت روسیه تزاری در مقابله با دولت انگلیس بود. افغانستان در این دوران حد فاصل و سپر محافظ سرزمین هند بود که انگلستان آن را در قبضه قدرت خود داشت. دولت روسیه در این جنگ با کمک ایران تلاش می‌کرد با عبور از این سپر دفاعی راه خود را به سوی هند بگشاید. در نهایت، این جنگها به پیروزی سیاست انگلیس و شکست و ضعف هر چه بیشتر دولت ایران انجامید.

ادامه دارد

### زنان در مسیر رهایی

الف. آناهیتا

### هزاران تجاوز جنسی اما هنوز کسی مورد محاکمه قرار نگرفته است

لیبریا، سازمان عفو بین الملل - چهارده دسامبر ۲۰۰۴  
بر اساس گزارش این سازمان، زنی ۲۹ ساله می‌گوید که در حال فرار از اردوگاه آوارگان توسط سربازان دولتی دستگیر شده و آنقدر مورد کتک و تجاوز جنسی قرار گرفته که بچه خود را سقط کرده است.

یک سال بعد از انعقاد پیمان صلح در کشور لیبریا، حتی یکی از افرادی که مرتکب تجاوز و آزار و اذیت زنان شده اند، مورد مواخذه قرار نگرفته است. دولت انتقالی و نهادها و سازمانهای بین المللی نیز تمایلی به شناسایی افراد متجاوز گر و محاکمه آنان ندارند. سازمان عفو بین الملل در این گزارش نشان داده است که چطور تجاوز به زنان توسط دسته و گروههای گوناگون، بطور عمدی و آگاهانه توسط طرفهای دعوا در این کشور سازمان داده شده است.

این گونه آزار و اذیت نسبت به زنان، جنایت علیه منشور جهانی حقوق بشر و جنایت جنگی محسوب می‌شود. صلح پایدار در این کشور تا زمانی که مجرمان این عمل وحشیانه در مقابل قانون قرار نگیرند و محاکمه نشوند ممکن نخواهد بود. زنانی که مورد تجاوز جنسی و آزار و اذیت قرار گرفته اند، می‌بایست مورد محافظت و درمان قرار گیرند.

### ترس از تجاوز جنسی، زنان نجات یافته از فاجعه سونامی را دنبال می‌کند

دختر هفده ساله ای خسته و از پا درآمده از فاجعه سونامی، بر زمین سیمانی دراز کشیده بوده که متوجه می‌شود پدر بزرگش از پشت بر رویش دراز کشیده و در صدد تجاوز به وی است. صدای مشاخره دختر که تلاش می‌کند مانع عمل وقیحانه پدر بزرگ خود شود، به گوش اطرافیان می‌رسد و آنان با هجوم به وی، مانع این عمل می‌شوند. دسته‌ها و گروه‌های قاچاق انسان و تجاوز به زنان به صورت غیر منتظره ای بعد از فاجعه سونامی، فعال شده اند.

به گفته زنی که دو کودک و شوهر خود را در این فاجعه از دست داده است، وی بارها برای رفتن به دستشویی توسط افراد ناشناسی مورد آزار و اذیت جنسی قرار گرفته است.

در فاجعه سونامی، سی هزار نفر در سریلانکا جان خود را از دست دادند و یک میلیون نفر بدون خانه به جا مانده اند.

پلیس سریلانکا، حضور دست کم دو پلیس در کمپهایی که نجات یافتگان این فاجعه مستقر شده اند را اجباری اعلام کرد.

تجاوز به زنان در سریلانکا طی بیست سال جنگ قومی در این کشور، وضعیت فاجعه باری داشته و بسیاری زنان نژاد تاملیل که برای استقلال در شرق و شمال سریلانکا مبارزه می‌کنند، توسط نژاد سین هیل مورد تجاوز جنسی قرار گرفته اند.

سازمان ملل بالا بردن سطح امنیت و بیشتر کردن تدابیر بشردوستانه برای جلوگیری از حمله به زنان را مبرم و حیاتی اعلام کرد.

### حق انتخاب رای برای زنان در کشورهای عراق، ترکیه، افغانستان و پاکستان مورد حمایت قرار گرفت

واشنگتن پست: ششم ژانویه ۲۰۰۴  
یک نظر سنجی در عراق، ترکیه، افغانستان و پاکستان بیانگر حمایت اکثریت پرسش شوندگان از موضوعاتی که به مسایل زنان بر می‌گردد مانند حق رای، اتخاذ مدارک دانشگاهی توسط زنان، کار خارج از خانه و تصدی امور سیاسی و دولتی از سوی زنان می‌باشد.

تفاوت میان پاسخ مردان و زنان به این سووالها در کشور مصر بیشتر و در عربستان سعودی و ترکیه کمتر از همه جا بوده است. در مقابل سووال "آیا شما با داشتن حق رای برای زنان موافق هستید؟" آمار زیر از بین جوابهای "شدیدا موافقم" و "مختصر موافقم" در این کشورها گرفته شده است.

ترکیه: مردان ۹۶ درصد - زنان ۹۷ درصد، افغانستان: مردان ۹۰ درصد - زنان ۹۲ درصد، عراق: مردان ۹۳ درصد - زنان ۹۵ درصد، پاکستان: مردان ۸۷ درصد - زنان ۹۴ درصد، عربستان سعودی: مردان ۴۹ درصد - زنان ۴۴ درصد، مصر: مردان ۲۲ درصد - زنان ۶۷ درصد.

### مکزیک

### ده مرد به دلیل تجاوز جنسی و قتل زنان محکوم شدند

سازمان عفو بین الملل، هشتم ژانویه ۲۰۰۴  
ده مرد از اعضای باندهای تبهکار در شهر سیوداد جوارز، در نزدیکی مرز آمریکا و مکزیک، به حبس طولانی مدت محکوم شدند.

تاکنون بیشتر از سیصد زن در این شهر به قتل رسیده اند. چهار راننده اتوبوس به چهل تا صد و سیزده سال حبس در این رابطه محکوم شدند اما در روزهای گذشته، جسد یک زن بیست و پنج ساله دیگری در این شهر پیدا شد.

اشارت دیگر، مالاها را به تنهایی مورد خطاب قرار می دهد و بیشتر گرد مساله انتخابات عراق چرخش می گیرد. با نگاه با تهدید یک تهاجم بالقوه نظامی، آنها - مستقل از اینکه نتایج انتخابات چه باشد - باید پندار افزایش نفوذ خود بر کشور همسایه را از سر و پرونده های توسعه طلبانه خود خارج کنند.

سرآخر، مقاله آقای هersh می تواند انگیزه نیرومندی برای مذاکره کنندگان اروپایی باشد تا فشار بر شریک خویش به منظور دستیابی به یک نتیجه ملموس را افزایش بخشند و فرجه محدود زمانی که هر دو طرف در اختیار دارند را یادآور شوند. اطلاعات هersh از این زاویه، سیاست صبر و انتظار اروپا که با توجه به جدول زمانی انتخابات ریاست جمهوری مالاها تنظیم شده را به چالش می گیرد.

این سلاح ابتکاری به همان میزانی که قادر است تاثیرات دلخواه آمریکا را در بر داشته باشد، می تواند به عقب نیز شلیک کند. یک ارزیابی نادرست از پیام مزبور توسط مالاها، می تواند تلاش آنان برای دستیابی به سلاح اتمی را به عنوان تضمینی در مقابل تهاجم نظامی آمریکا فشرده تر کند. شرایطی که رویارویی نظامی را به امری اجتناب ناپذیر بدل خواهد ساخت.

برای رژیم جمهوری اسلامی، شرایط کنونی امید به زیست در شکافهای ناپیدای ژئوپولیتیک را از میان برده و ناکارایی راه حل های بینابینی را بر آنها مَهر کرده است. مالاها بیش از دو انتخاب ندارند: تقابل فوری در کلیه جبهه ها یا عقب نشینی تدریجی در تمام خطوط.

تدابیر هیاتهای حاکمه آمریکا و جمهوری اسلامی، ایران و سرنوشت مردمان آن را بر لبه تیغ قرار داده است و با گذشت هر روز، خطر سقوط به پرتگاهی بی انتهایی که این دو همچنان در حال کاویدن آن هستند، افزایش می یابد.

### هالیبرتون نیز در انتخابات ریاست جمهوری.....

بقیه از صفحه ۱۲

نظامی آنها بر روی باند فرودگاه، گویا به دلیل وجود یک شرکت خدماتی ترکیه ای در فرودگاه بود و همزمان لغو قرار داد تلفن همراه شرکتی دیگر از ترکیه به دلیل وابسته بودن آن به اسرائیل. نمایش آنها، باتوجه حضور اقتصادی بیگانه در ایران بازی می شد. اکنون همین نمایندگان به توجه حضور شرکت هالیبرتون پرداخته اند. حسن مرادی، عضو هیات رییس کمیسیون انرژی مجلس، در گفتگو با خبرنگار ایلنا می گوید: "تحریمهای یکجانبه ای که دولت ایالات متحده در سالهای آغازین پیروزی انقلاب اسلامی ایران بر ضد کشور ما وضع کرده بود، در حال فروپاشی است؛ اما ما نباید با جار و جنجالهای سیاسی به آن دامن زنیم." شاید حسن مرادی کرده های خود و هم باندیهایش را فراموش کرده است. درس دادن او به دیگران و اینکه به جاروجنجال سیاسی دست نزنند، قابل توجه است. اما شرکت هالیبرتون که بعد از اشغال عراق توسط آمریکا، چنگال خود را بر روی نفت عراق محکم کرده است، حوزه قدرت خود را گسترش داده و از مرزهای عراق عبور می کند. باتوجه به مذاکرات پیدا و نهان اقتصادی جمهوری اسلامی با کشورهای اروپایی، به نظر می رسد که این موضوع نوعی خط و نشان کشیدن برای آنها نیز باشد. در این میان شرکت های بزرگی چون شل و بریتیش پترولیوم که از نظر سیاسی شرایط را برای حمایت از رژیم به دلیل منافع سرشار نفتی آماده می کردند، از این موضوع به راحتی نخواهند گذشت.

به هر حال آنچه برای مردم ایران مهم است، این است که رژیم جمهوری اسلامی که در نزد آنان هیچ مشروعیتی ندارد، با بذل و بخشش منابع ملی کشور به بیگانگان، برای خود پشتیبان دست و پا می کند. بنابراین اینگونه قراردادهای از نظر مردم هیچ اعتباری ندارد و مشارکت شرکتهای بزرگ غربی در حفظ رژیم، مشارکت در ادامه نقض حقوق مردم ایران، کشتار و شکنجه و سرکوب آنان است. ۲۲ دی ۱۳۸۳

## گزارشی از نکات اجرایی یک کلان سیاست

بقیه از صفحه ۳  
نتایج گفتگوها تا پایان ماه مارس بمانند. رهبران کاخ سفید پنهان نمی کنند که هیچ تصور خوش بینانه ای پیرامون قانع شدن مالاها بر سر میز مذاکره ندارند و شور و حرارت دوستان اروپایی خود را بیشتر تمسخرآمیز تا جدی ارزیابی می کنند.

اقدامات مشخص دستگاه دولتی آمریکا در این راستا که آقای هersh نیز به افشای آنها پرداخته، آن روی سکه ی تاملات استراتژیک و کلی تری است که تحت شرایطی این چنین، بیان مادی خویش را یافته است. هنگامی که آقای بوش با اشاره به احتمال اقدام نظامی علیه مالاها، تاکید دارد که هیچ گزینه ای را از دستور کار خود حذف نمی کند، درحقیقت یک پرنسیپ ثابت در استراتژی امنیت ملی آمریکا را تکرار نموده است که به کارگیری ماشین جنگی را به

عنوان ابزار مشروع سیاست رسمیت می بخشد. همزمان و برخلاف تلاش ارادی یا ساده سازانه ای که از این اصل، مفهومی مطلق و بی درنگ را استخراج می کند، فرار گرفتن ساز و برگ نظامی روی میز معادلات سیاسی، اگرچه ماهیت و چشم اندازهای سیاست را دگرگون می کند اما هرگز به معنای خودپوی سازی جنگ نمی تواند انگاشته شود. شمشیر آویخته ی داموکلس می تواند فرود آید و می تواند همچنان آویخته بماند، این طریق نشستن است که درجه تهدید را

تعیین می کند. اطلاعات منتشر شده توسط نویسنده "نیویورکر" از این جنبه نیز دارای اهمیت است که بر ورود پارامتر جنگ در مناسبات بین المللی از طریق ارایه یک نمود عینی دیگر تاکید می کند. امری که نه فقط با نگاه به رژیم مالاها، گنجایش راه حل های تا پیش از این معتبر و سمتگیری تحولات سیاسی در دوران جدید را دگرگون ساخته و نیروهای درگیر را در برابر افقهای متفاوتی قرار می دهد. در این چارچوب می توان تاثیرات تاکتیکی افشاکاری آقای هersh که به گفته خود اطلاعاتش را از منابع "ناراضی و ناتوان در وزارت دفاع و پنتاگون" به دست آورده است و همچنین علت واکنش نصف و نیمه ی کارگزاران دو نهاد مزبور و کاخ سفید را بررسی نمود.

به سادگی تصورپذیر است که مقاله ی "نیویورکر"، رژیم مالاها و طرفهای اروپایی آنها را به یکسان تحت تاثیر قرار داده باشد و این واکنشی است که ایالات متحده بی صبرانه در برابر طرح مساله گزینه نظامی انتظار می کشد. نخستین پیام افشای تدارک چینی آمریکا برای گسترش "جنگ علیه تروریسم" این است که دشواریهای این کشور در عراق و آشفتگی پدیده آمده در قلمرو اشغالی، نباید هیچ نقطه ی دور یا نزدیکی در جهان را دچار این توهم سازد که ایالات متحده از سیاست محوری و اصلی خود یعنی "حفاظت از آمریکا در برابر تروریسم" و "گسترش دموکراسی به عنوان ابزار سرکوب این پدیده" دست کشیده و اقدام نظامی را از میز تدابیر خویش کنار گذاشته است.

## نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

سردبیر: زینت میرهاشمی

تحریریه: لیلا جدیدی

منصور امان

حفر پویه

زینت میرهاشمی

چاپ: انجمن فرهنگی نبرد

نبردخلق ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و بیان کننده نظرات این سازمان است. اما بدیهی است که از چاپ مقالات و مطالب فعالین سازمان و جنبش مقاومت و صاحب نظران و نیز ترجمه مطالبی که حجم نشریه اجازه می دهد و اطلاع از آن مفید است، خودداری نمی کند. مطالبی که با امضای افراد در نبردخلق چاپ می شود، بیان کننده نظرات خود آنان است که ممکن است با نظرات سازمان منطبق، همسو یا اختلاف داشته باشد. سرمقاله نبردخلق (با نام و یا بدون نام) بیان کننده نظر سازمان است.

برای اشتراک نبرد خلق با آدرسهای نبرد خلق تماس بگیرید

بهای اشتراک سالانه

اروپا معادل	۲۰ یورو
آمریکا و کانادا و سوئد	۳۳ دلار
استرالیا	۵۰ دلار
تک شماره	۱ دلار

## حقوق بشر رژیم را به چالش می گیرد

بقیه از صفحه ۲

زمانی که این احکام وحشیانه در قوانین جزایی و مدنی وجود دارد، سنگسار می تواند در شرایطی که فشار وارد نشود، اجرا شود. جمهوری اسلامی هر ساله در مجمع عمومی سازمان ملل متحد به دلیل عدم رعایت نقض حقوق بشر محکوم می شود. آخرین محکومیت، تصویب قطعنامه ای در مجمع عمومی سازمان ملل متحد روز دوشنبه گذشته بود. با تبلیغات پیرامون به ریاست جمهوری رسیدن خانمی، حکومت ایران یک مدت کوتاه از این محکومیت نجات پیدا کرد. به دنبال عدم محکومیت در مجمع بین المللی، نقض حقوق بشر، دستگیری روزنامه نگاران و فشار بر جوانان افزایش پیدا کرد تا جایی که دوباره در لیست محکوم شدگان قرار گرفت. حقوق بشر و ماهیت رژیم ایران در تضاد قرار داشته و رژیم را مرتب به چالش می کشاند. فعالیتهای پیگیرانه مدافعان حقوق بشر در این چالش دستیافتهای ارزشمندی دارد. بدون شک، برای پیاده سازی حقوق بشر تمامی قوانین ضد بشری موجود در ایران باید نابود شوند. ۴ دی ۱۳۸۳

## کروبی در جستجوی اختر اقبال

بقیه از صفحه ۵

آزاد به همراه "افراطیها" ندارد و با دست و پا از کشاندن شدن به ژرفای حاشیه نشینی سیاسی توسط آنان، تن می زند.

یکه تازی حجت الاسلام کروبی، موقعیت را برای "جبهه اصلاحات" بسا دشوارتر از آن چه که هست، ساخته است. در نبود محفل نزدیک به باند ولایت، استراتژی "چانه زنی" نیز از یکی از فاکتورهای بنیادی خود محروم خواهد شد. گوش همواردان به روی مویه های سهم خواهانه ی آنها بسته است و این را آقای خاتمی و نبوی به عنوان کارمندان بازنشسته شده دیوانسالاری به خوبی می دانند.

۱۶ دی ۱۳۸۳

# NABARD - E - KHALGH

No : 235 20. Jan . 2005 / Price: \$ 1 - 1 euros

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

NABARD / B.P. 20 / 91350 Grigny / Cedex / FRANCE  
NABARD / Postbus 9458 / 1006 AL Amsterdam / HOLLAND  
NABARD / Post fach 102001 / 50460 Koln / GERMANY  
NABARD / P.O Box , 1361 / Paramus.NJ / 07653 U.S.A  
NABARD / Casella Postale 307 / 65100 Pescara / ITALIA

www.iran-nabard.com

E.Mail: nabard@iran-nabard.com

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION

## اطلاعاتی در مورد

## انتخابات عراق

جمع آوری و تنظیم: مهدی سامع

۱۶ ژانویه ۲۰۰۵

### مقدمه

انتخابات مجلس ملی عراق، شوراهای استانها، و مجلس فدرال کردستان به یکی از مهمترین مسائل جهانی تبدیل شده است. هر روز هزاران خبر، گزارش و تحلیل در مورد این انتخابات منتشر می شود. سه جبهه پیرامون این انتخابات در داخل عراق وجود دارد. موافقان شرکت، تحریم کنندگان و کسانی که خواستار تعویق آن هستند که در هر یک از این سه جبهه گرایشها گوناگون سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی وجود دارد. این انتخابات در حالی برگزار می شود که عراق کشوری تحت اشغال است. با این حال بیشتر نیروهای سیاسی عراق این انتخابات را مسیری برای پایان یافتن اشغال ارزیابی می کنند. یکی از مهمترین تهدیدهای انتخابات عراق برآمد یک جمهوری اسلامی وابسته به رژیم ایران در عراق است. در اساسنامه مجلس اعلاى انقلاب اسلامی عراق با صراحت قید شده که هدف این مجلس استقرار نظامی اسلامی به رهبری ایت الله خامنه ای می باشد. مجلس اعلا و سازمان نظامی وابسته به آن که از «سپاه بدر» به «سازمان بدر برای توسعه» تغییر نام داده از ارکان اصلی لیست ائتلافی «عراق یکپارچه» که به لیست ایران مشهور است می باشند. بخشی از نیروهایی که خواستار تعویق انتخابات هستند به همین تهدید اشاره می کنند. در شورای حکومتی منتخب آمریکا که پس از سرنگونی حکومت صدام و حزب بعث قدرت را در دست گرفت، نیروهای وابسته به رژیم ایران نقش هژمونیک داشتند. قدرت این نیروها در دولت موقت کنونی کاهش یافته و در حدود ۲۰ تا ۲۵ درصد است. بر اساس قانون موقت عراق در مورد ترکیب مجلس ملی، ۱۲۰ کرسی به شیعیان، از هر گروه سیاسی، اجتماعی و مذهبی و ۷۰ کرسی به اهل تسنن و بقیه به کردها و دیگر گروهبندها باید تعلق گیرد.

در امور داخلی عراق، حمایت خود را از برگزاری انتخابات این کشور اعلام داشتند. شرکت کنندگان در نشست امان همچنین در بیانیه پایانی خود، «بخشهای مختلف ملت عراق را به شرکت در انتخابات آتی و سهیم شدن در تعیین سرنوشت و آینده خود دعوت کرده و اعلام کردند که انتخابات عراق تنها وسیله در مسیر دموکراسی، آزادی و زندگی مسالمت آمیز عراق در کنار همسایگان خود است.»

همزمان با این کنفرانس جرج بوش رئیس جمهور آمریکا در روز جمعه ۱۸ دی (۷ ژانویه ۲۰۰۵) اعلام کرد که: «انتخابات آتی عراق در روز ۳۰ ژانویه برگزار می شود و این لحظه ای تاریخی خواهد بود.» بوش خواستار آن شد که: «نسبت مشارکت عراقیها در این انتخابات بالا باشد.»

به نظر می رسد که مناقشه بر سر تاریخ برگزاری انتخابات در داخل عراق ادامه خواهد یافت و باید دید که در توازن کنونی نیروهای داخلی و بین المللی کدام یک از سناریوهایی که این روزها پیش بینی می شود به واقعیت تبدیل می شود.

جای تردیدی نیست که اگر رژیم ایران در عراق نقش هژمونیک پیدا کند و یا به نیروی غیر قابل مهار تبدیل شود، هم در عراق و هم در خاورمیانه دخالتگری آمریکا، بنیادگرایی مذهبی و اعمال تروریستی افزایش خواهد یافت و هزینه این رویداد را بیش از همه مردم عراق، ایران و تمامی نیروهای ترقیخواه منطقه خاورمیانه خواهند پرداخت.

بدون تردید در برگزاری یک انتخابات واقعا آزاد و دمکراتیک در عراق، بدون دخالت کشورهای خارجی، اکثریت مردم عراق به نیروهای مدافع اشغال و یا نیروهای مدافع حکومت دینی رای نخواهند داد و این نیروها نقش هژمونیک در عراق پیدا نخواهند کرد. اطلاع از آن چه در عراق می گذرد برای نیروهای ترقیخواه ایران و فعالان سیاسی، اجتماعی و فرهنگی اهمیت بسیار دارد. این مقاله با مطالعه صدها خبر و گزارش منتشر شده در رسانه های خبری تهیه شده و در مواردی و منجمله در مورد ترکیب بعضی از ائتلافها و تعداد کاندیداها ممکن است خالی از اشکال نباشد و یا در روزهای آینده با توجه به تحولات درون عراق با تغییراتی مواجه شود. بقیه در صفحه ۱۰

اکنون بیت خامنه ای برای دست یابی به قدرتی غیر قابل مهار در عراق خیز برداشته است. صدها روزنامه، تلویزیون، رادیو، انجمن و بناد خیریه در عراق که بودجه آن از طرف رژیم ایران تامین می شود به اضافه هزاران کادر وابسته به ارگانهای امنیتی و نظامی رژیم ایران در عراق فعال بوده و این فعالیتها در بیت خامنه ای و زیر نظر شخص او هدایت می شود. فرصت رایگانی که برای ولایت خامنه ای به دست آمده، نیروهای ترقیخواه عراقی که هم مخالف اشغال و هم مخالف استقرار نظام دینی در عراق هستند را با چالشی جدی روبرو کرده است.

بعضی از تحلیلگران سیاسی بر این باورند که آمریکا برای ادامه اشغال و ماندگاری بر حجم نظامی در عراق از صعود نظام مذهبی وابسته به رژیم ایران در عراق به طور غیر رسمی استقبال می کند. این که هم آمریکا و هم رژیم ایران به جد مدافع برگزاری این انتخابات در موعد تعیین شده هستند، یکی از دلایل این دسته از تحلیلگران سیاسی است.

خبرگزاری فرانسه روز چهارشنبه ۹ دی (۲۹ دسامبر ۲۰۰۴) گزارش نمود که، «بوش در مزرعه خانوادگی خود در کراو فورد تگزاس اعلام کرد که وی خواهان آن است که انتخابات عراق در زمان مقرر در ۳۰ ژانویه ۲۰۰۵ برگزار شود.» این موضع تمام مقامات آمریکایی و نیروهای ائتلاف می باشد.

روز یکشنبه ۱۳ دی (۲ ژانویه ۲۰۰۵) محسن عبدالحمید، عبدالحمید رئیس حزب اسلامی عراق (بزرگترین حزب مخالف برگزاری انتخابات در ۳۰ ژانویه) با هاشمی رفسنجانی در تهران دیدار و گفتگو کرد. در این دیدار رفسنجانی گفت: «تاخیر در انتخابات موجب گسترش چتر استیلای اشغالگران بر سرنوشت مردم و منابع این کشور می شود.» به نظر می رسد که رفسنجانی در این ملاقات تمایل جدی برای قانع کردن رئیس حزب اسلامی عراق برای شرکت در انتخابات نداشته و تنها خواستار عدم تاخیر انتخابات شده است.

روز پنجشنبه ۱۷ دی (۶ ژانویه ۲۰۰۵) کنفرانس وزرای امور خارجه همسایگان عراق در اردن برگزار شد. در این کنفرانس به جای کمال خرازی یکی از معاونان او شرکت کرده بود.

در بیانیه پایانی این کنفرانس که روز بعد صادر شد وزرای امور خارجه کشورهای همسایه عراق ضمن تاکید بر دخالت نکردن

## شهادت فدايي

### بهمن ماه

رفقا: ابراهيم پور رضا  
خلیق - سعید پایان -  
فتحعلی پناهیان - منیژه  
اشرف زاده کرمانی -  
محمد طاهر رحیمی -  
محسن بطحایی -  
عبدالمجید پیرزاده جهرمی  
مسعود پرورش -  
فاطمه اقدرنیا - جعفر  
محتشمی - پوران  
یداللهی - مصطفی دقیق  
همدانی - انوشه  
فضیلت کلام - کیومرث  
سنجری - حسن  
فرجودی - حسین  
چوخاجی - کاووس  
رهگذر - جهانگیر قلعه  
میانداوب (جهان) - فرشاد  
مرغشی - حمید مؤمنی -  
محمدعلی خسروی  
اردبیلی - قاسم سیادتی -  
بابک سیلابی - خسرو  
پنهای - مهدی  
اقتدارمنش - محسن  
نیک مرام - بهروز  
عدی - محمدجواد  
عرفانیان - محمدامین  
نورائی - اکبر پارسی کیا  
عباس تبریزی -  
مسعود رحمتی - حسن  
محمدپور - علی نوروزی  
بهنام قاسم زاده  
رضوی - جعفر (حس)  
رضایی - ابراهیم کردی  
مراد میرزایی - اسد  
یزدانی - اسماعیل بزرگر  
فریدون بانه ای -  
فاطمه محمدی - محسن  
نوریخس - حسن توسلی  
فردوس آقا ابراهیمیان  
میرمحمد درخشنده  
(توماج) - عبدالکریم  
مختوم - واحدی -  
حسین جرجانی -  
حمیدرضا هزارخانی -  
خسرو گلسترخی - کرامت  
دانشیان - در مبارزه  
قهرمانانه علیه رژیمهای  
شاه و خمینی برای  
نابودی امپریالیسم و  
ارتجاع و استقرار  
دموکراسی و سوسیالیسم  
طی سالهای ۱۳۴۹  
تاکنون به شهادت  
رسیده اند.